

سختی و افلاس و هائی جسته بقیه حیات را تفسی
راحت کشیده یکی از سیری و یکی در گرسنگی و یکی
از بیکاری و یکی از برکاری نخواهیم گذشت

اما وقتی باین آرزو نائل میشویم که اساس قانون
در مملکت مستحکم و احکام آن مرعی الاجرا گردد -
زیرا که در مملکتی که قانون نیست عدل پیدا نمیشود -
هرجا عدالت نیست درجات حدود و حقوق نامعلوم
است - پس از اینکه درجات حدود و حقوق معلوم
نشد - هرچه از روی عدل نماند عین ظلم است -
جاییکه ظلم رخنه دارد تمدن نیست هرجا تمدن نباشد
سعادت و برکات نیست

حضرت هنر از اسماء اعلیٰ حضرت سلطانی و
وزیر اعظم ملرا در انجام این خیالات عالی و افکار
نافه و آراء صائبه موفق و مؤید داشته و آراء علمای
ملت و بزرگان دانشمند دولت و کار آگاهان طبقات
رعیت را بنقطه مقدمه تأمین و اتحاد که اس اساس آن
خیالات و افکار است معطوف فرماید که در سایه
اجرای احکام قوانین حضرت سید المرسلین صلی الله علیه
و آله از بطاآت و بطالت و خود خواهی و فلاکت جمیع
اموال خلاصی جسته شان و شوکت کاسره خود را
تحصیل نموده که همایگان ملرا ملایم و حتی نخواهند
باش تا صبح دولتت بدمد

برنگه بنیان و سخن سنجان روزگار غنی و مستور
نست که علت هبوط نجم سعادت و رفع برکات هر ملت
و مملکت تعطیل و مساهله در اجرای احکام قوانین و
نظامات بوده - باعث تعطیل و تساهل گذشته از
مشغولیت و دنیا داری طبقه روحانی علمی و عدم
کار آگاهی اشخاصی است که چندی (ریمه من غیر رام)
زمام مهام را در دوش خود انداخته بدون استعداد و
معاونت کار آگاهان میخواهند مملکتی را منظم و مخلوق
را صرفه گردانند

از مسلمات است که این نمره اشخاص برای بقای
ریاست جمیع ذخایر و افره و فضیلت نامه با تمامی قوای
خود در استیجاب کار آگاهان میکوشند و باندازه بد حقوق
و خود رانی را پیشنهاد خود می سازند که احدی د -
نزد آنها جرئت اظهار سخنان نافع علمی ندارد -
قدا بر علمی و ضرور و خود رانی این نمره اشخاص

ولیعهد انگلستان برای سیاحت هند بر جهاز (دینون)
سفر خواهد نمود

§ مخالفت حملجات کارخانه (گاز) خانه پذیرفت
§ دولت انگلیس درباره خساره ماهی گبران بحر
شمالی دعوی شصت و پنج هزار لیرا پیش نموده و
سفارت روس مبلغ مذکور را پرداخت

حکومت مکتوب از طهران

(ای بنو مخصوص اجماز سخن)

پس از رفع ممنوعیت که انوار مقدسه جبل المتین که
انفائده هرگز ابدی خردمندان ملل اسلامی ازین جبل المتین
بریده میسازد عالم مطبوعات را منور و به بیت الشرف
خود قرار گرفت و کیلیم محترم دارالخلافه بحسن ظن و
صفای خاطر خود من بنده را از اهل این عظمت
شمرده و از اصلا و اهدای آن مرهون و سیاسی
گذارم داشت

مرحمته کمال حمد و بخش را در زیارت مطربانش
برده و صفای نیت و حسن عقیدت و حق گوئی و
وطن پرستی مجبول آنجناب صکه ناشی از منتهای درجه
انسانیت و کمال ملت پروری و ترقی خواهی و قوت
است خورشود و متشکرم میدارد

بتأییدات خداوندی امیدوارم که جناب شما را در
انجام مقاصد مقدسه خود موفق نموده و وجود محترم
را مظهر توفیقات سبحانیه خود فرماید

نگارنده از اشخاصی است که بزیارت روزنامه مائل
و ترقی و اعتلای اهالی وطن گرامی آمل نیایش بزرگان
و خیرخواهان دولت و ملت نغمه خود را از وظایف
موکده شمرده صمیمانه موقفیت آنان را از درگاه پاک
یزدان خواهند ام - هر وقت بزیارت جبل المتین قافز
میشوم قرائت ورقه اصلاحات جدیده که مبنی بر خیالات
عالیه اعلیٰ حضرت اقدس هابون ابداه و اقدامات و افیه
و زحمات کافیه حضرت وزیر اعظم در اصلاح مقاصد
وطن و ترقی مملکت است مشام را معطر و بصرم
را منور میگرداند

مقیمین دارالخلافه نیز باندازه حساسه خود احساس
صکرده که اگر چندی بجهاد در اکل تقاضی بذل
مجامعت شود همما قریب جمیع ایرانیان در ظل های
این سلطان و وزارت مطلقه این وزیر عطوفت از

صاحب قدرت جوان باعث اندرانی و متروکیت قوانین و نظامات گردیده بازار خود خواهی و افراط رواج گرفته رفته رفته مورت ویرانی اباداتی و پراگندگی اطلالی و ادای خواهد شد همچنین توسیع و ترقی مملکت رواج صنایع و علم و زوت زمانی بوده که معظمت امور جمهور در قبضه اقدار دانشمندان بی غرض و مرض بی طمع نوع دوستی افتاده که به خیر خواهی ملت در توسیع دائره نظامات و اجرای احکام قوانین و آزادی افکار و رضایت توقیر دانشمندان قدرت و مسامی بلیقه بکار برده اند. صاحبان ذوق سلیم باندک تعمق و تدبری در حالات ابن علقمی و حواجه نصرالدین و نظام الملک در زوال دولت عباسی و دوام مملکت حلاکو و ملک شاه سلجوقی بر صدق عرضم گواهی خواهند داد. در اینجا سخنان بسیار دارم بملاحظه عدم مناسبت خامه را معطوف و از فکر آنها صرف نظر کردم - درین عصر معدلت حصر چیزیکه مورت مزید امیدواری و علامت نیکبختی را با نشان میدهند آن است که ملت از برکت وجود علم و دانش یزلات و خطبات سابقین از رجال خود بی برده در جراند و محافل بالمان غفلتی را قدح و مصاب را قدح مینمایند - رجاء و اتق هست که این قدح و مدح آن مذهب و روش معنومه را که ناشی از آثار استبداد روزگار پیشین است مقروک داشته نتیجه این محاورات طبع اخلاقی گردد که در نمره چهارم و یک حیل الملتین آن یگانه حکیم متفرد دانش پژوه با نطق سبحانی و الهامات بزدانی مخاطب داشته اند

و از طرفی هم دور نیست محرم آن گردد که بزرگان دولت و رؤسای ملت از روی کمال بی غرضی و تعاطی انکار مقاصد مقدسه اعلی حضرت سلطان و او امریکه یوزیر اعظم القاء فرموده شده است بمحل اجراء گذارند تا انشاء الله تعالی باب علم و دانش مفتوح و ببرکت اجرای احکام قانون جلب خصایل و سلب رذائل نمایم و از روی خلوص عقیدت آیه وافی هدایه (ربنا لا توالخذنا ان نینا او اخطانا - ربنا ولا تحمل علینا اصرأ کما حمل علی الذین من قبنا) الی اخره متذکر شویم (باقی دارد)

امارت رامپور

هفتم اپریل لارده (کرزن) فرما فرمای هند جواهر

خانه و خزانه نواب رامپور را ملاحظه فرمود - و از معاهده جواهر فخره از قبیل یاقوت و زمرد و گوهر های نایاب اظهار شگفتگی و شگفتی نموده بعد از آن به مدرسه عالی به ملاحظه فنون جنگی قشون سواره رفت نواب (رامپور) شام را در باغ خاص با (لارده) مزبور خواهند خورد

ترجمه از روزنامه طمس بمبئی

طمس بمبئی در ماده تعیین قونسل روس در بندر عباس پس از اظهار غلغله و اضطراب چنین می نویسد دولت روس سالها بدین آرزوست که امتیازی حاصل نموده تا کشتیهای جنگی او بتوانند مابین جزیره قشم و بندر عباس انگر اندازند - این مسئله پوشیده نیست دولت انگلیس هرگز رضا نخواهد داد که درین مرکز اهم دولت دیگر دارای چنین امتیازی شده بر قوای بحری خویش بیفزاید و هر دولت که چنین امتیاز حاصل نماید دولت انگلیس حاضر است با تمام قوت خود این امتیاز را باطل سازد - دولت روس را تعلیمات نیکو در بندر (آرتھر) حاصل آمد - نباید بدین زودی فراموش کند و در تدارک بندر (آرتھر) دیگری اوقند و تعلیمی سخت تر از آن حاصل نماید

حیل الملتین

واقفاً قریب معرکه است - همایگان محترم ما که مریبان عالم تمدن و انصاف بشمار اند - نه تنها ما را زنده تصور ننموده بلکه خود را وارث بالاستحقاق ملک و ملت ما شمرده بر سر مرده ریگ مان منازعه دارند بارها نوشته باز هم می نویسیم که آینه خیالات ملل متعده و اقوامیکه حل فاضلات هوانم سیاست و بتلیک را نموده اند اخبار ایشان است - ما راست که از قرائت جراند همایگان نقشه خیالات آنها را در حق خود بیایم - هر کس خون ملیت و اصالت و ابرائیتش فاسد و خراب نشده از خیر ایران چشم نتواند پوشیده - لنا باواز بلند میکوشیم هرگز هرگز از همایگان تمدن ما امید خیر به ملک و ملت نباید داشت - هرگاه در مقامی اظهار مهربانی در حق ما نمایند همان مهربانی نصیب است نسبت بگوسفند - و اگر در ماده لبراز خصومتی با خصم ما کنند صدقات (چه دینم طاقبت کریم تو بودی) باید شان شناخت

پی هیلیرانیک خونش قاصد شده و آمدنش باقی است باید بایزایت نظر نماید نه بانگلیس و روس - روزنامه (طمس) بمبئی باید بداند که امروزه ایرانیان تا اندازه نیک و زشت خود را دانسته بی بضاعت امتیازات اجانب قلی سینگ العموم برده با منتهای استغناء چشم از منافع امتیازات اجانب پوشیده اند

ایرانیان را چه بر آن داشته که در چنین مرکز اهمی اجانب را اینگونه امتیاز بچسبند - امروزه دولت و ملت ایران خود مستعد و مقتدر اند که بندر عباس و هرمز و قشم را بندر (آزهر) خویش قرار دهند و جہازات جنگی آماده نموده این نیکو ترین بندر آسیا را لشکرگاه محکمشبای جنگی خویش سازند - اهمیت بندر عباس بمناسبات بسیار از بندر (آزهر) کم نیست و استحکامات طبیعی او بجهات عدیده از آن بیشتر است آنچه دولت روس در بندر (آزهر) صرف نموده اگر عشر آن را تا صرف کنیم دشمنان قوی تر از (ژاپون) نیز بر ما چیره نتوانند شد ایرانیان چون خود بدین نکات برده چشم ازین نوع عمده نخواهند پوشید و این موقع اهم را از دست نخواهند داد

میرسد روزی رقیب از اوج ما دست حسرت چون مگس بر سر نهاد

نماینده فوق الماده چین
نماینده فوق الماده دولت چین به کلکته آمده در (شبه) خواهد رفت تا درباره عهدنامه (لاسه) با حکومت هند در سر فراغت گفتگو نماید

اعلان رؤسای یهود برمه
چند نفر از رؤسای یهود برمه به (گزت) رنگون اعلان داده تردید نموده اند عنوانی را که اخبار مذکور طبع نموده که یهودیان در جنگ اقصای شرق همراهی با دولت روس میبایند - درین عنوان یهود ضد آن را مدعی و میگویند جمیع ممالک شمال هند را با ژاپون دانسته و با کمال خرسندی بدقتراعه مجروحین ژاپون شرکت کرده اعانه داده و میدیم - این عنوان همه مسدوق (چه برگشت زنجیر ما نکند) میباشد

تحقیق حادثات زلزله
(مسز ای - ایچ سیکو) که تازه از انگلستان آمده و در بمبایب خانه کلکته ملازمت دارد از طرف حکومت

جید در تحقیق تفصیلات زلزله روز دوشنبه بمبایب (دعوم ساه) روانه گردید - چه تفصیلات این نواح زیاده بر مفسلمات دیگر بوده است و آنچه تخمین شده سی هزار نفر درین زلزله زیر آوار جان باختند

قیامگاه عملجات در رنگون
براسطه ضیق مکان عملجات در رنگون حکومت محلیه امضا نموده که بیست و پنج هزار روپیه عمارتی جدید برای قیام آنان بیرون شهر تعمیر شود چه هجوم آنها در یک مقام تنگ هوا را طراب و مورت سرایت امراض مختلفه دوشهر میگردد - بروز مرض طاعون را نیز ازین امر تصور کرده اند

مستر دین وزیر خارجه هند
رئیس کمیسیون افغانستان

روزیکه (مسز دین) با اعضای کمیسیون از کابل حرکت میکرد - برف شدیدی بارید و بدین جهت در عبور از دره (لاتاند) اعضای کمیسیون را زحمت فراوان رسید عبور راه را به آسانی طی نمودند - بعد از مراجعت کمیسیون (مسز دین) شش ماه اجازه گرفته بانگلستان خواهد رفت و (مستر استوارت فریزر) کاکان بقیام مقامی ایشان بوزارت خارجه هند خواهد ماند

آگره
وقایع نگار (استیسی) از آگره مینویسد - معدن سنگ مرمر خیلی فشنگ و لطیفی در قلعه آگره پیدا شده میخوایند به کلکته برای عسارت یادگار و کتوریا از آن معدن سنگ بیاوند

و ورود کشتی جنگی ایران به بمبئی
بوم شنبه ۲۵ محرم کشتی جنگی ایران (پرسپلیس) وارد بمبئی شد - قونسلخانه بهار که بیرق بر افراشته و تا کشتی در بمبئی بماند احتراماً هم روز به بیرق خواهد افراخت کپتان کشتی در حاق که (مسز کاتر سال) رئیس گروک بندر عباس را همراه داشت در قوسنگری از جناب منضم السلطان وزیر مقیم رسماً دیدن کرد و نیز با رئیس اداره بحریه بمبئی دید و باز دید نمود

روز بعد جناب منضم السلطان رسماً بکشتی رفته باز دید کپتان نموده - برای احترام قدوم مأمور دولت اهدامت شلیک توب شد - کشتی مذکور برای مرمت آمده سه سال قبل نیز بمبئی خرج مرمت او شده است

مکتوب بوشهر

مراسله بخرین که حاکی وطن پرستی نگارنده اش بود ملاحظه شد - برای اطلاع وطن خواران غیور می نگارو - که از سر اکره و تقه خبر یافته ام که پس از رسیدن خبر حادثات و واقعات بخرین بطهران جناب مشیرالقوله وزیر امور خارجه ایران بطریق رسمی سخت (پروست) از سفارت نموده و نیز از وزارت خارجه و وزیر کمرکات نمایندگان دولت و رؤسای کمرک خلیج را بدین عنوان اعلام رسیده (ا. روی عهدنامه حقوق حاکمیت ما بر بخرین ثابت و کسی را حق تصرفات مالکیت ابدی در آن نیست - لذا مأمورین حکومت و کارگذاری و کمرک و پست مطلع باشند که تصرفات غیر مشروع دیگران باطلان حقوق دولت علیه را نخواهد نمود نباید هیچگونه حرکات آنان را امضا دارند) (م - ج - و)

جبل التین

ما در ذیل مراسله بخرین عقیده خود را نگاشته و ابطال خیال نگارنده را نمودیم که حقوق حاکمیت ما را تلگراف وزیر امور خارجه ساقط نمیکند - چه مارا آگاهی این کامل از مخارات وزیر خارجه با سفارت انگلیس بدست ازین مکتوب که یکی از موثقیین با اطلاق به اداره نگاشته ظاهر میگردد که رجال دولت علیه از تصرفات غیر مشروع دیگران برآشفته در سدد دفع اینگونه غائلات و احیای حقوق خویش برآمده اند - آنچه مسموع شده و تا اندازه قرین بسواب میتوان گفت حسب الامر اولیاء دولت وزیر کمرکات پنج فروند جهاز کوچک برای نگرانی سواحل خلیج فرمایش داده اگرچه اندک اندک این مراتب حقوق ما را در خلیج از تصرف اجانب نگاه میدارد - ولی چون بنفس امر رجوع تا نیم حریف سواره و ما پیاده ایم رقیب بر زور و ملامت درویم - او چهار اسبه در تنگابو و مالنگانگ در حرکتیم - ترقیبات ما اضافی است و از او حقیقی - مسلم است که با این وضع کاملاً حفظ حقوق ما دشوار است - پس ما راست که بحکمت عملی سدی در پیش قدمی رقیب بسته او را از تجاوزات آتیه باز داشته تا اندک اندک در حفظ حقوق خویش در آینده مقتدر گردیم و آن حکمت عملی فعلاً منحصر است بر اینکه در تجاوزات و اختلافات با همسایگان بلاد رنگ رجوع بمجلس حکمیت

(لاهی) تا نیم اگر چه مجلس حکمیت لاهی بواسطه عدم اتحاد دول قادر بر دفع جمیع اختلافات دولیه نیست - و بامید این مجلس ترک صلاح نتوان گفت - بلکه این مجلس پیش از پیش دول عظام را درازد یاد قوای جنگی حریص و جبری ساخت - مع ذلک در اختلافات جزئی که مبنی بر اجحاف و تعدی زبردستانه بینه باشد رجوع بدان مجلس خالی از فائده تصور نمیشود - چنانچه در حادثه بحر شالی و واقعه طاعنگیران اگر رجوع به نایب نموده بود جزیه برابردن جهازات جنگی و گناه دادن توپها بجانب یکدیگر رفع نمیشد - هر صورت باید قلع دعاوی حربانه همسایه را نمود و زیادههای او را محدود ساخت ورنه هر روز دعوی از نو پیش کرده سرحدی تازه باید به بندیم و در خانه ما یک گونه تصرفی جدید خواهد کرد و باین بهانه ها را فرصت خود سازی نخواهد داد

اعلان

سابق اطلاع داده بودیم که اگر بلیط های لاطری مدرسه مظفری تا آخر مارچ تمام بفروش رسد قبل از موعد یعنی در اواسط اپریل کشیده و تقسیم انعام خواهد شد چون بلیطها تمام بفروش نرسید لذا بموعده خود که چهاردهم جمادی الثانی است بلیط کشیده و تقسیم انعام خواهد شد (منصرف انجمن)

کیسیون تجار تی انگلیسان در ایران

مراسله از اعضای کیسیون به تاریخ هفتم فروری رسیده ظاهر میدارد که پس از امتحان اراضی معلوم شد زمینهای ریگزار (نرماشیر - جیرفت - و رودبار) و غیره همه قابل زراعت است همان قسمی که ریگستان (قطع) و (نشکی) اینک شاداب و زراعت می شود - و نیز درباره سیستان می نویسد که تجویز شده بود که نو آبادی از پارسیان در سیستان قائم شود درین باب گفتگو با شخصی از پارسیان ایرانی شده گمان نمی رود که در حل این مسئله پارسیان چندان مفید باشند - اعضای کیسیون در جیرفت شکار خوبی کردند و مستر (بوکان) رئیس کیسیون با نقشه های بسیار همه عودت نمایند

رنگون و بلای طاعون

وقایع نگار (استبسن) به تاریخ یازدهم از رنگون می نویسد که تا کتون با صد نفر مبتلای بطاعون و

حیصل و هفت نفر تف اعالی خلیل مشوش شده اند
در هر جہاز جوق جوق فرار می نمایند مجلس نجابت و
اداره بلدیہ در دفع خرابی و آبادی و صفائی شهر
سامی و اقدامات مجداہ میباید این امر نیز بیان شده
تا وقتیہ مکاتات طرضی برای عملیات جداگانہ تعمیر
بشود آب و هوای رنگون پاک و صافی نخواهد شد -

تکرافات

(۲۹ محرم الحرام - ۵ اپریل)

ک مارشل (اویاما) اطلاع میدهد کہ لشکریان ما از (قاپون)
به آرای حرکت و قشون روس را از تصبیحات و آبادانیهای
بن راه بیرون می کنند - فاسله ما با اردوی مرکزی
ختم سیزده فرسخ است

ک کونت (شیزکی) آتشی سفارت (استرا) که ژاپونیان در
سراخ وی بودند سلامت به اردوی جنرال (دیگبوف)
حلقی شده است

(۳۰ محرم الحرام - ۶ اپریل)

ک برخی از سیاسیون را عقیده این است کہ اعلیحضرت
ویلیم امپراطور (آلمان) اراده دارند در شوری ملی مسئله
(سراکو) را تصفیہ فرمایند

ک سفر آلمان (واشنگتن) دتہ ورقہ یاد داشتی بدین
صنوان نزد رئیس جمهوری پیش نموده کہ دولت آلمان میخواهد
ابواب تجارت (سراکو) را بروی عموم باز و حقوق تجارتنی
آنان را حفظ نماید - درین ورقہ هیچ گونه ذکری از
(فرانسه) نشده است - ورقہ مذکور بر رئیس جمهوری
اتالونی صدر (دوژووات) رسیده است

ک در (پتربرگ) خبری انتشار یافته کہ یوم دوشنبہ
در عمارت (زارسکو) در حالتیکہ جمعی از خلوتیان امپراطوری
موجود بودند شخصی بلباس قرآن و عہدہ - رهنگی داخل شده -
چون وضع حرکتش موجب بود خلوتیان او را گرفته از
لباسش دو نارنجک بیرون آوردند

ک سفیر انگلیس مقیم اسلامبول (سرنکولس روکوتز) درباره
عظام سواران عثمانی و دهقانان (مقدونیا) بر اعالی (بلنار)
به باعالی مراسله پیش نموده و متذکر شده است حادثہ
کہ در قریہ (ازروی) از قتل و غارت پیش آمده چنانچہ
سی و چهار نفر از یک خرابہ بیرون آورده اند
ک تصمیرات شهر (مندلہ) بر مہرا ۲۰۰۰ ، ۵۲۰۰۰۰ رویہ
تخمین نموده اند

ک مارشل (اویاما) اطلاع میدهد کہ ژاپونیان در سیزده
فرسخی راه (تلنگ - کارن) متوالیاً در حرکت اند -
دستہ قشون روس بر (شن شانون) حمله بردہ عقب نشانده
شدند - عدہ تلفات آنان دوست و نقصان ژاپونیان دست و
هفت بقلم آمده اند

ک پادشاه ایتالیا اعلیحضرت (امانیول) امروز بر جہاز
(هومر زولن) اعلیحضرت ویلیم امپراطور (آلمان) نسل
تناول نمودند - سفیر دولت (آلمان) نیز موجود بود -
اعلیحضرت امپراطور ویلیم بر جہاز جنگی ایتالی اعلیحضرت
امانیول پادشاه ایتالی را باز دید فرمودند
ک اغتشاش عظیمی در (پاریس) شده - چه از حوالی

شہر آلات جنگ و لباس حرب و تلویز زیاد و ہمیرہ بیرون
آورده اند
ک ظاہراہوا داران سلطنت کہ مشہور ہ فرقة (بوناپارت)
اند و در دل عناد جمهوریان و در سرہوای بغاوت دارند خواستہ
بودند کہ رئیس جمهوری فرانسه و سائر وزرا را گرفتار و
اصول جمہور را زیر و بالا نمایند - تا کنون بدین جرم یک
سرباز و یک کپتان کہ بسپی نصف مشاہرہ می یافتند گرفتار
نمودہ اند

ک در (ستیا) کہ در شرق جزیرہ (گرید) است بناونی عظیم
شده - دولت فرانسه بدانصوب جہاز جنگی فرستادہ است -
(۷ صفر - ۷ اپریل)

ک جنرل (خاروچ) اطلاع میدهد کہ ژاپونیان عبور
از (اوردنگار) به (ل سو) رجعت کردند -

ک مخبر (روتر) از (تلمبر) خبر میدهد کہ کبیسونی
غلبت بریاست (حکومت تن لویش) در تصفیہ عہدنامہ
تجارتی از (سراکو) به (فاز) و ہسپار خواهد شد

ک اعلیحضرت (ادورد ہفتم) پادشاه انگلستان بواسطت
مستر (راورک) وزیر ہند تلگرافا نظہار تأسف بصحبت
یافتہ گان زلزله در ہند موجودہ ولیعهد انگلستان ہم تلگرافی بدین
صنوان نموده اند

ک تلگرافی بہ نسل (ژاپون) مقیم بشی بدین مضمون
رسیده - کہ در تاریخ سی ویکہ مارچ ژاپونیان امن و امان
سکہ ہشت فرسخی شمال و شرق (قاپون) است متصرف
شده - و چہارم نیز (کوشو) کہ دو فرسخی شمال و شرق
(من و اہش) است قبضہ کردند - در چہارم روسیان
در شمال و غرب (شنگ فو) بہ ژاپونیان حمله بردہ سخت
عقب نشستند - تلفات ژاپون بیست و ہفت - و روس دوست
تخمین شدہ است

(۲ صفر - ۸ اپریل)

ک وقایع نگار (استندرد) از (سنگاپور) مینویسد - دست
و ہفت جہاز جنگی ژاپون در جنوب مغرب (پنہاک)
دیدہ می شوند

ک مخبر (روتر) از (پنہاک) خبر میدهد کہ در آبنای
(پنہاک) ہم جہازات جنگی ژاپون و هم روس دیدہ شدہ
ک مخبر (روتر) ساعت سہ عصر از (سنگاپور) خبر میدهد
کہ بیست و پنج جہاز جنگی روس کہ برخی حامل سیورسات
و قورخانہاند از سواحل (سنگاپور) عبور کردہ و بجانب
شمال و مشرق میروند -

ک مخبر (روتر) از (ہائیک کاک) خبر میدهد کہ دستہ
جہازات جنگی (چین) بخود سازی مشغول است و جہاز
(ستلجی) نام امروز بجانب (سنگاپور) روانہ خواهد شد -
ک مخبر (روتر) از (جوہانسبرگ) خبر میدهد کہ
جمعی را عقیدہ بر آن است کہ بعد از ختم مبعاد و حکومت لارڈ
(کرفن) فرمانفرمای ہند لارڈ [مستر] بحکومت ہند خواهد
آمد چہ لارڈ موسوف میخواہد مدت دراز آرام کند
ک جمعی از داآقران کہ در مسکو بران جلوگیری عرض
و با انجمن شدہ بودند بالزاسہای بی جا برخی گرفتار شدہ اند

(۳ صفر - ۸ اپریل)

ک چہارم اپریل جنرل اینویچ (اطلاع میدهد کہ در
شمال (سنگ توفو) دوازہ ساعت متوالی تنور جنگ شہور بود -
نقصان ژاپونیان خیلی زیاد بودہ - از ما چہل نفر مقتول شدند

خود بفرزاید. ژاپونیاں را عقیده این است که دولت را
لاابیت زیادہ برایشما هست می گویند که ما (ہارن) را
میگیریم و بر جیب ملچوریا مسلط میشود و نیز او دولت دوس
بجانب مغرب جلو گیری نموده مقابله خواہیم نمود

§ بموجب خبریکہ از (واشنگٹن) رسیدہ - چهار (دو) (دو)
با جہازات موشک شکن بہ (بلوان) روانہ شدہ تا تدارک کند
کہ جہازات دوس و ژاپون سواحل جزائر (فلپیان) را برای
مہام جنگی بکار نیارند

§ سفیر (آسریک) از (توکیو) بہ مقام (واشنگٹن) تلگراف
نمودہ کہ دو (کینڈا) جہازات بجانب نباید عبور میکنند -
اہالی را کمال اہمیت است کہ امیرالبحر (توگو) (کیننگ) را کہین
گاہ خود قرار دادہ است

§ او تلگراف (تباوہ) ظاہر می شود کہ در جزیرہ
(امبا) جنگ بین جہازات دوس و ژاپون جاری است ولی
مفصلاً حالات آن معلوم نیست بلکہ جہازات جنگی (ہولاند)
نیز در آنجا موجود است

(۶ صفر - ۱۱ اپریل)

§ بموجب مرسلاتیکہ از (سراسکو) رسیدہ - دو
(اوجا) جنگی بین قشون سلطان و باغیان پیش آمدہ باغیان
لشکریان سلطان را عقب نشانہ - از آن بعد قشون سرجدی
فرانسہ رسیدہ تدارک ملاقات کردہ خصم را ہزیمت داد

(۷ صفر - ۱۲ اپریل)

§ جہاز جنگی فرانسی (دسکارتس) با جہازات
موشک شکن دو (راس سنت جاکوس) موجود است و
جہازات (شرون) و (ستس) از (ساگون) روانہ شدہ تا
اعلیت را در سواحل شرق فرانس قائم دارند و بی طرفی
خوبی را در جنگ ثابت کنند

§ جہازات جنگی ژاپون در سواحل (سکوچین)
حرکت میکنند

§ جہاز جنگی انگلیسی (سلیج) نام کہ در [سنگاپور]
رسیدہ دیروز از قریب جہازات [بالتیک] گذشتہ بہ سمت
جنوب حرکت کرد - جہازات [بالتیک] الحال در حول و
حوش جزیرہ [اناس] لنگر انداختہ اند

§ امیرحضرت [ادورد ہفتم] پادشاہ انگلستان او
ہمدردی کہ ادارہ بلدیہ [پاریس] محصیت یافتگان رزلہ ہند
کردہ تلگرافا تشکر و امتنان خودشان را ظاہر فرمودہ اند

§ جہازیکہ حامل ذغال و (مدو) نام و چهار ہزار
[نی] ذغال (سکاردف) حمل دود و ظاہرا بہ
[نرجان ہندم] برای جہازات بالتیک می رد از بمبائک آوردن
ذغال دو (شاگون) ممنوع گردیدہ - مگر اینکہ جہاز
مذکور حطی بدین مضمون بدہد کہ حمل ذغال را بشوسط
قونسل انگلیسی باید ازین دو سر بازار چند بطریق نگہبان بر
جہاز کاشتہ اند

§ مجلس عظیم الذہبی از وکلا عدالت و ارباب قانون
روسیہ در پترسبرگ تشکیل یافتہ - و وجود حکومت و
مراحت بلیس مجورات چند پیش کردند کہ حیالات عامہ را
در اصلاح قوانین سلطنت ترجیب میدہد و مردم را تعلیم
میکند تا اصول سلطنت را بطور صحیح خواہا - شوند
کماکہ در آن مجلس شرکت نمودہ حکم شدہ است از
پترسبرگ فوراً خارج شوند و رہ آنها را بیرون خواہند
کرد

§ (طس) لندن می نویسند - مناسب است یک دفتر
لحاہ باسم (سرمایہ تصیرات) برای اشخاصیکہ از خدمات
رزلہ وغیرہ براد می شوند باز شود - تا اہالی ہند پیش از پیش
واقف بشوند کہ اہالی انگلستان میخواہند رشتہ تعلق خودہا را
با آن مستحکم تر سازد و این امر پیشترمایہ جلب قلوب ہندیان
شدہ وقت ردیف افروزی شاہزادہ (ویلز) و زوجہ محترمہشان
پیش از پیش اظہار ارادت و گرجوہی در استقبال پادشاہ
آنیہ خود نمایند

(۴ صفر - ۹ اپریل)

§ جنرل (کرویانکن) - پہ سالار سابق و جنرل (ایویج)
سپہسالار عالیہ روس در ملچوریا هنگام پذیرائی لشکریان از
آنان تلگرافا بہ امیرحضرت امیراطوری اطلاع دادہ کہ
لشکریان ما جان نثاران دولت و دارای محبت بلندند - و
عقیدہ لشکریان در آخرین فتیح و نصرت دولت روس اہدا
منزلت نیست

§ خبر (روز) از (سنگاپور) خبر میدہد کہ دستہ
جہازات (بالتیک) کہ عبارت است از شش جہاز رزم
پوش و نہ (کروزاز) و ہشت موشک شکن و شازوہ حال
و سہ جہاز کوچک (والتیر) و یک جہاز (سلیج) و
یک بیمارخانہ از (سنگاپور) گذشتہ

§ قونسل دولت روس با نائب امیرالبحر در گفتنی
گفتگو کرد - ولی بر جہاز رفت - جز گفتنی قونسل وغیر
(دو) گفتنی های احدی را اجازت بود کہ قریب آید
جہازات ذغال نرم استعمال میکردند دود آن از چند
میل معلوم بود توپ چی ہا و سرنگ اندازان بحری در
مقام خود خیلی مستند معلوم می شدند - ساعت پنج شام
بطرف مشرق روانہ گردیدند

§ خبر تازہ دربارہ دستہ جہازات (بالتیک) رسیدہ است
(۵ صفر - ۱۰ اپریل)

§ خبر (روز) از (سنگاپور) خبر میدہد - کہ دستہ
جہازات (بالتیک) کہ دیروز دیدہ شدند سرکب از جہازات
مشہورہ جنگی روس نبود - جہاز (قاز - ساووف -
سکندر تائی) و (برادیا) در آنها نبود معلوم نیست کہ
این جہازات کجا کین کردہ اند

§ پانصد نفر جینیان دیروز دومدن (چیر) ترنسوال را
کردہ بطرف (جوهانس برگ) رفتہ اند بلیس سوارہ سر راہ
بر آنها گرفتہ عقبشان نشانہ تلفات آنان چندان نیست - فرقتہ
معروف بہ کانر با (بلیس) در گرفتاری بلوآشیان ہراسی کرد
§ اشتیاقات جزیرہ (کریڈ) خیلی بالا گرفتہ دولت انگلیسی
و فرانسی و ایتالیا دستہ قشون بحری بہ (سلیج نوس) روانہ
داشتہ کہ بلوا را دفع نمایند

§ خبر (روز) از (تباوہ) خبر میدہد کہ چون دستہ
جہازات (بالتیک) در (مانتوک) لنگر انداختند چند جہاز
جنگی (ہولاند) با احکام سر بحیر بجانب جنوب روانہ شدند
§ دستہ جہازات (بالتیک) در (مانتوک) کہ از جزیرہ (مانکالت)
است تحت امر امیرالبحر (دورونسکی) لنگر انداختہ اند

§ خبر (روز) از (توکیو) خبر میدہد کہ دولت ژاپون
در ملچوریا برای انتظام و تدارک جدید روس مقابله نمودہ
ساعی است بر تمداد قشون خود دوگونہ وسہگونہ بفرزاید -
مظنون است کہ تا اوائل خزان یک میلیون لشکر بر آردوی

جبل التین کلکتہ

یکل کالج استریت نمبر،

وکلیہ امور ادارہ ما

یرکل مؤید الاسلام است

متنظم ادارہ

محمدجواد شیرازی است

هر دوشنبہ طبع

شنبہ توزیع میشود

بتاریخ دوشنبہ

۱ صفر ۱۳۲۳ هجری

مصادف با

۲ اپریل ۱۹۰۵ میلادی

از هر کس و هر جا بلا استثناء ابونہ اخبار

(مقدم گرفته می شود)

روزنامه مقدس

قیمت اشتراک

سالانہ — شش ماهہ

هند — و برمه

۱۲ روپیہ — ۷ روپیہ

ایران و افغانستان

۴ قران — ۷۵ قران

عثمانی — و مصر

۵ مجیدی — ۳ مجیدی

اروپا — و چین

۳۰ فرانک — ۱۷ فرانک

روس و ترکستان

۱۰ منات — ۶ منات

جبل التین

سنہ ۱۳۱۱

قبل از دریافت نمودن قبض ادارہ

خریدار نباید قیمت اخبار را باحدی تسلیم نماید (۱۰ منات — ۶ منات)

در این جریده از هر گونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید مافی بحث میشود

مراسلات عام المنفعہ مقبول و در انتشارش ادارہ آزادست

فہرست مندرجات

- اناقہ و انا الیہ راجعون • سیاسی • کمیون
- تجارتی • دفر اطانہ ہندوستان بہ باز ماندگان ژاپون •
- اطانت مصیبت رسیدگان زلزہ • مقدمہ سید اکبر علی
- کاتبیواری • تاریخ حرب ژاپون • مکتوب • سواد
- عریضہ • مادہ تاریخ • مکتوب از خراسان •
- جبل التین • مکتوب از آستارا • مکتوب از بمبئی •
- جغرافیای ایران • وزارت لشکر • اعلان • مکتوب
- از طهران • جبل التین • بلوچستان • ایضاً •
- ہرستان • مکتوب از بمبئی • مراجعت کمیسیون
- انگلیس از ایران • تلکرافات •

اناقہ و انا علیہ راجعون

نوابہ علیہ عالیہ شمس جہان بیگم فردوس محل
(تاج الہند) بیگم مرشد آباد مسلمانان بنگال را پشت و پناہ
و شیعیان را ملجأ و امیدگاہ بود - از دودمان نظامت
و نیز بانوی عظامی جنت مکان مرحوم جناب عالی انظم
بنگال و از عورات مجلہ با دانش و لیاقت مند و در
امور معاش متنظم و در خبرات و معرات بر ہمکنان
برتری داشت - در ساعت شش شام جمعہ ۱۵ صفر
(۱۳۲۳) در حالیکہ شصت و هفت مراحل زندگانی
را طی نموده بود بدون مقدمہ بمرض خفقان قلب این

جہان فانی را وداع گفت

شام روز شنبہ در حالتیکہ جمیع حماید و بزرگان
از مرطبکہ حاضر بودند جنازہ آن مرحومہ را با کمال
عزت و توقیر از خاک برداشته در (متیا برج) اطانت
گذاوردند جمیع مسلمانان خاصہ شیعیان را این داہیہ
عظمی خیلی مؤثر واقع گردید خداوندش رحمت فرماید
نوابہ علیہ را با اینکه دخل چندان بود چون
بطریق انظام رفتار می نمود مانند یکی از لطائفی
جلیل القدر جہی غفیر از پرتوش پرورش یافته ادارہ
معاش خویش می نمودند - روی معرفت می توان گفت کہ
بالغ بر پانصد نفر ازین دستگاہ فیض یاب می شدند نوابہ
علیہ را از طرف دولت انگلیس خطاب (ہرہائیس)
و (تاج الہند) مرحمت شدہ بود

از ایالت بنگال کہ طاقت بامارت مرشد آباد محدود
شد دو مسند مختصر یکی مردانہ و دیگری زنانہ باقی
ماندہ - زنانہ آن پس از رحلت نوابہ عالیہ والحدہ جناب عالی
کہ آخرین ناظم بنگال بود بہ نوابہ متوفیہ رسید - و از
طرف حکومت ہند - الاہ یکصد ہزار روپیہ می یافت -
نوابہ متوفیہ را یک پسر و چند دختر بود - و اینک از
آن مرحومہ یک دختر کہ نوابہ شہربانو بیگم زوجہ
عزیزہ (خان ہادر) حاج مولوی میرزا شجاعت علی

فورا ترك ميگویند. چون انگلیسان معصوم و بیگناه را بگریزند
 قلم داده و هر قدر اختیار انسان در مصر کم شود اقتدارات خود
 را در هند کم تصور مینمایند. مسلم است که بخساره های
 عظیم تن در داده حقوق و تصرفات خویش را از
 مضر کم نخواهد گذاشت. آلمان نیز این نکته را بیکو
 دانسته با اینکه در همراهی دولت عثمانی این دعوی را
 قوت بیش بود و بیچاره را بگراو کرده مسئله مصر را بفرست
 و موقع دیگر محول داشت

کیسیون افغانستان عودت بپند نمود ولی ایبا معلوم
 نیست که تا چه درجه مقضی المرام گردیده. اگر چه
 اخبار اف انگلیسی از امیر حلیه تعجیبات بلیغ نموده
 خویشتن را مقضی المرام جلوه میدهند ولی تا کجا مقرون
 بصواب است معلوم نمیتواند شد

از قرائن چنان مستفاد می شود که امیر حلیه زیر
 بار تکالیف جدیده نرفته ولی همان معاهداتیکه امیر متوفی
 والد مرحومش با انگلیسان نموده بود با برخی ترمیمات امضا
 داشته. و بهمان مقدار سالیانه که حکومت هند برای
 مصارف قشون افغانستان ذمه گرفته قناعت نموده است
 اخبارات انگلیسی مینویسند که بعد از رسیدن عهدنامه
 جدید بلندن آنوقت افشای حقوق عهدنامه خواهد شد.
 امیر حبیب الله خان مثل والد مرحومش هیچگونه اطاعت
 و تسلیم را از دولت انگلیس پسند نمیاید. این است که
 در هر امر مردم از استقلال میزند چنانچه اعطای خطابات
 سلطنتی بدرباریان خود این بیان را نکو تصدیق تواند نمود
 انگلیسان هم چنانکه با منافع آنها منافی و بگا و وکله
 شان ضرر نرساند سعکوت اختیار می نمایند. القاب
 سلطنتی بدرباریان بخشیدن اگر چه داعیه سلطنت مستقله
 را ظاهر نمیدارد؛ لیکن ضرزی بحال انگلیس ندارد. ولی
 هرگاه افغانستان نمایند بدربار یکی از دول بفرستد و
 یا نمایند یکی از دول را بدربار خود قبول کند معلوم
 است انگلیس ها چه گونه اقدام و چه قدر سختی نموده
 دم از ایفای بپهوه خواهند زد. همین قدر میتوان گفت
 کیسیون افغانستان اگر قائده حاصل نکرده درین راه
 بر خطر چیزی هم کم نموده است. امری تازه و مخالفی در
 بین واقع نشده و درین مدت دو پرده استار نماید
 مهم ترین مسائلیکه جالب توجه سیاسیون است همانا

قونسل دولت هلیه ایران مینباشند بیادگار است. هرگاه این
 ریاست را حکومت هند باقی نگذارد یعنی مشاعره معینه
 را هرگاه نرساند جمع کنیری از قترا و ضفا که ازین
 درخانه اداره معاش خویش میگردند حیران و پریشان
 خواهند گردید. مسلم است که حکومت هند نظر بحال
 قترا و ضفا و حقوق این خانواده جلیله بر دولت انگلیس
 این مقرر می را در حق نوابه شهر بانو بیگم برقرار
 خواهد نمود و جمع کبیر از رطایا را بمنون احسان
 خود خواهد ساخت

سیاسی

استغای مسبو (دلکاسی) وزیر خارجه فرانسه
 تا درجه اتفق سیاست را مکدر داشته. و صده سبب
 استغای مزیمه به اعتراضات شدید است که اعضای
 مجلس مبعوثان در ماده اتحاد آلمان با (سراکو) و مسافرت
 اعلیحضرت ویلم بتا بجزیره شارالیه نموده اند. اعضای
 مجلس مبعوثان فرانسه را عقیده این است که اگر روزاوت
 خارجه مسلک مال اندیشی را از دست نداده در معاهده
 با انگلیس مراعاتی از حقوق تجارتن و سیاسی آلمان نیز
 نموده بود هر آینه کارها بدین جا منجر نمی شد

واضح است که خیالات و مقاصد فرانس در باره (سراکو)
 آشکار گردیده ام بر اینکه سلطان و اعلی این مملکت اسلامی
 از فرانسویان متنفر شده و قیب درین و حق دار بزرگ
 هم که آلمان باشد سربلند نموده با هم حفظ حقوق
 خویش دعوی شراکت مینماید. هر پهلوی این مسئله
 ملاحظه شود خساره فرانسه مسلم است. قائده صده را
 انگلیسان حاصل کرده که حقوق موهومه فرانسه را
 تا اندازه بر مراکو مال المصلحه تصدیق حکومت فرانسه
 در حاکمیت خود به مصر قرار داده فعلا هم دعوی فرانسه
 بر مصر بواسطه تصدیق او مرتفع شده. و هم قذنی که
 میخواست و مقاصدیکه داشت از مراکو حاصل
 نه نمود

یکی از ارباب سیاست و عقیده این است. که همان قسم
 که آلمان در ماده مراکو دست اندازی نموده هم قریب
 به بهانه بانیکه در باره معاهد انگلیس و فرانس در مسئله مصر
 نیز دست اندازی خواهد شد. چیزیکه محبت انگلیسان سخت
 تر از فرانسه ها هستند و در اول مرحله هیاهوئی سخت
 می نمایند هرگاه در نازعه قصابان را پیش از قطع یاقتند

را از ساحل هندو چینیا حرکت دهد - ولی مدد کافی از محل ذغال و سیورسات بجهازات بالتیک در کامران رسیده است - سیاسیون نظر باقتضای وقت صلاح درین دیده که زیاد برای فرانسه سختی نه نمایند این مسئله را پیش ازین بزرگ سازند ازین رو ملت ژاپون را آرام میسکنند دور نیست اگر سختی ژاپون در اعتراضات خود کم شود (مسبو واکاس) استغای خود را باز گیرد و بسپد خویش باقی ماند

هنوز هیچگونه قایقه بجزی بین کشتیهای جنگی انگلیس ژاپون و جهازات بالتیک واقع نشده ولی طرفین با خایت هوشیاری در کمین اند هم قریب بر یکدیگر تاخته و جنگی بزرگ پیش خواهد آمد پس از ورود جهازات بالتیک باینجا گفتگوی صالح مرتفع و جنگ را ابتدا تصور مینمایند. دولت روس لجاحت را ختم کرده و تا وقتی که مصارف جنگ را میتواند اداره نمود خواه شکست یابد یا فتح ظاهراً باختیار ترک جنگ نخواهد گفت حلو خزانه روس را يك نکته کفایت است که بتازگی حکم نموده جمیع ذخائر ملیه و منهدیه رطایرا از قبیل موقوفات و غیره ضبط نموده و صدی سه سود آن را ذمه گیرد واضح است که این مسئله تا چه اندازه ملت را برخلاف دولت بر می انگیزاند و عایه مخالفت و تفرات از دولت میشود

از میدان جنگ خبریک اهمیت داشته باشد نرسیده همان قسم ژاپونیان جلو رفته و روسیان عقب می نشینند درست معلوم نیست که لشکریان ژاپون را چه قدر فاصله نامارین است ولی از وضع حرکات آنان ظاهر میشود که مسافت عمده را طی و مشکلات بزرگ را حل نموده اند

امریکا - میلی حالب نظر دقت سیاسیون شده خبری است که از حرکت جنرال کروکی در محاصره [ولاد بوستک] انتشار یافت هرگاه این خبر مقرون بصحت باشد مجبوراً جهازات بالتیک هر قسم هست باید خود را بولاد بوستک رساند امر را فیصله و جنگ را بیکطرفه نمایند چون رسماً درین موضوع خبری نرسیده معلوم نیست تا کجا مقرون بصحت باشد

شدت و سختی اعتراضات ژاپون بر فرانس در حرکات و اقداماتیک میکنند بی طرفی جنگ اقصای شرق است میباشد مبنای این شدت و اصول این اعتراض ها نا قیام جهازات بالتیک در ساحل (ایندوچینا) و خلیج کامران است - احدی از سیاسیون را شبهه نیوده و نیست که دولتین فرانسه و آلمان در جنگ اقصای شرق باطناً طرفدار روس بوده و هستند - ولی تا جلیکه ممکن است مائل نیستند که طرف کینه جوژ ژاپون واقع گردند - هرگاه دولتین آمریکا و انگلیس با ژاپون هم عهد بنهند باخلاق با روس تا امروز ژاپون را از میان برداشته بودند - این است که بجهازات بالتیک تا جلیکه منافی با بی طرفی نیست علناً روس را مدد رسانده و مبرسانند و تا حدی هم که ثبوت نتوان داد و سختی ماند روس را تأیید کرده و میکنند - ژاپون چون بدوا عظمت قوت خود را تا ایندرجه بر طلمیان آشکار نکرده بود میدانست اگر اعتراض سکند - چندان با اعتراضات وی اهمیت نخواهند گذارد - ولی در برده تحقیقات لازمه خود را مینمود اینک که قوت خود را بسرحد کمال جلوه داده و طرف داریهای فرانسه از روس علناً طرفداری دولت مشارالیه از روس ثابت مینماید رسماً بنای اعتراض را گذارده و بشدت بازخواست مینماید برخی را عقیده این است که یکی از اسباب استغای وزیر خارجه فرانسه اعتراضات شدید روسی ژاپون است

ژاپون نه تنها اعتراض به همراهیهای حالیه فرانس در ساحل (ایندوچینا) نموده - بلکه اعتراضات خود را در توقف جهازات بالتیک بساحل مدیکاکر هم پیش کرده - از یکطرف دولت انگلیس بنسبت آنکه مبدا شراره جنگ اقصای شرق دامانش را فرا گیرد تأیید اعتراضات دولت ژاپون را بفرانسه کرده - از طرف دیگر ملت غیور ژاپون مجامع عدیده منعقد و فصول مضره بر مخالفت حرکات فرانسه با کلمات خشن پیش و ولوله در اروپا انداخته اند - دولت فرانسه را دست و پا گم شده از یکطرف بالفاظ این دولت ژاپون را اطمینان از بی طرفی خود میدهد - از طرف دیگر حکام ایندوچینا را ازین حرکات بر خطر جهازات بالتیک متنبه کرده و تأکیدات آکیده نموده است که شرایط بی طرفی را از دست ندهند - و نیز در این ماده [بیتزبرگ] عذیره کرده که دولت روس امیرالبحرهای خود را ازین حرکات خطر آمیز باز دارد - و فوراً جهازات بالتیک

کیسیون تهارتی

وقایع نگار (اندین دیلی تلگراف) که خود از اعضای کیسیون است مینویسد - درین مسافرت با در مقام (بانی) خیلی خوش گذشت و تاکنون چنین لطفی در ایران نبرده بودیم - در آشنای مسافرت خرابه (نسا) را که شهرکته در (کروقد) (وجنوک آباد) بود عکس گرفتیم - از آثار پایان است که در آن نواح قبل این شهرهای خیلی بزرگ باشکوه بوده و قلعه (نسا) هنوز مستحکم است با آنکه همه را از کل و خشت ساخته اند فعلاً آری از او باقی است مع ذلک از ملاحظه آن لطف و حلی حاصل میشود خرابه های کهنه ایران انسان را از ترقیات این قوم مأیوس می کند - در این ممالک سنگهای بسیار خوب آهک با فرط دیده میشود و سنگ گچ هم هست که گچ می بزند - معماران ایران بسیار صاحب خیالات بلند و در فن خود کامل بوده اند ولی مثل زطانه موجوده در ارمنه قدیمه نیز معلوم میشود در اینه کل را ترجیح میدادند - شک نیست گل ایران قوت جاذبه فیزیکی دارد چه مامشاهده می کنیم از اندرون همارتهای باشکوه و گنبدهای بلند کهنه کلی در محراب و سقف اشیاء آرایشی خیلی آویخته اند و حال آنکه همه گل است - گل ایران بهترین گلهاست که در ممالک دیگر دیده نشده ولی باین آسانی و سهولت کارها باز در تکامداری آثار قدیمه مسکوتانی کرده هم ویران شده اند - همارتهای رفیحه بلند به پشته های خاک مبدل و خیلی زشت بنظر می آیند - و زارعین جامل چون کسی نمی برسد نیچه گرفته از روی جهالت از خرابه های معابد مشهوره کل برای کشت زارهای خلویس می برند - ایرانیان اگر مثل اهالی فرنک افکار عالی داشتند و معنی شرف و سیادت را دانسته بودند سواد شهرها و همارتهای (برسپولس) و (سارس) برای نفعان دادن عظمت سابقه ایران در عالم باقی می ماند

اعانه هندیان بازماندگان مقتولین ژاپون

(مستر هیاشی) قونسل ژاپون مقیم بمبئی اطلاع میدهد که تاکنون از اعانه هندیان وجهی برای ایتم و سربازان و ملاحان ژاپون که در جنگ شکسته شده رسیده (۹۲۹۹۵) روپیه است این وجه به (بکومانا)

در دفتر مخصوص تسلیم شده است

اعانه مصیبت یافته کان زوله

حکومت هند چنین رأی داده تقصایک از زلزله باید عده چنان نیست که لازم عود در انگلستان برای وی دفتر اطاق باز نمایند - این قصه کافی است که حکومت ملایک بنمه زارعین تعلق گرفته معاف دارد و برای خرید دواب و مواسی و تعمیر مکانات و حصول بزر و جعی بطریق استقرارش بآنها داده شود پنج هزار لیرا برای این امر کافی و بیش ازین در هندوستان میتواند جمع شد

مقدمه سید اکبر علی کاتبیاواری

روزنامه (امرات بازار بقره) ۱۳ اپریل می نویسد چند مرتبه ما کیفیت مقدمه سید اکبر علی و دیگران حکم در امارت (جونانگه) است تحریر نموده ایم - دعوی مدعی اینست حکم ریاست (جونانگه) حضرات را از املاک خود محروم کرده - بناء علیه در اکتوبر گذشته مدعیان بوکیل سیاسی حکومت هند استغاثه نموده از (کنترل کنده) وکیل سیاسی فرما فرمای هند - مقیم کاتبیاواری چنین جواب یافته اند -

بجواب عرضداشت مورخه بیست و ششم ماه گذشته سید اکبر علی وغیره ساکنین (سکهدا) از مضامین (جونانگه) فعلاً مقیم کلکته نگارش می شود که نقل حکم نامه عدالت (جونانگه) که از روی آن شهاارا از املاک خود محروم کرده اند روانه نماید - امارت (جونانگه) در جواب می نگارد که به موجب قاعده تقویض اراضی امارت زمین آنان مشخص شده هیچ قطعه اراضی آنها را امارت ضبط نکرده است - لذا مدعیانرا لازم که توضیحاً بنویسند که از روی کدام حکم کدام قطعه مخصوص آنها را از طرف امارت تفرق کرده اند

از قراریکه اطلاع یافته ایم سید اکبر علی عرض داشت دیگر مشروحاً بوکیل سیاسی حکومت هند قدیم نموده مدلل داشته است که از دوازده سال باین طرف شکایت از این معنی داشته و آنان را از حقوق قدیمه و املاک آبائی محروم داشته اند یقیناً وقت آن رسیده که درباره آن انصاف شود - و حق بحق دار واگذار گردد

تاریخ حرب ژاپون

(از شماره ۲۸)

دوائر و شعبات ارکان حرب

- ۱ . دائرة مدافعة ملي
 - ۲ . دائرة نسيفات و سوقيات
 - ۳ . دائرة اردو و استاتستيق قواي حربية و عسكرية اجانب
 - ۴ . دائرة نقليات و وسائل مواصلة عسكرية
 - ۵ . دائرة شعبه تاريخ فنون حرب
 - ۶ . شعبه تقسيم اراضي و طبيوغرافيا
- کسی که رئیس دوائر اول و دوم و سوم میباشد به همه ارکان حربی که در داخل دوائر حکومت و یا آنکه در دوائر خارجه میباشد کلیتاً نظارت دارد
- معارف عسکریه و عساکر راه آهن که از عساکر قدیمه بشمار میآیند و بلگراف و بلونجی و کبوترچی و آژانس مپلرها که بحکومت اجنبیه ارسال میشوند تماماً بنظارت فوق تابعد آژانس مپلرهای دوات ژاپونیا در برلین ولوندره و پاریس و پکن و سن پترزبرگ و روما و وینا و واشنگتون هستند
- هیئت ارکان حربیه کوماندانهای بزرگ و فرقهها و لواها بوجه آتی است
- (هیئت ارکان حربیه يك کوماندان بزرگ)

که از میان صاحب منصبان ارکان حرب تفریق و انتخاب شدهاند	}	۱	رئیس ارکان حربیه سرتیب اول
		۲	سرهنگ و یا سرتیب دوم
		۳	سلطان
که از میان نامزدان ارکان حرب تعیین و انتخاب میشوند	}	۱	سرهنگ و یا سرتیب دوم
		۲	سلطان و یا نایب اول
		۳	مأمور مصارف

ضابط کوچک که بوظیفه تحریرات میپردازند

من حیث المجموع هفت ضابط بزرگ صاحب منصب و پنج صاحب منصب کوچک

(هیئت ارکان حربیه يك لوا)

که از نامزدان ارکان حرب انتخاب میشوند	}	۱	سلطان
		۲	نایب اول
		۳	صاحب منصب کوچک تحریرات

من حیث المجموع دو صاحب منصب بزرگ و سه صاحب منصب کوچک و یا خارج از نظام

(هیئت ارکان حربیه بك فرقه)

که از صاحبان منصبان ارکان حرب تفریق و انتخاب میشوند	}	۱	رئیس ارکان حربیه سرتیب دوم
		۲	سرتیب سوم و یا سرهنگ
		۳	سلطان
		۴	سرهنگ
که از میان نامزدان ارکان حربیه انتخاب میشوند	}	۱	سلطان و نایب اول
		۲	

۴	مأمور مصارف
۸	جبهه کتابت صاحب منصب کوچک
۲	معاون جبهه کتابت از افراد عساکر
۹	رئیس دیوان حرب سرهنگ
۲	اعضای نایب اول
۴	ایضاً صاحب منصب کوچک
۱	طیب اول
۱	طیب ثانی
۱	معاون طیب
۱	دواساز
۱	بیطار اول
۱	معاون بیطار
۸	ساحب منصب کوچک کاتب
۴	تلگرافی

من حیث المجموع عبارت از پست و یک صاحب منصب کوچک و شش نفر از افراد عساکر

(ضابطان - صاحب منصبان کوچک)

در اردوی ژاپون درجه صاحب منصبان کوچک بر وجه آتی است

- | | | |
|-------|---------------------------|---------------------|
| (۱) | بامعاش | (نفر) |
| (۲) | ساحب منصب صنف دوم | (دهباشی) |
| (۳) | از صنف اول ساحب منصب کوچک | (وکیل) |
| (۴) | وکیل باشی | |
| (۵) | وکیل باشی | (نامزد صاحب منصب) |

ابقاً در شهر (فوفووانی) که در قریب شهر توکیو میباشد مکتبی مخصوص جبهه تدارک صاحب منصب موجود بود بالاخره او را لغو نموده و امروزه این گونه ضابط و صاحب منصبان را بتوسط فرقهائی که از میان آلیها تخصیص و تفریق میشود تعلیم و تدارک مینمایند

ترویج ایشان همه حال بته اجرا و تکمیل نمودن مدت نظامه آتی است

دهباش دو سال - وکیل یک سال - وکیل باشی دو سال - در رتبه که هست باید بحسن اتمام وظیفه خود به پردازد تا رتبه نامزدی ضابطی را احراز تواند نمود

و نامزدان ضابط با اصول و شرایط آتی است (ضابط - صاحب منصب) تواند شد بعد از امتحان دادن در دروس مکاتب رشده و اعداده داخل مکتب حربیه توکیو شده و پس از اكمال مدت تحصیل آنجا داخل صنف ضابطان میشوند

قاید که جبهه آنان حاصل شده اینست که تا به پست و پنج سالگی میتوانند تحصیل قنون عسکری بنمایند ولی دیگران مدت تحصیلشان تا سن پست سالگی است

در حالتیکه دولت ژاپون جبهه آنکه بطور مکمل ضابط کوچک برساند درمیتها درجه حصر عزت نموده باز بسبب عدم کفایت مقرر است که از اهالی هر آن کو آرزومند شود و شایستگی هم داشته باشد بعد از دادن امتحانات لازمه در مسلك صاحب منصبان کوچک داخل تواند شد (باقی دارد)

مکتوب

جناب مجدالایمان که از مشاهیر ادب و معارف
فضلی است عنوان ذیل را برای درج در نامه مقدس
فرستاده تمجیل نمودیم

قبله ارباب فضل - مدیر جبل‌التین
جلال دنیا و دین - سایل جبل‌التین
آنکه بود جد او - خاتم پیغمبران
وانکه بود جدش - شفیه مذبذبین
آنکه سز دگر شوند - طفل دبستان او
همید و ابن حسام - لید و ابن یمن
چشم خرد چون بدید - یاب فضل و را
گفت مرا تر بود - از فک هفتمین
ز شهر کاشان عجب - بود آید برون
چو مجدالایمان یکی - یکی چو جبل‌التین
نخرو شرف بس مرا - که باشم در جهان
ملکتی آبخان - هموطنی این چنین

بعرض عالی و المفخر المعارف و المعالی میراند -

اندر چه بر حسب ظاهر بغیض ملاقات جناب سالی نائل
نهدام - ولی (جلوه فضل تورا در هدایای ینم) همواره
ترقیات روزنامه مقدسه جبل‌التین که بر تکلف منصفانه
و تصلف شاهرانه سفینه بر از گوهر گنجینه مملو از
دور در هر سطرش یکجهان نکات دقیقه ضمیر و در
هر حرفش یک عالم مسا - انچه مدغم است از درگاه
خداوندی مسلمات میبایم - که خردمندان را از آن حرمن
حوش و از آن طوان هنر نوشته بهره و نصیب آید
پس است سخن جوهریست علوی که یکی از بدایع
فطرت و نتایج فکرت الهی است و عقول در ادراک
طبعیت آن بحیرت اندر است و اثر سخن در جهان
یشت از همه چیز نمایان است - در تعریف سخن همین
بس که اشیاء طاقی الوجود را بآن تعریف میکنند ولی
آزما باز بجهت آن توصیف مینمایند عجز الوافون عن صفة
اگرچه در این دور بهر طور عرض کالای هنر دکان
بیرونی گفادن است و متاع بی‌مشتی نهادن - چراکه
قدر و بهاء گهر نداند مگر گوهری اصل - و نقد نام
عیار نفیست مگر صبری عاقل - تا کی مقدر و ميسر
شده باشد که از حکم عدم بعرصه وجود جلوه نمود
ناید تا چهره حال ارباب کمال بچین توجهشان جهانی گیرد

و بضاعت افضل هنرمندان بحسن عایتشان کالی پذیرد
نمره که از اکتساب آداب و قواعد و قوانین اولوالالباب
و اشخاصی که در تحصیل علوم و تکمیل رسوم و
آداب مدنیت و زاکان انسانیت مشهور و نتیجه سکه
حاصل شده همین است که یکصد تومان مواجب دیوانی
مخلص مفلس را اولیای وظایف بحسن لطایف ضبط
و پروات دو سه ساله را در سیاه چال کف توفیق
نموده اند لاسیل الی الخلاص ولات حین مناس
(تا مگر لعاف شهنشاہ برون آردشان)

در هر صورت خوشبخت کسانی که بیوسته با شاعره
سخنان خوب سودمند همت گماشته و بدان واسطه بیرق
زندگانی افراشته (طوبی لهم و حسن مآب) چون از
دیر گاهی بود تا کنون مائل بودم که بوسیله از وسایل
ارسال رسائل حضور سالی بنام اکنون لازم آمد که
ماده تاریخ وفات مرحمتاب شاهزاده و جیه الله میرزا
امیرخان سردار سپهسالار اعظم تهمده الله بنفرانه و تیزیت
نامه که بسده سدیدالاساس شدیدالمراس وزارت کبری
صدارت عظمی شاهزاده عین‌الدوله ادام الله تعالی ایام
وزاره و صداری نگاشته بصوب شرافت اوب عالی افتاد
دارم پس از ملاحظه چنانچه مقتضی باشد بمقتضای
عوالم معارف پروری که دارند امر بدرجش خواهند
فرمود و از تغییر و تبدیل و جرح و تعدیل آن هم
دریغ نخواهند نمود - والا بسوزش در آتش بشویش
در آب

(سواد هرینه)

(بحضور مبارک شاهزاده صدارت عظمی)

همه حیرتم که با خاطر غمگین عرض تیزیت و
تسکین را با زبان نداری که دارم چگونه بسز عرض
والا رسانم - علم الله تعالی سکه از ظهور حادثه کادنه
و بروز جانسوز غائله هائله وفات مغفرت و عفران
بناه شاهزاده و جیه الله میرزا امیرخان سردار سپهسالار
اعظم تهمده الله تعالی بنفرانه سکه روح پر قنوحشان
باشیان قدس پرواز نمود و در (جنات تجری من تحتها
الانهار) فیها سرور مرفوعة و اکواب موضوعه و بارق
مصفوفة و زرابی مبنوه لا ینفعا فیها ولا یطعن
مقیمها ولا یرم خالها ولا یأس ساکنها) آرام و قرار
گرفته و از سلاسل و حلل ناسونی خلاصی و مناسی

گرفت از جهان بچنان تا ابد بود
باقی نقای صدر نك قدر حکامیاب
سلمان صائب‌الرای عبدالمجید انك
بختش بود مساعد و اقبال در رکاب
ای آصف زطاه مجدد نمود مجد
مجدید مطلق که بود چون در خوشاب
چون کرد دست ساقی وحدت شراب ناب
از مصبته محمدی در جام بونراب
آزاده شاهزاده وحیه الله از طرب
نوشید شاقه و شد مست و مستطاب
بد آمدش ز عهد نخستینش در الست
بر آن نمود در نفس واپسین مآب
انکند لبس طایفه از بیسکر وجود
پوشید از ستبرق خلد برین بیسب
بگذشت زین سراب و زین تیره خاک رفت
جان که قطره بجز شود ذره آفتاب
یعنی جوار حضرت عبدالعظیم انك
شاهی که از شرف بودش آسمان عتاب
زان دوگوش فرشته رحمت بمژده گفت
طوبی لك بخوب فلا تخزن الحساب
مجد از برای سال وفاتش بنظام حکم کرد
از بحر طبع خویش صرین گوهر مزاب
رسید از خرد ز وفات وحیه گفت
کرد در جوار قرب بوحیه آفرین ایاب

(۱۳۲۲)

بقیه مکتوب از خراسان

(از شماره ۲۴)

اما روشنائی حرم محترم و عمارت مرش آبت از
قصص خریبه و آیات عجیبه است که بداستانها گفته
نیاید و قلم دو زبان تقریر ما جرایش را نشاید
(يك دهان خواهد به پنهانی نك)

نذورات یومیه خاصه و عامه بقدری است که زاید
از کفایت و مؤنه جراحیهای صریحه زمینی و هوایی
گذران چندین نفر ضابط غیر مضبوط و شمع دزد
نامربوط را هم بخوبی مینماید - و شی از پنج من
دوازده من تبریز هم داخل مینماید

نذورات خاصه یعنی از مطذات و منصوبات جعبیده

یافته از این مسافرت و مهاجرت گروه اندوه بر همه
مستولی گردیده - فی الحقیقه از این واقعه غم اندوز و
سوح - سانحه الم افروز نه بختابه هموم غموم روی داده که
توان تقریر کرد یا تحریر تطییر (اما اشکویی و حزنی الی الله)
بر سر آت خاطر خطیر ارباب دانش روشن است
و در صحیفه ضمیر منیر اصحاب پیش صورت این معنی
مبرهن که تقدیرات ربانی و قضای آسمانی و حوادث
ناگهانی را وقت و ساعت و سبب نباید پرسید و از
مذاکره باعث و علت دیده را باید پوشید و در مقام
تسلیم و رضا کوشید - بلی کدام قصر مشید و بنا محمد
است که بوم هلاک و برار بر سر دیوار او نه نشست -
و کدام شعار افتخار و دیار اقتدار است که بجه اهانت
و دست قدرت بناصیه حرمت و آستین عزتاش نه پیوست -
و طغرا بویس ازل نام بقای جاودانی بر نامه بقای
زندگانی هیچ آفریده رقم نفرموده - و نقاش صور
موجودات نقش حیات بر صفحات ممکنات جز بقلم
(کل شیء هالك الا وجهه) ثبت نه نموده و خیاط کارخانه
قدم جاءه وجود هیچ موجودی را بیطر از عدم
ندوخته - و فراش سراچه قدرت شمع ظرافت را
بی تند باد آفتی نیفروخته - این شربتی است همه را
چشیدنی و بار محنتی است همه را کشیدنی
چون نشاید داد تغییر قضا
چاره این کار صبر است و رضا

ایزد متعال وجود مسعود فرشته خصال والا و
سایر بازماندگان آن خلد آشیان را عمر طویل و سبر
جیل و اجر جزیل دهد - چون مرض تغزیت از
جهله تکالیف لازم الادای چاکراه بود در تقدیم صریضه
یا نضام ماده تاریخی که با منطقی پربط و مشرب لا بشرط
انشاء شده مبادرت نمود زیاده سوء ادب و جسارت
است جفالفلم والام (عبدالاعیان)

(ماده تاریخ)

(رجات شاهزاده سپسالار)

دانی جو کرد گردش چرخ بر انقلاب
سیلاب خون روان کرد از دیده جای آب
بر بود گوهری که ز کک و بنان او
هر لحظه می رسید بملک و ملل نصیب
سالار اعظم به آقا وحیه سکه بود
بن هم خدروی سکه بود مالک الرقاب

ذیل - فرش طراب می شود - فرش زمین سنگی است
 قریب بسپانی خوب است پیدا باشد - فرش شیش و
 یک میگیرد - جاروب یومیه با فرش زحمت دارد و
 بی فرش سهل است - فرش قالی در ایستان محکم
 است و غیره و غیره و چهار ماه مسکه مفروش است
 فرشهای باره کهنه که هیچ رعیت در خانه خود این
 گونه فرشها را نمی پسندد سر تا سر مشمع بموم و
 یه و ملوث فضلات ککبوتر در صورتیکه
 در هر خدمت از عفتاد تا دویت و نجاه خادم
 موجب و مرسوم میبرد و از صد تا دویت فرانس
 چیره و شام و نهار میخورد و قالی و قابچه های
 پاکیزه در حجرات معتله بصاحب منصبان فرست است
 از جمله موقوفات قدیمه و جدیده بجهت مصارف تعمیرات
 است علاوه بر آنچه از موقوفات دفتر سابقه میباشد
 چون علی التحیق نیدام چیزی عرض نمیکم - منجمه
 قدیمی حضرت اقدس شهریار است که مالک املاک
 آستانه در اول جلوس بانضمام بعضی از اعیان خالصه
 باستانه متبرکه واگذار نمودند - بجهت تعمیرات آستانه و
 زاید بر آن از حکام خراسان در این ازمینه اخذ
 عمل باین عنوان شده - از جمله یک هزار و چهار
 صد یا صد تومان از مرحوم رکن الدوله گرفته شد
 و بعضی تعمیر هزاره گاشی قدیم را بفرش منجوس
 سرفت قطعاتی چند برنگ و روغن آلودند و از قیمت
 های فوق العاده که داشت بحسب ظاهر الظار بکلی
 انداختند - اما حیف که قوه متنبه در ماه نیست که بهینیم
 آن بر کمال جان با مال اجل کرید که یک سالتس بسر
 رسید - (او مظلمه برد و دیگری زد) قدیمی حضرت
 شهریار بصرف مفری و استمراری رفت و
 و خرابی آستانه چون مفاسد زطاه برقرار ماند
 بحکم رقی کون و فساد بوما فیوما در از دیاد است
 چنانچه در این اوقات بهسب رحنها و خرابیها گاه گاهی
 آب باران بحرم و تقیل آزمین محوم می آید
 خداوندنا من پیوده نویس را سرگ دهد که زیاده
 برایش را نه نیم و متصرفین موقوفه را بر وجه
 غیر شرعی تعجیل در حرکت و عنوتشان فرماید که
 پیش ازین بی غیرتانه نه نشینند - من جمله موقوفات
 بجهت حفاظ (وندم که وهم ایضا) است مسکه

که از شاه و وزیر و شاهزاده و امیر قدیم بوده اند
 از جر و چراغ که باطل سالیانه و ماهیانه یا شب بشب
 شمع نحویل اجزای خدمت آستانه متبرکه میباشد - و
 نذورات ماه یعنی شمی که زوار هر شب می آورند
 و این شمع زواری گاهی بجهت من اضافه خرج در
 شبهای متبرکه مثل شب عاشورا یا شبهای زیارتی دیگر
 داشته است - و قطع نظر از این نذورات دخل موقوفات
 مخصوصه بروشنای حرم در سالهای سابقه که دخل
 مستلزمات حلی کتر از این اوقات بود سه هزار تومان
 قلمداد مینمودند - ولکن که که اینک سه سال و زیاده
 است که باشعه انوار همه والا نهمت شاهانه و قوه
 کهرباییه بارقه عنایات ظل الهی درین طور استیقای قریب
 جلوه آثار و برتو انوار افکنده (بکادسا برقه یدمب
 بالابصار) منت شمع جزئیة اوقاف و نذورات را از
 دوش مالکان این رشک ساحت طور و طایفان این
 کعبه حضور و ظهور بکلی برداشته است

سرکشیکان چراغهای آستانه مقدسه را تقسیم نمودند
 و خود و اجزای کار را از زحمت هر شبی استراحت
 بخشودند از آن زمان تا این اوان نذورات بالکلیه بخرج
 آستانه مقدسه نیامده است و هر شبی سه من و نیم از
 آستانه شمع میگیرند بعنوان جر و شمدان و دیوار کوب که
 اکتفا بچراغ برقی نفوذ و موقوفات خاصه بعنوان تقلی
 سرفه بود مع ذلک گاهی میبود که بواسطه عوارض
 کارخانه وسیم و غیره بکمتر بچراغهای برقی را سکت
 و صقطه دست میدهد چنان حرم و همسرات تاریک
 مینامد که اگر کسی اقامت به دیون عبا و کلاهی بخواند
 روشنی که مانع بشود نیست -

باب این بادی مسلمانان بساط کعبه را

چون پسندی زینت بخشایه کافر کنند

از جمله فقرات موقوفه فرانس آستانه است در
 خصوص قابچه و قالیهای کهنه که بسفر فرنگستان
 تشریف فرمانند چون از دست رفته است

نیاید دیسکر آب رفته بجوی

چرا ریزم از خوبستن آجوی

ولی موقوفه مستمره سالی سه چهار هزار تومان
 است که بصرف فرش باید برسد در سال هفت ماه
 حرم را فرش نمیکنند باین جهات مزخرفه مسطوره

ایشان باید همواره بتجدیل و تصحیح قرائت از جانب علماء اعلام منصوب باشند - ولی حالا چون بوراات است بعضی از قراء صحیفه مواجب اطفال و بعضی امی بهت (لا یمزالتقطه من المائد) البته وقتی صککه سرکشیك آستانه متبرکه طفل مفت ساله اشرا بموض و نیابت خود اسم سرکشیكي بدهد و بریاست در جلو بك سد قراهنه و اشراف و سادات و علما و مجارو محزمین خدام بخدمت بفرستد و حضرات هم کالانام والانام بدینهاه او در نظر خاص و عام بخدمت قیام نمایند - دیگر قیامی باقی نماند - خود را مطلق تصحیح قرائت قراء و زیارت نامچه خوان کردن صرف وقت میخواهد - عجب نیست که نشود عجاب ازین حفظ رقبات موقوفات است که طاه الانقاع خودمان است که نمیکنیم البته تمام مردم متدین نیستند و همسایه ملک هر قدر از آب و زمین موقوفه میتواند بتندی و تصرف میبرد - از خرابیهای موقوفات بقدری نقل میشود که از عهدت نوشتن بر نیاید - خیابان میان شهر شاهد بزرگی و بزمین صادق است که باقسام مطلب شهادت میدهد

اولاً موقوفه خاصه است که تعلق با آستانه دارد و ثانیاً موقوفه عامه است که شارع عام است ثالثاً بزبان بی زبانی میگوید مسلمانان من که میان شهر مسلمانان باین صورت نیست و تا بودم کردند - وای بحال هم قطاران من صککه در محاری و براری بیده دور از چشم عابرین و غنی از منظر ناظرین هستند - از بیست و هشت تا سی ذرع پهنای من مظلوم بود - بعضی از جاها ده دوازده ذرع بیشتر باقی نمانده است آنها بمصرف دکان متاع بقالان و حوزة معرکه نقالان و تحت قهوهخانه و محل بارریزی علانان و بیم کت تریك فروشی صرافان از دین بیگانه است

ای با غیرت مردم شما از حق مرور و عبور خود چرا قطع نظر کرده اید و سکوت فرموده بکمال سختی از تنگی راه میگذرید و برای خود و خدا حرفی نمیزنید - چرا کسی از شما نمیگوید که آن درخت های بزرگ که در تابستان از سایه آنها میگذشتیم اگر بریدند و بردند طرحی نداشت که يك نهالی بسد دینار قیمت بجای آنها میزدند - مگر دربان باغها بیخه شهاها چیزی میدهند - یا شما نمیآید که همه شها را درین معبر حق مساوی هست - و نعمان توسعه خیابان در چند جای از

ایشان قدیمه معلوم است - آنچه میشود برآید بر حقیق و ظلم سریع محمودی معنی باجبار ایران از هو طرفه است و چهار مبدعه که در فوطرف خیابان است اگر چه این شهود عهولند و اهل کتهان حکما نیستند ولی البته حق اینکه بمخالفت بنای دارالطهرع انور شهادت دهند بخارند - ولکن قسمت سفلی خیابان را نوسه کتر از حصه علیا بوده است - و از بین شهود که کاروانسراها و مدرسه است معلوم و مشهود است

اما رود پیدرمان جوی خیابان است که جریان از خوارق طادات و از مقوله کرامات مییابد - زیرا که این مقدار از آب باین اندازه خاک رویه و زیاده که بآن ریخته میشود قاعده و عادتاً باید گل غلیظی شود و اگر باندازه تجمد و تحجر نرسد لااقل از سیلان بایستد تقریباً يك فرسخ کتر از ابتدای خیابان علیا تا دروازه خیابان سفلی است

الحق نهر باین انتظام در هیچ شهری از بلاد ایران گمان ندارم ولی قطعی است - صککه آبی هم در تمام بلاد ایران باین صککافت بهم نمیرسد - در دو طرف خیابان از دروازه بالا تا دروازه پایین بازار و دکانین است و تمام زیاده و خاک رویه درین نهر ریخته میشود از سلاخان و طباطخان و سیافان و دباغان آنجا که خود هر يك دستگاه بلوچه و منجلاپی لازم دارد تمام همین نهر است - آنچه کرد و کوهستانی که درین طول خیابان منزل دارد و قهوه خانهها و بازار خیابان مبرز و مبالی غیر ازین نهر ندارند - با این همه کثافت حمامها و حوض آب اندازها ازین مشروب میشود - ایکش این آب با نظافت را میکشائند همواره جاری باشد هم چنانکه شرط واقف است تا از دروازه بیرون نرود شق نهر ازونمی نمودند - غالب اوقات این آب در بالای شهر بمصرف خیر میرسد و نهر خیابان مصب کثافت و دارای اکثر عفونات سابقه الذکر است تا وقتیکه آب بیابد و کثافت و نجاست ها را شسته بخلان حمام یا فلان آب آسار ببرد

از بی الصافیهای مامردم خراسان یکی این است صککه اگر کسی بنجر خواهی و قنوت ذاتی خود بمصارف زیاد و مخارج فوق العاده خواست - يك آبی بجهت خوردن یا جاری باید بکمال سعی بسبب معاندت بعضی که با این طبع داریم در مقام مخرب

و قضیع او ملتیم بحضرت والا - میرالمولد در زمان
حکومت محترمانه دو خطه بزرگ بمکتوب و بموخرات
بزرگ از اوله قوت فرموده بخارج و بمصارف زیاد -
یکی آب لطیف سرشته را از قنات میرزا خریداری
نموده بصحن مقدس آورد که پیوسته در چهار حوض
اطراف سقاخانه وسط صحن جاری باشد و آب انبار
های دو صحن هم ازین آب پر شود -

دوم مابین طرق و شرف آباد که از راههای سخت
معروف بود بطور تنوع تسطیح فرمودند - راهی که
سابق سوار اسب والاغ هم جز پیاده شدن چاره
نداشت آنان گارها و کاسکها بکمال سلامت و سهولت
عبور میکنند - ولی چون ما مردم عداوت شخصیه با
ایشان داشته و داریم همواره همت بر خرابی هر دو
گشته داریم - تا چه کند بخت ما و کردش کردون

جبل المتین

جمعیت ذی شرافت نویسنده بزرگوار و سایر آقایان
و محترمین وقایع نگاران از جسارت و مزاحمت
ناچار است - اگرچه این مطالب معسکر در طی نامه
مقدس گوش زد و مروضه داشت شده است - ولی اینک
بمذرت از تغییر بارة از عبارات مکتوب شریف و
سایر مکاتیب عرض میشود - که نامه مقدسی را
تأسیس بجهت اصلاحات طلبیه و اخلاقیه ملت و دولت
است اشخاص را باسم و رسم در مقام تفضیح داشتن
جانج باشد - نام اشخاص بصراحت بردن و نسبت
فته و فبا بر این شخص متعین دادن همچنانکه در اول
مکتوب بود از طریق اصلاح خواهی و بیفرضی
بسیاست مستبید دالت از درخش سکنا ره حوثی
نمودیم - استماع چنانکه ازین سپس بصراحت اسم کسی
منگارد و اگر هم بجهت اطلاع شخص طبعی قوم فرمودند
توقع مدج در نامه مقدسی ندارند آدم بیفرض باید
منسده را علاج میکنند والا علاج منسده بطور کلیه
معال است

- مکتوب از آستا وا -

- (ای نواحی تونار مؤسسه)
- (زد بهر بندهم هزار آتک)

از ابعای مال دوازدهم جریده مقصود که در

رشته اش برای نگهداشتن اساس دین و دولت هر چه
الوقی نیست مقدود و هر کلامش برای اجرای قوانین
آگاهی سینی است معلول نایل بغض مطالبه گردیده
در جزو شرکاء محسوب گشت - درین مدت طبعی مشتاق
بود که مطالب چند حکم در جنبش در نامه گرامی نافع
بمال ملت و دولت میباشد بنویسم - تا امروز موقوف نگشت
مصدع نگردیده بود امروز جرئت نموده مطالب
معروضه را درین مختصر مروضه داشته استدا میباشد
بعد از ملاحظه اگر مصلحت دانند بالقصاظ درین در
روزنامه مقدس درج - شاید دولت و ملت فکری درین
باب ها فرمایند - اولاً باید از وضع این بندر چیزی
معروضی نموده بعد بر مطلب رفت

بندر آستارا یکی از بنادر تری و خشکی جانب
شرقی آذربایجان و در کنار بھر خزر تقریباً ده
فرسخ تا اردبیل است - این بندر سرحد دولت
علیه است با خاک روس - از طرف دریای خزر را از
خاک روس سوا و از طرف دیگر رود خانه بزرگی است
واقع میان آستارای ایران و روس که خاک ایران را
از روسیه جدا مینماید - این رود خانه از جبل
شروع گشته مسافت شش فرسخ بدریا میریزد این شش
فرسخ مسافت همه سرحد میباشد - چهار سال قبل
از طرف دولت علیه در این بندر مأمور مقتدری
نیود - بنابر این سالنامه ای روس از رود خانه عبور
نموده در میان بازار آستارای ایران اشخاصی را که
حمل قند و سایر مال التجاره داشتند گرفتار نموده بکمرك
خانه روس برده مال مردم را باسم قاچاق میفروختند
بعد از آنکه کمرك خانه اردبیل را بتوسط مأمورین
بازی آستارا تبدیل نمودند یعنی در بندر آستارای
ایران دفتر کمرك بار تمام مال التجاره وارده این بندر
را در اینجا کمرك نمودند وضع دیگر گون گردید -
بعد از آن بنا با اقدامات کافه اداره کمرك قدری
از صورت احباب گشته دیگر تجاوز نگردیدند
حنگامیکه دفتر خانه کمركی در آستارا باز شده
کمركخانه خوبی ونه انبار صحیح بود - رئیس کمرك
درین باب مای گشته کمركخانه قشکی ساخت که
میتوان گفت در ایران و روسیه کمركخانه بدین قشکی
و ترتیب نیست - دارای انبارهای وسیع محفوظ متعدد

و از کنار دویا برای تسویه حل مالالتجاره و آه آهن
 تا حیاط گمرک دولت شده است - اوایل همه خانه های
 اینجا لقی پوش و قابل سکونت نبود حالیه همه سفال
 پوش قابل زیست است و این بندر بعد از بندر انزلی از
 همه بنادر بحر خزر حمل و نقلش بیشتر میباشد - تقریباً
 سالی هوازده کرور تومان مالالتجاره روس وارد و
 هشت سکرور امتنه ایران خارج می شود - تخمین
 چهار کرور تومان بین بندر اردبیل و رشت داد و
 ستد و همه سؤال و جواب آن راجع به این بندر است
 علاوه بر این حمل و نقل تجارونی سالی بالغ بر بیست
 هزار نفر مسافری از قبیل زوار و تجار و مزدور این
 بندر بروی خارج و ۲۰ هزار نفر وارد میشوند -
 و سالی ده هزار نفر برشت و براق ازین بندر عبور
 و مرور دارند

با همه این اهمیت و این قدر سؤال و جواب و
 تردد سیم تلگرافی از آستارا به اردبیل نیست - در
 مثل آستارا بندری چرا سیم تلگراف به آذربایجان
 ندانته باشد فقط يك رشته سیم تلگراف به انزلی دارد -
 ولی آن قدرها دخل ندارد این سیم نه بحال دولت
 چندان فایده دارد نه بحال تجار نافع شده است -
 مثلاً تاحری یا زواری اگر در باد صحرابه کار لازمی
 داشته و تلگرافی بخواهد به یکی از معروفین خود زند
 مجبوراً اید مبلنی سرف نموده و مدتی تامل کرد تا يك
 نفروا روانه اردبیل نماید با اینکه تجار کار لازمی داشته
 بآردبیل یا تبریز باید اطلاع بدهد از قبیل ترقی آرایه
 و برات و ارسال پول جهت گمرک مالالتجاره و - و - و
 باید قاصد خاص بفرستد و یا از طرف آستارای روس
 با خرج گزاف تلگراف نماید - از این راه مبلنی به تجار
 و سایرین خساره وارد میشود - گذشته بر این در آستارا
 رئیس تلگراف موجود است در اردبیل هم بشرح
 ایضاً فقط مخارج دولت کشیدن سیم است - جو بهای
 طبیعی جنگل هم احتیاج بمرض بنده نیست سر بر آورده
 خود فریاد میزند در هر صورت میتوان گفت اگر سیم
 تلگراف از آستارا تا اردبیل کشیده شود بایداتش
 چهار مقابل رشته انزلی شود بضمون

(سرپرستك تو در كشف مخازن وطن)

(چنانكه نمه داؤد در ادای زبور)

شناخته بنده - لذا اثر قلم جناب عالی در منابع دولتی
 و ملی نفع از اثر تربیتی در دفع عموم از مزاج
 - - - - - عموم دیده شده - لهذا تجارت نموده بمرض این
 چند کلمه تصدع گردیده که شاید بگوش انسانی دولت
 رسد و حکم باجری این امر فکری نباشد

دیگر آنکه مدت یکسال است حمل تذکره را تا
 اندازه مرتب نموده و در هر بندر اداره تقشیش
 باز و مرتب است برای آسودگی رعابای سرحدی
 قرار گذاشته شده حکم بلیت دو قرتی بحدت بنگاه
 دست نموده دولت علیه که هر روز عبور و مرور
 بسرحد روسی دارند داده شود - و در سرحد روس هم
 قبول شود - چنانکه از قراة سرحدی روس کدخدای
 شهادت دهد حملجات سرحدی ما قبول مینمایند - با اینکه
 اداره تقشیش دولت علیه نوشته حکمگذاری آنها را
 قبول مینماید بلیط دولتی طرا که بانسان شیروخورشید
 و نمبر و مهر دولت است قبول نمی نمایند - بنابراین کار
 رعابای سرحدی دولت علیه سخت شده اگر جناب وزیر
 امور خارجه و آقای مشیرملک وزیر مختار دولت علیه
 درین باب سؤال و جواب فرمایند هم دخل تذکره
 زیاد و هم رعابا آسوده خواهند شد

سه دیگر راه شوسه بین آستارا و اردبیل و شرکت
 همومی امتیاز از دولت تحصیل کرده و در حقیقه منق
 به کردن انسانی وطن گذاشته و راه را تا نصف خطی پاکیزه
 ساخته و حق عبور تمام راه را که برای يك و آن اسب
 در ابواب و ذهاب شش قران است میگیرد - ولی انقوس از
 اداره مرکزی پول نرسیده راه تا تمام مانده است رؤسای
 شرکت جلیله اگر سامی شوند تمام میشود تا سال آینده
 اگر این راه تمام شد اسباب آسودگی مردم خیلی
 خواهد شد - غیر صادق (۲۲۲)

مکتوب از پیشی

یچاه سال پیش از این ایرانیان از منافع تجارت
 تریاک و مسامله با ملت چین اطلاع نداشتند بعد از
 هنگامه لشکر قیامت از ایران در افغانستان و حمله
 انگریزان در خلیج فارس و مسامله دولتیین تقبلیین در
 پاریس از جانب دولت جاوید اساس جناب مستطاب اجل
 آقا میرزا محمد علی خان علاءالسلطنه که اکنون در سفارت
 لندن مایه افتخار ایران و ایرانیان میباشند بسمت

کار پرمازی اول بطور و کثرت فرمای بندر بمبئی شده
 و از فواید هنگفت تجارت تریاک تماماً آگهی یافتند و
 از آن هنگام تجارت ابرائی مقیم بمبئی را تخریب و
 تأکید باین معامه فرمودند - اول یکی از تجار تریاک از
 یزد طلبد و فرستاد و فایده زیاد یافت
 از آن سال زراعت این جنس تلخ که طایفه هزار
 گونه شیرین گامی است در یزد و بعد در سایر بلاد
 ایران روجه فراوان نهاد - از آنجا که جناب
 علامتسلطنه زیاده از ده سال مقیم بمبئی بودند در هر
 عید و ایام سید که اطالم تجار شریفاب میشدند
 در خطابه آنها را تأسفید در ترویج ائمه وطن
 جوژه تریاک و صاف و بی غش بمل آوردن با لفظ
 مبارک میفرمود - سوداگران خوشبخت هم اطاعت
 کرده و هر ساله منفعت کلی بر میداشتند
 مرحمتشان میرزا یوسفخان مستشارالدوله که در
 حب وطن و ملت دوستی موصوف و معروف بود
 لایالورد در ضمن خطابه فرمود (اعلیحضرت اقدس
 هاپون شاهنشاهی هموم رعایای صادقه خود را که از
 مذاهب مختلفه هستند بیک چشم دیده و در رجوع
 خدمات دولتی و اجرای قوانین مملکتی در یک حاله
 معتدله متسلطه رعایت فرموده مشمول مرحمت و
 عنایت میفرمایند
 شما ما نیز که اولاد یک وطن و رعایای صادقه
 دولت علیه ایران هستید بمقادیر الناس علی سلوک ملوکهم)
 با هموطنان مختلفه المذاهب با محبت و الفت ر در ستکاری
 رفتار کنید که به شان و شهرت و انسانیت و تربیت
 خود افزوده باشید
 دولتین غیبتین ایران و انگلیس در فراهم آوردن
 اسبابی که موجب توسعه و ترویج تجارت نبهت جانبین
 است اهتمام زیاد مینمایند بهماها نیز لازم است که
 پیروی این چنین خیالات بزرگ را کرده و انکار
 حالیه دولتین را جفا استقبال نموده بشرکاء و گماشتگان
 که در ایران هستند بنویسید هرچند اموال تجارتی که
 از ایران بخارجه میروند عموماً و در تریاک خصوصاً
 شرایط خوبی و نظافت را بعمل آورده اند خالص و
 پیش بودن تریاک اهتمام تام بکنند
 کاسب حیث خداست آدم بیکار لشکر شیطان

طریق واسطه اینگونه تشویقات و سفارشات مأمورین
 دولت اید قرین و اطاعت تجارت فرستاده آثار دایره
 این تجارت چنان فراوان و آرایش یافت که تریاک از
 نخستین ائمه ایران محسوب و از هر مجلس به پول پیش
 تر آمد و منافع هنگفت که هر ساله باید خانه ملت و
 خزانه دولت گردد از فرط عیان محتاج بیان نیست
 ولی چه بسیار جلی الفسوس و توجب است که در
 آخر تجارت و کثرت کاران طماع بی علم و اطلاع متعین
 ایران در تریاک قلب را بجای رسانیدند که من
 از تخریب و تفصیل آن طیل محاسبات میکنم - اما
 بجهت آنها کجاست عجزالت - چاره این درد را
 فقط وزارت گمرکات و ملاحظه مرحدات نخواهد
 کرد - امروز تریاک گشان داخله بدبختانه فرستگما از
 اهالی چین پیش تر شتافته اند کاری باید کرد و قانون
 کامل نهاد که اولاً جلای تریاک در ایران صاف و بیغش
 بعمل آید و بگراه و قیمت ماده وارد بنادر چین
 شود - ثانیاً در ایران به بهای گران تر از چین فروش برسد
 شنیدم دولت ژاپون پس از تصرف جزیره
 [قرموزا] و ملاحظه حال طایفه فلاکت نصیب تریاکگشان
 بر بقیه اهالی آنجا بختایش آورده فرمانداد که اسامی
 تریاکسان و مقداری که هرروزه میکند جریده کنند
 و بهای تریاک را هم سال بسال زیاد نمایند در این باب
 قانون نوشته و موقع اجرا گذاشت و روز بروز یا
 هفته بهفته تریاک با اشخاص معلوم و قیمت همین فروخت
 بعات این قانون، گران تریاک سدی در مقابل تاسی
 و پیروی دیگران بسته شد تریاکگشان هم اولاد و
 خوبیشان و خوبشان و خویشتان را رعایت کرده ترک
 دعوت تریاکگامی هم نمودند - و تاکنون نصفی از آنها
 هم مدفون شده تا چند سال دیگر بکثرت تریاککش در آن
 جزیره دیده نخواهد شد - امید مینداریم که اولیاء
 دولت علیه هم قانون بگذارند که در ملک ایران هم
 دفع این بلای ملی بعود تریاک کشیدن و دین جدید
 اختیار کردن از شامت و نکت بیکاریست قانون که
 در ایران جاری فرمایند بجهت هرکس کار بسیار پیدا
 میشود آنگاه مردم بوض تنبأ بک تریاک نخواهند
 برداشت و بوض مکه رو به عک نخواهند گذاشت
 کاسب حیث خداست آدم بیکار لشکر شیطان

مرحمتشان میرزا یوسفخان مستشارالدوله که در
 حب وطن و ملت دوستی موصوف و معروف بود
 لایالورد در ضمن خطابه فرمود (اعلیحضرت اقدس
 هاپون شاهنشاهی هموم رعایای صادقه خود را که از
 مذاهب مختلفه هستند بیک چشم دیده و در رجوع
 خدمات دولتی و اجرای قوانین مملکتی در یک حاله
 معتدله متسلطه رعایت فرموده مشمول مرحمت و
 عنایت میفرمایند

شما ما نیز که اولاد یک وطن و رعایای صادقه
 دولت علیه ایران هستید بمقادیر الناس علی سلوک ملوکهم)
 با هموطنان مختلفه المذاهب با محبت و الفت ر در ستکاری
 رفتار کنید که به شان و شهرت و انسانیت و تربیت
 خود افزوده باشید

دولتین غیبتین ایران و انگلیس در فراهم آوردن
 اسبابی که موجب توسعه و ترویج تجارت نبهت جانبین
 است اهتمام زیاد مینمایند بهماها نیز لازم است که
 پیروی این چنین خیالات بزرگ را کرده و انکار
 حالیه دولتین را جفا استقبال نموده بشرکاء و گماشتگان
 که در ایران هستند بنویسید هرچند اموال تجارتی که
 از ایران بخارجه میروند عموماً و در تریاک خصوصاً
 شرایط خوبی و نظافت را بعمل آورده اند خالص و
 پیش بودن تریاک اهتمام تام بکنند

جغرافیای ایران

دیلمان - دیلمقان

(از شماره ۲۸)

این شهر اینک داوای پنج هزار نفوس و در (۱۲۵) کیلومتره غربی تبریز درکنار رود (سپاس) که به دریای شاهی مصب میشود واقع است

اطراف این شهر محاط با باغ و باغچه میباشد و دارای شصت پارچه ده و قصبه است که از مضامین او میباشد و این شهر دارای یازده مسجد و جامع و چهار حمام و سه مدرسه و پنج کاروانسرا بوده و در شهر يك اما مزاده نیز مدفون است که مقبره اش از بناهای عالی بشمار می آید و در باغات آن انگور و سیب و گردوی بسیار و هم خربوزه خوبی در آنجا بعمل می آید که اورا (امروان جکوی) یعنی ریخته امروان مینامند - در اطرافش حبوبات بکثرت عمل می آید - و همچنین چون اهالی دما ت آنجا بیشتر پیچیده جوین و گوسفند داری دارند گوسفند بسیار میپروراند و بهترین آب آنجا آب (زولاست)

(حلوی)

این شهر دارای سی و پنج هزار نفوس است سوای نفوس محلات که در خارج شهر واقع است اگر آنها هم مزید شود بیش از هفتاد هزار نفوس را داراست و در بعد يك صد و ده کیلومتره غرب شمالی تبریز و درسی و هشت کیلومتره حدود عثمانی در درون يك دشت مرتعی که اطراف آن عبارت از شصت کیلومتره میباشد در میان باغ و باغچه های پر از اشجار واقع گردیده است

سواد این شهر بعدو جبهه از دور دیده نمیشود نخست آنکه اصلاً حصار و باروی این شهر را جنرال (فاردان) که از امرای عسکری دولت انگلیس و در اوایل این عصر در خدمات عسکریه دولت علیه ایران مستخدم بود بسیار منظم بنا نموده که دیوار و سور شهر را احاطه نموده است و در تانی اطراف شهر تماماً محاط است با باغ و باغچه بحدی که تا بدروازه شهر وارد نشوی سواد شهر را نخواهی دید - و این شهر دارای بازار عالی وسیع و میاه جاریه فراوان میباشد و اشجار باغچهها بیشترش درخت توت میباشد

در خروج این شهر سلطان تخت آستینان شده است این صغری با سلطان سیم معروف به (یاموز) هاربه نموده است - هر چند این شهر در روزگار سلطان مراد خان و ابج و سلطان احمد خان ثبات بدست عثمانیان افتاده است ولی پادشاه کدور کفا نادر شاه افشار استرداد نمود

(مرند)

این قصبه دارای پنج هزار نفوس و در شمال تبریز کنار جاده همومی که از تبریز بکنار رود ارس میرود و در اراضی شیرت یکنهلو واقع است - بقول مشهور زوجه نوح یعنی علی نیفا و علیه السلام در این شهر مدفون است و در محلی که بقبره زوجه نوح معروف است يك جامع آراسته بزرگی هست مسی به جامع بازار و يك مسجد جامع دیگر هم غیر از جامع بازار موجود است در اطراف شهر باغ و باغچه فراوانست و اطراف شهر را درختهای سفید دار که با کثرت در پهلوئی یکدیگر خرس نموده احاطه و بعد نموده اند

(آمر)

این شهر در صد و یازده کیلومتره شمال شرقی تبریز در ساحل یسار نهر (آمر) واقع و دارای سی و پنج هزار نفوس و اطرافش با باغ و باغچه مستورست در جوار این شهر کان مس و آهن بر طایه فراوانست

(سرآب)

این قصبه در دامنه جنوبی کوه ساولان و در کنار جاده بین تبریز و اردبیل واقع و قصبه کوچکی است چون منزلگاه کاروانیانست دارای دو کاروانسرا و چار سوی کوچک و دو مسجد میباشد (باقی دارد)

وزارت لشکر

گوند ملك محفوظ ماند - و ملت بمقام بلند و رتبه ارجند نائل شود - و دولت مستقل گردد - و حقوق مصون ماند - بواسطه قنون جرار رزم آزموده و اسلحه جدید و توپهای کرپ و کشتیهای جنگی و نظام صحیح و خزانه معموره آباد و ذخیره گاه و استعداد وافر - و مملکت آباد شود بدین ازیاد تجارت و صنعت و فلاحت - و ایجاد کارخانجات مفیده و فابریکها و انحصار و مسائل لازمه - از برای تسهیل طرقه

مراوده و معاشرت لافه قیل و لعلی آمن و کفکی
 های بقاله و مخطوطات نسیم انگلیسی و تفنن و بالآخره
 بسبب طوق علمیه بدو اختراعات نفیسه جدیده و لزوم
 مکاتب و مدارس ابتدائیه و علمیه و مجالس مذاکرات
 و کوفیه و مسابو سابق - و تشکیل شرکتها و تجارتی و
 صنایع و غیره - و گمان میکنند همما که این وسائل
 مذکوره مدار علمیه ثری و تنزل ام و دولت اند چنانکه
 در هر ملک که وسائط مزبور کامل باشد آنرا
 رفت و بقیه سرچرخ و سهل است و چون حقوق
 و معلوم شوند ناچار اقوام در حقیقت مذلت
 ابدان هر چند

یکی از ارباب سیاست آلمان گوید - بجهت
 سنجیدن مقدار قدرت و استطاعت یک دولت و ملک
 بهترین قسطان آنستکه امور پنج گانه را از تحت نظر
 مراقبت دور سازیم

- (۱) - مدارس و مکاتب
- (۲) تجارت

(۳) صنعت یا زراعت باختلاف امان و مالک
 (۴) وسائل جدید حریه - چون توپها و تفنگهای
 جدید و کشتیهای زره پوش و غیره

(۵) خزانه و پول - چون این مذکورات کابینه
 و بلیق آماده و مرتب شوند اقوام را قادر بر حفظ
 استقلال خویش باید دانست - و بلاشک قوت دولت
 را جز موازنه این پنج امر مقیاس صحیح در دست
 نیاشد - و آنچه بارة تصور مینمایند که عدت قشون و
 از دیار لشکر و تسلیح طرق و شوارع مدخلی عمده
 دارند درست نیست - چه وجود قشون بدون لوازم
 نه تنها کک و معاون نیست بلکه موجب سکت است
 ولی آنچه نظر دقیق و فکر عمیق حکم میکند
 آنستکه این مذکورات بمنزله شرایط و آلات و ادوات
 اند - و اصل امر که بمنزله قوه الکتریک در ترمیک جریخ
 تمدن و تقدم میباشد - همان وجود مردمان دانای صاحب
 تدبیر و عقلا غیور زیر کاردان بیخبر و وطن پرست
 ملت خواه است که اداه حقوق نوعیه و فرائض وطنیه را
 و جبهه امت خود سازند حیانت ملت و دولت را
 بزرگترین گناهان شامد با عزمی و لقی و حزمی کافی
 و خیالی و ملی و حق بلند و تدبیری مسائب و وای

آرزین و اندیشه دور بین و تکرری وسیع و متین ثابت
 و استوار - و بداهت عقل حاکم است بر اینکه تدبیر
 صحیح را در نگاهداری مملکت اثری است که از هزار
 ها قشون بر نیاید - و مکرر دیده شده لشکرهای پشمار
 بواسطه یک تدبیر جزئی شکست و منهزم گردیده -
 و عقلا گفته اند (لا ملک الا بالرجال) و مفاد آیه
 شریفه (کم من فئة قليلة غلبت فئة کثیره) شاهد صریح
 است بر اینکه کثرت عده و عده نفع ندهد اگر بارای
 صائب و تدبیر دور اندیش توأم نباشد

این طوائف حریفانست که بواسطه تفرق که سالها
 با وجود بسیاری و اسبوی زبردست واقع بودند تا آنکه
 یک مقل صاحب درایت و کفایت چون بزماری بزرگ
 با حسن تدبیر که آنرا جمع نموده و برملکی چون فرانسه
 و امپراطوری چون ناپلیون سیم تسلط و استیلاء داد -
 حکیمی گوید (اگر بصرف قوه و نیروی بدنی پشرفتی
 حاصل میشد بایستی سیاح ضاربه و وحوش عظیم الجثه را
 چون شیر و بتک و فیل مقام و رتبت از آدمی زاد
 پیش باشد)

احالی اروپا بخوبی بدین نکته متنبه شده در گرفتن
 هر سر زمین نخست شرطی را که قابل اهمیت دانند بر
 افکندن عقلا و ارباب بصیرت و خداوندان هوش و ذکا
 و اصحاب غیرت و حمیت است - چرا که اینها حکم
 شبان را دارند و مسلم است تا شبان حاضر و در حیات
 است راضی نشود گرگان دست تعدی به گوسفندان
 دراز کنند - و با تمام قوت خود در دفع و رفع آنها
 بکوشند - ولی اگر شبان را عارضه رخ نماید و از اغنام
 جدا شود - از ملیونها گوسفند بچه گرگی را خوف و
 خشیت دست ندهد چنانچه فرانسه را سلطه و نفوذ
 بر اراضی (الجزائر و تونس) حاصل نشد مگر بعد از
 گرفتاری امیر عبدالقادر معروف - و انگلیس را سودان
 بچسب نیامد مگر پس از غلبه بر خلیفه تمهدی - و بر
 جنوب افریقا جز بعد از اسارت چند تن بزرگان آن
 ناحیت - در سال هزار و نصد که نودت بوکر در ملک
 چین حادث شد و دولت معظمه اروپا را بوحشت انداخت
 سبب را چون گاوش و نجس کرد - چند نفر
 بزرگان غیور فهمیدند - پس در مقام جلوگیری و ابقاء
 نفوذ باطله خود حکم کردند سزده تن - و ساء باهت

خردمند را شربت ملاک و دمار چشاند
 علماء فلسفه را در این خصوص تحقیق اکت ابق
 که گویند حکومت و ریاست را دو شکل تصور است -
 یکی سیاست - دوم استبداد - سیاست عبارتست از اداره
 کردن شئون یک ملت بر طبق حکمت و قضیه مصلحت -
 یعنی رئیس را غرضی جز حفظ منافع حقوق قوم
 منظور و مقصودی نباشد - پس آنچه را صلاح حال عامه
 باشد اجراء کنند و هر چه را مضر و مفید بیند از
 آن اجتناب را لازم شمارد
 استبداد عبارت است از اداره شئون ملت بر
 وفق هوای نفس و میل طبع و این معنی ناچار اغلب
 منافی مصالح ملکی و ملی خواهد بود - زیرا ممکن نیست
 آنکس که بیرونش دون و منافع شخصی است نفع عامه
 را ملحوظ دارد - در صورت اول قائد و سائد را
 از وجود مردمان خردمند نوع پرست یاری و تدبیر
 قائدها رسد - و بهر حال برد - چه در هر امر از آنها
 مشورت نماید و راه صواب را فرا گیرد و بچگونگی
 هر چه مایل باشد و صاحب بصیرت و اطلاع از
 جمیع دانای بصیر ناگزیر است - و همینکه از وجود
 آنها منتفع برد و قائده برگردد قهرآ آنرا دوست
 و محترم بدارد - و زمام امور جمهور را بدانتها
 سپارد - و هر يك را شغلی لایق و رتبه مناسب بخشد
 و بزودی رونق در حال ملک و ملت پدیدار شود و
 مفاسد روی باصلاح نماید - معایب برطرف شود قلمه
 مسدود - خرابیها معمور اغلاط صحیح گردد آب
 رفته بجوی باز آید و مملکت را بمثابة اشجار نمود و
 نیا حاصل گردد - و خدای عزوجل نیز حسن نیت
 آنرا تک نموده طبیعت کلیه از همراهی و مساعدت
 دریغ ننماید - و رئیس و رؤس را دانگری و محبت
 پیدا شود که از سخنان یکدیگر نرنجند و تغییر نیت
 و عنایت ندهند چه همگی را مقصد و مقصود یک
 است اغراض قاسمه در کار نیست نباید مشرب و
 تضاد طریقه و مخالف آمال منعدم است -

در صورت دوم رئیس از مردمان هشیار بتوسد
 و حکماء و علماء را دشمن بدارد زیرا که آنرا اهدی عدو
 خویش شمارد - و در نزد خود راه نهد جز دون
 همت پست - فطرت و زل بد اخلاق را زیرا غیرمندان
 بافصال و اقوال او همه نهند و وزایل او را گردن

نگیرند بلکه بر اخطیار از خدمت گومسای باروا دست
 برندارند - و هرگز با او همراهی و همداستان نهند - پس
 مستبد هواپرست را با عطای غیور وطن پرست اطلاق
 و اتحاد امری است محال و اگر یک دو روزی بنا بر
 مصلحت بمشاورت میکنند بالاخره هر کدام باطن
 خود را ظاهر سازند - آیا چگونه خداوند امانت و دیانت
 با خدیر پسته خیانت اندیشه صراقت و موافقت نماید -
 و جهان فساق و اشرار که بر ظلم و متک عرض و
 ناموس مردم متعاند با امراء نیکو کار باب دوستی و
 محبت گشایند - در نزد مستبد راه نیابد مگر جوی
 ملتبان شرور که فرموده او عمل کنند - از وجدان
 خود حجل و مفضل نهند - خوب و بدوا بیک نظر
 ملاحظه - ملت را فدای حکمترین شهوات حیثه
 خویش نمایند - زیرا که مستبد را اطمینان قلب و سکون
 خاطر حاصل نشود مگر از اینگونه - آنکه با آنان
 دست دهد - و برخالف خردمندان و دانایان همسر
 شود - و سوگند یاد کنند که از پای نشینند تا آنها را
 خوار و ذلیل سازد - و هواخواهان خود را در الظلم
 عظیم و جسیم جلوه دهد - ولی حقیقت هرگز مستور
 نماند - و باطل صورت و سیرت حق نگیرد - و اگر احیاناً
 چندی مکث کند و دعوی یابد بالاخره بساطش برچیده
 گردد - و شرش مرتفع و خالق از شامت وجودش
 آسوده گردند چنانکه خدای فرماید (اما الباطل فینهب
 جفاء و اما ما ینفع الناس فینکت فی الارض)

بنابر این هواخواهان عدالت و سیاست و حامیان
 استقلال ملت و دوستانان ترفیع شئون دولت نباید از
 قلبه موقی مستبدان که چون ابرتابستان و آفتاب زمستان
 سریع الزوال است برنجند و از اقدامات غیورانه خود باز
 مانند و قنور و سستی در اعصاب و عضلاتشان راه
 یابد چرا که نصرت و ظفر آنرا هم آفوش
 خواهد بود و خدای عادل فرض و بر خود ختم کرده
 است که حق را بگری کند و باطل را پایال سازد -
 ذلك قوله تعالى (کتب الله لاغلبین انا ورسلی)

نوزن انگلیسی معروف گوید چون در امری مرا
 حیوت رخ مینمود و در مسئله مشکل راه حل مسدود
 میگشت خود را در اطاق تاریکی مییافتم که ظلمات از
 همه اطراف کرده آنچنان سهمگین که هر قوی قلبی را

دارند. چون ذکر حالات و صفات و مراتب شاه پرستی این نوع رجال درجراشد سودمند و باعث مزید حسیات سایرین است. شمه از مراتب دولتخواهی و شاه پرستی و صفات و حالات جناب میرزا عبدالوهاب خان نظام‌الملک وزیرعدایه، حالیه دامت شوکه، عرض شد که اگر مصلحت دانید عین مکتوب را در صحائف روز نامه دوج فرمائید.

این مرد یکی از اجله وزراء اسپیل و از کفایت رجال حلبی دانشمند شاه پرست ملت دوست کار آگاه ایران است. در اوایل سن که مرحوم نظام‌الملک والد شان طابت توبه در حیات بود انتظام مهام راجحه با مرحوم بمهده کفایت و درایت آن وجود محترم موکول بود. پس از فوت والد بزرگوارشان منصب و شغل وزارت جلیله اشکر مستقلاً باو تفویض و مرحمت گردید مدتها مسند وزارت لشکر بوجودش آراسته بود قسمی در انتظام آن وزارت خانه و محافظت حقوق دولت و افراد قشون مجاهدات حیلہ بکار برده که همواره طرف مرحم والیالاف مخصوصه شاهنشاه شهید نورالله مضحه و حسن بود. کلیه اهالی نظام واقع بودند قریب دو سال راق و وفق حکومت دارالخلافه مشغولاً ضمیمه مشاغل ایشان گردید و مطابق منظورات مقدسه شاهنشاه شهید - مید در رفع بدع ترفیه حال بنوعی مجاهدت نمودند که محمود همکاران و مدوح جمیع ناس شدند.

و بنوعی با اجزاء هیئت آن وزارت خانه بملاطفت و بزرگی رفتار داشتند که همه آنها شب و روز از دل و جان در انجام امورات دولت و حفظ حقوق قشون مساعدات و کوشش مینمودند با این ملاطفت و مکرمت اگر یکفر از آنها در انجام وظایف خود تراخی و تسویف روا میداشتند بطوری در مقام مواخذه برمی آمدند که دیگران تراخی و احوال را در امورات راجحه بخورد محال میداستند.

بعد از انتظام این وزارتخانه و تشریف فرمان اعلیحضرت سلطانی بمقر سلطنت وزارت جلیله طالبه و دفترخانه، بارکه که از اطام و اهم مشاغل دولت علیه است بمجناب معظم مفوض و مرحمت گردید چندی متصدی آن شغل نیل بودند بنوعی که شایان و سزاوار

مضطرب سازد ولی مرا و حمت طارش نمیشد بلکه بر قوت خیال میافزود و چنان احساس میکردم که افکارم در تحت احتکاک شدید و فشار سخت است پس مداومت میکردم و بنای کاوش را مینهادم از برکت فشار کاوش و نجس گویا الکتریک حادث شده برق میدرخشید که از نور او هر جمهوری معلوم و مکشوف میگردد. (باقی دارد)

اعلان

قرآن مشهور سمرقندی کوفی که در کتابخانه پترزبورخ (ایمپراتورسکایا پوبلیچ نایا بیلوونیکا) موجود بود طبع میشود. این قرآن گویا نوشته دست خلیفه سوم عثمان (۶۴۵ - ۶۵۶ هجر) میباشد چند جلد روی کاغذ بسیار اعلی با قطع خوب و شکل (فاکسیمیله ۶۷ Continuers) چاپ میشود تقریباً بیشتر از پست و پنج جلد بفروش نخواهد رسید. قیمت قی جلد باصد منات است.

این قرآن را س - ی - یساف در (پترزبورغسکی آرخیولوگیکسکی اینستیتوت) در سنه ۱۹۰۵ طبع میناید این قرآن مشهور سمرقندی عثمانی حلبی بزرگ است ۷۰۶ صفحه دارد نقشه‌های رنگین بسیار خوب روی بسیاری از صفحه‌های او - ت - در وقت چاپ کردن دقت شده که نقشه‌های رنگین و خط همان شکل در بیاید. هرکس که بخواهد این قرآن را از کتاب خانه س - ی - یساروف طلب کند - ۱۰۰ منات بیماه باید بفرستد باین آدرس - شهر پترزبورخ (روسیه) در کوچه نوسی پروسپکت خانه نمبر ۹۰ خرج پست این ذمه فروشنده است.

№ 6425.

مکتوب از طهران

(از شماره ۲۸)

از جمله علائمی که در این دوره سعادت کلیه برکات ملیه را پان شان میدهد انتخاب وزرا و رجال کار آگاه برای انجام مهام دولتی است. از این نکته بخوبی میتوان امیدوار گردید که لبالی ظلمت قریب الاختتام است. این وزرا و رجال حالیه اوامر صادره سلطانی را نالی احکام بزودی دانسته در راه ترقی وطن و انجام اوامر دولتی از روی شوق اقدامات سرجه

بود در تزیینات و تنظیفات آن وزارتخانه جلیله مساعی
جلیله بکار بودند

پس از وزارت مالیه قراء ایالت و فرمافرمانی
شهر دارالخلافه و بلوکات و ساوه و زرنج و فوج و
سواران که از مناصب محظمه و امور محظمه است
بنام نامی او زده شد. درین فرمافرمانی و ایالت آنچه
لازمه سی و جماعت و کم طبعی و مراقبت بود
در نوسه و ارزانی کلیه ارزاق و دفع برخی مکاره و
و برداشتن باج از اشیاء و غیره معمول داشته ضغفاء
و قراء و عامه قاطنین آن شهر را راحت و دعا خوان
و شاکر و ثنا گو ساختند. بعد از مدتی ایالت و فرمافرمانی
دارالخلافه به حکمرانی و ریاست مملکت فارس تبدیل
گشت. پس تشریف فرمای فارس شدند درین ایالت
و فرمافرمانی نیز بقسی در رفاهیت و آسایش خلق
و انتظام و امنیت دوائر حکومتی بدل اقدامات و سعی
فرمودند که طامه ساکنین آن مملکت را رهین منت
و زمین محبت خود نمودند. الحال مدتی است که منتهی وزارت
جلیله عدلیه عظمی از طرف ذیشرف شاهانه بدیشان، و کول
و مرحت گردیده. شب و روز مخصوصاً از روی مداقه و
غوررسی بمرایض ملهوفین رسیدگی کرده تمام اوقات
شبانه روزی خود را (جز شش ساعت که طبیعت ناگیر
از راحت است) وقف و صرف بمرایض مردم میداند
ادنی ترین مردم بدون ممانعت و جلو گیری
خدمتش را ادراک. مطالبش را بشخصه از روی دقت
اصفا کرده با کمال ملاحظت و مهربانی مقاصد صحیحه
اشرا انجام داده مرضیاً او را روانه و دعا گو می سازد
در هنگام محاکمه ادائی ناس را در محفل خود
اذن جلوس داده اگر بایکی از محارم سلطان طرف
باشد بلادرنگ او را حاضر و بقانون حق و عدل رسیدگی
و احضاق فرموده و امر صادره دولت را بموقع اجرا
میگذارد

در راه خدمت دولت و ملت از روی میل و
رغبت از راحت و ثروت خود صرف نظر نموده و
در مقام حق گوی و اجراء احکام عادلانه از بزرگ
ترین احبا و گرامی ترین فرزندان خود چشم میپوشد
دقت شان در امور به اندازه ایست که بدون رسیدگی
محد و تحقیقات لازمه از اماناء مجلس اقدام در انجام

امری ندارند

قدر خدمت نوکر خدمتگذار دانشمند و دانسته
و در مقام خود از بذل نعمت دریغ نمیفرمایند. سفره
ایشان عام مردمان پریشان روزگار را با کمال مهربانی
بر سرخوان خود می نشانند. مراتب ادب و بزرگی
او به اندازه ایست که با مشاغل صحتگیره و ملاحظه
نوشتجات و غیره حق پذیرائی هر يك از واردین
را بفراخور حال بل بطور اکمل اداء فرموده اثر
شعر شیخ علیه الرحمه که میفرماید

(تواضع بگردن فرازان نکوست)

هویدا است. خاطرشان از قوانین شرعی و دولیه
و مسائل فقهیه و اصولیه کاملاً مستحضر
حسن خلق و توسیع صدر او به اندازه ایست که
در صورت عدم فهم مستمع یا نویسنده از ادراک
مطالب کراراً تکرار و از تکرار مطالب ابدأ مکدر و
مقبض نمیشود با داشتن منشی مقرر طالب ترسلات
در قلم خود شان جاری و احکام و منیفات را بدون
تراجم ترسیم نمی نمایند. ساحت شان از آرایش مبری
طینت شان از ضنت و بخل معری وضع لباس و اتا
خانه ایشان ایرانی و از سیره اسلاف خود نجافت
نه سزده اعتقاد شان این است که اجراء احکام
قوانین و نظامات بسته بدانش و وجود شخصی است
نه تغییر جامه و مبل

(مردی که هیچ جامه ندارد با ثقی)

(بهتر ز جامه که در او هیچ مرد نیست)

در این جا حتم کلام کرده خدایا بوحمدت گواه
میگیرم که فطرتم از جابلوسی و تصلف طاری
و مداخته بجا در روش من بنده کفر محض است.
و باین نکته بخوبی پی برده ام این تلمها و مفاسد وطن
تماماً از تملق و مدح بیوقع و تمجیدات ملاحظه است

مقصود از تعرض این مطالب و چیدن این صغری
و کبری دو نتیجه بود. یکی آگاهی هم وطنان اوصاف
و حالات حمیده و اطوار و خصائل پستیده که واجب
بی منت در نهاد برخی از اشخاص بزرگ و دبیه گذاشته
دیگر آیات نیات خالصانه علی حضرت اقدس سبطانی
و حسن تدبیر و سیاست حضرت اشرف و الا صدراعظم
که از روی کمال مرحت و وطن پرستی و ترقیخواهی

و توسیع و اعظام و دوازه مسئله دواتی این نمره و زرا را انتحاب فرموده اند. چون این افتخارات و آثار بقی مورث توسیع و تکلیف و ترقی و رفاه قاطبه تبه و رعیت است و تمام ایرانیان فرض و حکم است که از روی طغیان نیت بدمای بقای سلطنت این سلطان رؤف و مولای سعادت اعظم و طبیبان باشند (م - ه - م - ح - ن)

جبل التین

بسی است سیادت و بزرگی هر ملت بواسطه زحمات چند نفر رؤساء خیر و وطن پرست خوش اخلاق صاحب ملکات قاضیه و سجایای حیده است. چنانکه ذلت و منککات بل اقامه و اضمحلال یک ملت نیز غالب از اثر فساد اخلاقی عماید و بزرگان قوم است که امراض نفسانی و امراض شهوانیه را مطرح نظر وقت افکنده از مقاصد عالیّه باز مانده خود و قوم خود را دوجار پریشانی و درویشی ساخته در دنیا و عقبی خویشان را مسکول و مواخذ ساخته اند. چه افراد یک طایفه بمنزله گوسپند و بزرگان در مرتبه شبان و چون شبان از وظائف خود احوال غله گوسپند از هم متلانی و متفرق گشته معدوم و نابود شوند و گناه این جهت برگردن و ذمه جویان است که نام جویانی بر خود نهاده و بشعور و وظائف این اسم عمل نکرده است

بزرگ و بزرگی لفظی است موجب دارای معنای بسیار و لوازم یشمار و شروط عدیده بزرگ باید در بزرگی هموطنان خود کوشش کند سید باید خادم قوم و زحمت ککش نام باشد راحت ابناء جنس را بر راحت خود ترجیح دهد منافع عمومی را بر فوائد خصوصی و عوائد شخصی مقدم دارد. و تمامی شرف را در آسایش عامه و رفعت آنان شناسد. بزرگ کسی است که اخلاق زبردستان را اصلاح کند صفات حیده و طادات مدوحه بدانها فرا دهد روابط قومیت را مستحکم نماید و مسائل و دادیه را در اتحاد افراد اتخاذ کند و بلاخره سعادت و خوشبختی را منحصر بخدمت خلق شناسد و نام نیک و ذکر جیل را از اذخار ذخارف دنیه و جمع مال و منال و آذکبیر ضیاع و عتار بهتر داند

ولی افسوس که آمریکا و بزرگان مشرق زمین را

عقبه برخلاف این معنی بود و چنان تصور میکردند که بزرگی بجهت و جلال است و آموختن اموال ابناء مساکین و ضغفاء را حاطه و قوت میخواندند. چنانچه غارت را ریاست و فرمائروانی نام مینهادند رهوه را قدیمی و تعارف فحش و دشنام را نصیحت و پند ضرب و شتم را تنبیه و سیاست میگفتند. بزرگی را در از دیار خشم و حشم شرف و اعتبار را در افتروتن املاک و مستغلات عزت و سیادت را در ظلم و استبداد تصور میکردند. عظام ریمه و سرماة افتخار و مباهات افتاب و مناصب دروغین را وسیله احترام - نصب حقوق بیوایگان را دلیل اقتدار میفناختند مردمرا عید و امام خود میدانستند دماء و فروج رهبا را مباح و حلال میگفتند و چنین میدانستند که هرزگی و لودگی خوش خلقی و سعادت است. غلط بخشی حکرم و سخاوت - باوه گردی تواضع و ملائمت - اقامه نفاق و شقاق درایت و کفایت -

واضح است که از دست این نمره اعضاس چه بر آید و از افکارشان چه زاید کجا حفظ حقوق ملک و ملت را در بندند بلکه بدانام کننده نکر نامی چند. روان انسانیت را بخریاد آورند و خاک در چشم مردمی و مروت باشند. گویا روح انسانی در ابدان شان مرده و روان حیوانیت و هیبت قوت یافته. که یاب و عطف قانع اند و شهوات دنییه را اسیر و تاج و از صفات و طبیبایی که آدمی بدان مخصوص است از حب فخر و طلب مجد و رحمت و اقامه آثار خیره و نام نیک و ذکر باقی بکلی طاری گشته. قساوت و بیرحمی قلبشانرا فرا گرفته. حس مردمی و مروتشان افسرده. از جام نخوت و خورور مستند و ابناء اهالی را تیغ در دست خمیل بر دیگران و موجب ضرر این و آن بصورت بزرگند و بسیرت کرگ - بی آثار ریاست و بزرگی ایشان بود که مشرق جولانگاه فریبان گشت و آسیائی پایال اروپائی - معمورها خراب شد دلها سوخته و کباب. جنوبش را یکی متصرف شد و شالش را دیگری. هنوز هم بهوش نیامده و سراز ایش بلند نکرده اند. ولی مع ذلک توان وجود مردمان بزرگ غیرتند وطن پرست را بکلی منکر شد و همگی را بیک نظر ملاحظه نمود. مخصوصاً در وطن عزیزما که هنوز

و هر ساله بر آنها خواهد افزود مسلم است چه قدر متمبر و مشکل است - چیزی که هست حسن انتخاب و اختیار اعتلاء الدوله کارگذار و خفنگذاری حضرت والا شاهزاده رکن الدوله فرمانفرمای کرمان و نواب والا شاهزاده ظهیرالسلطان که فعلاً حکمران بلوچستان است و انصاف مأمورین حقوق دان دولت انگلیس امید می بخشد که در رفع غوایل و موافق و مصلحت عمده به دولت و اقتضای حال حل مسائل خواهند نمود - و جای دارد به سده سلطنت سینه عالی و پیشگاه دولت نفیة انگلیس و سدارت عظمی و وزارت جلیله خارجہ ایران و سفارت بیته طهران و حفرال قوسلگری حلیج اشکر نمود چه

شکر نعمت نصبت افزون کند

کفر نعمت ارکفت بیرون کند

مدیر سابق کرک (جاه بهار - یا بلوچستان) که مریض بود چندی است معاودت و مقرب الخاقان محمد صالح خان کرمانی بمدیری کرک انجا معین شده است و در نظم و پیشرفت کار اداره غیرت بخرج میدهد

معاوم می شود که در هذالسنه میمونه نظر مرحمتی خدایند بحق بیچاره این حدود بسیار است که باران و رحمت کامله اش نازل و شامل شده خاطر ها شاد و هر نوع باب کرامت کفاد است

تغزیه داری خامس آل عبا علیه آلاف التحبه و التنا و سوگواری اثمه هدی هم امسال انجا روقی بسر داشت در کشتی دولتی و تکیه حیدر آبادها هر دو به احسن وجهه بعمل آمد اقدام و اطعامی که در هر سال و عام حضرات حیدر آبادها هموماً و خیرالحاح حاجی عبدالحمین حیدرآبادی خصوصاً در چنین موقع میکند امسال با جمعیت فوق العاده بطور شایسته از عهده برآمد ایلحق شایان ذکر است که روزنهم مرم نیز کارگذار معزی الیه محض قفاخر و تشویق صاحبان حیدر آبادی شیعیان از نیمة خارجه و ترویج طریقه حقه ریخت افزای تکیه و آن مجلس مانم شد که این رفتار مناسب خیلی موجب مزید دعا گوئی ذات اقدس شهربار تاجدار و اولیا و امنای دولت اهد قرار گردید که

اینهمه آوازاها از شه بود

گرچه از حلقوم عبدالقہود

هر وقت حیت و شہامت باستان در آنها موجود است و حرارت فریژی در ابدانها بر قرار و آنچه نویسنده تاریخ صاحب مکتوب فوق در خصوص جناب نظام الملک و بربر عدلیه اعظم مرقوم داشته اند صحیح و طاری از شبانه مدافعت و تمایق است - و قاجار نگاران اداره نیز مکرر از مسامی حیلہ معظم له در محاکات و فیصله دطاوی و مرافعه جات وطنی احوال و مذاقه و رسیدگی در کشف حقایق امور نوشته - و از حسن فطرت و نجابت و خوش خلقی ایشان شروع مفصله نگاشته - و آنچه در موقع حکومت ایشان در طهران واقع شده نسبت برخی خود فرضان بد نفس دادماند - از خداوند توفیق و تأیید این گونه وزراء کفایات باداش و فرهنگ را خواہامیم و امیدواریم در آئین مصدر کارهای زرگد شوند که ملت و دولت را سرماند سازند - واقعه ولی التوفیق

بلوچستان

بدیسی است تا چه درجه خاطرها تفصیل و نتیجه عمل این حدود را منتظر اند لذا اطلاعاتیکه توسته از حای موثوقی تحصیل کند برای درجه در نامه مقدمه ارسال نموده - آقای اعتلاء الدوله کارگذار کل هرستان که از طرف دولت مأمور مخصوص است از ساعت ورود هاره در حسن انجام مهام و اصلاح و ایام آن و آبی بوده - از ایمنی بیاسوده - لیکن از آنجا که علاوه بر هیئت محترمه که میتوان کیسیون گفت و عبارت از حکمران بلوچستان و مأمورین دولت انگلیس است حضور جمعی از سرداران و خوانین مکران و بلوچ ضرور و راهها هم غالباً و بلکه کلیناً صعب و دور است و در اکثری از نقاط ضرور نیز پست و تلگراف و اینگونه وسایل تسهیلات موجود نیست و یکی از مطالب هم مبالغ خطیری مطالبات و دطاوی صعب الوصول است که با ارسال پیش از ورود اعتلاء الدوله ولی خان کرمانی که آن زمان حاکم بلوچستان و علی بن اکرم السلطنه بمبئی که از جانب ایالت کرمان مأمور بود سرهم بندی نموده اسنادی گرفته تصدیقی کرده بدست اجانب داده آمد و در واقع يك گونه اسباب درد سر ابدی فراهم نموده آمد و غیر از آن نیز مسائل بلندی و سرحدی و کارهای عنیق و جدید هم پیش خواهد آمد

﴿ ایضاً ﴾

نواب والا شاهزاده ظهیرالسلطان حکمران بلوچستان برای حضور در مجلس تصفیه امور سرحدی یک روز قبل از نوروز با اردو و بارة سرداران و خوانین بلوچ و مکران اتباع این دولت ابد پیمان بجهت بهار نزول نمودند. جناب اعتلاءالدوله قبل از اربعان موجود و ناظم مکران فرستاده دولت تهمینه انگلیس نیز امروز صبح ۲۵ محرم است وارد شد و عترب به تشکیل مجلس شروع خواهند نمود از افکار کار آگاهانه و اطوار خیرخواهانه حضرات که منتخبین دو دولت بزرگ دوست مسایه یکانه ابد امید واثق و رجای واثق است که دو دایره عدل و انصاف دور از ظلم و اعتساف درباره احدی از طرفین و یکی از جانبین تسویه امور و حل مضلات بشود

پس از ورود حکومت جلیله از سوه قضا در آناه شلیک که لازمه احترام ورود اردو است صدمه سختی به یک دو نفر از توپچیان رسید. بر حسب امر و توجه حکومت نیه و جناب اعتلاءالدوله کار گذار دولت علیه دو کفر مرخصخانه انگلیس بخوبی تداوی نمود

سکنتی (پرس بلیس) که در این سفر برای رسکوب اعتلاءالدوله بود چون تعمیر لازم داشت کشتی مظفری عوض کشتی مزبور به (بندر چاه پار) آمده پرس بلیس برای تعمیر به بمبئی روانه گردید مباشر و مأمور تعمیر (سیوکائوسل) بلژیکی که مرد درستکار شایسته است و در بندر عباس رئیس کربک بود میباشد. متمدن السلطان تا خدا ابراهیم خان هم که سادات در کشتی کابتان است با سایر صاحبانصیان و اجزاء و حملجات که همه قدیم و بکار خود بسیر اند با کشتی اند. اعتلاءالدوله نیز به کشتی مظفری که از حاکمیت این عصر میمون و فی الحقیقه ارمنان مسافرت همیون بفرنگ است و در تحت کاندلی (سیوپوتی) کابتان بلژیکی حسن اداره میشود تحویل فرموده در آنجا کثرت دارند

چند روزیکه این کشتیهای دولتی هم دو در این بندر آنکر انداز بودند شکوه و جلوه دیگر داشت زیرا درین بندر اکنون چنین تصادق شده بود خلاصه بودن کشتی و اردوی دولتی در مجروح

این روزها زایداً علی سابق به رونق این بندر افزوده و همگی با شور و شوق تمام دعاگوی مزید اعتلاء و احتشام و دوام و اقوام دولت ابد اوتسام اند

﴿ عربستان ﴾

حوزه حکومت جلیله محرمه از مسامی جلیله جناب مزالسلطنه سردار ارفع پیش از پیش قرین انتظام است جناب اعتلاءالدوله کار گذار عربستان چون در مأموریت فوق العاده بلوچستان رفته امور عکار گذار پراهم علی الرعم با استحضار وزارت جلیله خارجه و اعلام و اخبار به مأمورین محترم بجناب مزالسلطنه واگذار و به ایقان تودیع شده است

سایر ادارات از کربک و پست و صندوق و غیره نیز مرتب و منظم است - رئیس کربکات و پست و صندوق و مأمورین دیگر در حسن اداره وظایف خود را معمول میدارند

﴿ مکتوب از بمبئی ﴾

جناب منضم السلطان آقا میرزا محمود خان وزیر مقیم در مأموریت هندوستان اصولی تازه پیش گرفته و مسلکی نو اختیار نمود است و برخلاف مأمورین سابق خود را موظف بخدمات ملق و دواق میداند - حق این است اگر مأمورین سابق همه باین و تیره حرکت کرده بودند ما ایرانیان هند در هیچ امری از سایر اقوام عقب نبودیم

جنابسامی میداید که تاکنون دفتر قونسلخانه مخصوص نبود - قونسلخانه عبارت از قیامگاه جنرال قونسل بود - مسلم است با این حال در دفتر قونسلخانه نوشتجات لازمه نیز باقی نمی ماند و این امر خود اسباب زحمت و پریشانی مأمورین دولت خصوصاً در بندر ورود بود منضم السلطان همایوت دائمی برای قونسلخانه گرفته و قبل هم باندازه ضرورت خرید کرده ترتیبی در کار گذارده که جناب و حضور مأمورین برای دفترخانه قونسلگری قنوت نخواهد نمود - چون کارها در تحت نظام و ترتیب آمده ثبت جمیع نوشتجات لازمه مرتب گرفته و به ترتیب گذارده می شود هر مأموری که ازین و بعد وارد شود بمجرد مراجعه بدفترخانه سر رفته جمیع امور بدستش خواهد آمد و جاومقام منز و منقعی برای پذیرائی بدون خون جگر خواهد داشت

این مراتب را میتوان گفت از وظائف ایشان بوده و دیگران که عمل نکرده یا قاصر بودند یا مقصر البته چیزی که بیشتر جالب نظر وقت میباشد همانا اقدامات عهدانه ایشان در اتحاد و ترقیات مابین ایرانیان هند است - چنانچه بنازگی شلوده مجلس تجارتی برای ایرانیان در بمبئی گذارده اساس نیکویی بر بای داشته اند - شرح آنرا جداگانه نوشته یقین است درج در جدولین خواهد نمود

مراجعت کمیسیون انگلیس از ایران

کمیسیون تجارتی انگلیس از ایران اواخر فروری به (کرمان) رسید (مینجر سیکس) قولسل دولت مشارالها و زوجةشان به سواری اسب تامسافت بمید کمیسیون را استقبال کردند - و هوای (کرمان) در آن ایام خیلی سرد بود - و تا ده روز برف زیاد بارید اکابر و عماید و بزرگان شهر را اعضای کمیسیون ملاقات کردند و بکامیابی امیدوار شده مقضی المرام گویا تا یکم می به هند مراجعت خواهند نمود

تلکرافات

(۶ صفر - ۱۳ اپریل)

بموجب سرآمدگی که در واشنگتون انتشار یافته - ششم فروری (۱۹۰۴) دولت ژاپون مستر (گرسکم) سفیر (آمریکا) را در (توکیو) اطلاع داد که تعلقات پلنیکی خود را از روس قطع نموده - ولی قبل از حرکت سفارت روس که در سه یوم بعد خواهد بود اعلان جنگ نخواهد داد

(۷ صفر - ۱۴ اپریل)

در (انجیر) شهرت دارد که امپراطور سلطان (سراسکو) به کمیسیون فرانسه اطلاع داده که قبل ازین در باره سرحد (الجویا) بر عهدنامه که با (فرانسه) شده دستخط شده - و دو ساز مواد صلاح خود را درین دیده که هیچ دولتی در عهدنامه (میدرد) شمولیت داشته و دستخط کرده متوجه ساخته فیصل فرمایند

امیرالبحر (ترین) که از امرای بحری (آمریکا) است او (نیل) به (نیویارک) نوشته که از اخبارات موصوله ظاهر میگردد جهاز بیمارخانه روس (اورل) در روز با جمعی از بحریین به (ساگون) رسیده

غیر (روتر) از (توکیو) خبر میدهد که ظاهراً بندر (ماکو) را ژاپونیان مخصوص نموده و این بندر را در جلوگیری جهازات بالتیک پناهگاه خویش قرار داده اند امیرالبحر (روزیونسکی) از جانب مشرق جزیره (فارموزا) بطرف شرقی جزایر (فایون) ماجلا حرکت و او جزایر شرقی به

(ولادوستک) تهنیت خواهد نمود

بموجب پروتیکه از سپهسالار قشون ژاپون (مارشل اوپاما) رسیده - تاریخ دو اردم دو هزار لشکریان پیاده و سواره روس دره فرسنگی مشرق (مکدن) پیش قدمی نموده و شکست خورده در جنوب و شمال (فونس گنگ) رجعت کردند - روسیان تدریجاً از کنار شوارج (کون) حرکت میکنند - تازه تغییرات عمده در میدان جنگ واقع نشده است

چهل (لینویچ) اطلاع میدهد که سواران روس در نواح (فایون) بر راه آهن حمله برده سپههای تلگراف را خراب کرده اند

(۸ صفر - ۱۵ اپریل)

بموجب اطلاعیه از (توکیو) رسیده افواهی که در باره جنگ بحری در خارج سواحل (ساگون) انتشار یافته مقرون بصواب نیست

در (پترسبرگ) رسماً زردید شده که در جهاز (اورل) هیچ مجروح نبوده است

جهاز (اورل) تاسی و شش ساعت در (ساگون) نگر انداخته شد (تن) ذغال غیر از سپورسات و ادویه لازم و اشیاء دیگر حمل نمود

بسیاری از جهازات ذغالین از (درین) و (کاردف) به (سنکائنگ) رسیده منتظر حکم اند

والی جدید صوبه (قف) اهالی را اطلاع داده که درباره اصلاحات و انتظاماتیکه خواسته نگارنده ایشان ملاحظه شوند - و بسیاری از اراضی خالصه دیوانی بهالی تفویض خواهد شد - حکومت مزبور در اعلانی دیگر بیان نموده که امپراطور امر فرموده اند که مسئله تلیک و تصرفات کلیساهای ارامنه را مجدداً مورد ملاحظه خواهند نمود

غیر (روتر) از (توکیو) خبر میدهد که عهدنامه (بت) اصلاح و ترمیم شده - و افتتاح تجارت خانه های (بت) ضللاً ملتوی گشته - و تا وقتیکه عهدنامه مکمل نشود مالالتجاره (بت) که در هند برای فروش می آید در گمرک محفوظ خواهد ماند

(۹ صفر - ۱۶ اپریل)

در بندر (سید) اعلان یافته که دست چهارم جهازات (بالتیک) جولانی ماه آبی یا آگست از بندر مزبور عبور خواهد کرد - دست چهارم جهازات بالتیک مشتمل خواهد بود بر جهازات (آزوا - کارنلوف - جنو و اسپال اول)

افتشاشات داخله و بلراهای اندرونی روس زنده مهول می نماید - و بسیاری از ملاکین با اهل و عیال خود در (مسکو) آمده پناه گرفته اند

امپراطور روس کیسیونی را که بریاست (مستر) دی و مقرر فرموده که درخواستات و اصلاحات وارمین نمود نماید - موقوف فرموده و این امر به کیسیونی دیگر بریاست یکی از رقبای مستر موصوف تفویض گردید

(۱۰ صفر - ۱۷ اپریل)

مارشل (اوپاما) اطلاع میدهد که تاریخ چهارم دست از قشون ما در جنوب (سنک گانگ) قدم بسته مادم را رجعت داده و (بن شنگ) که هائوده فرستاده

جنوب (سنگدانگ) امت متصرف شدند. دینار دیگر
 از میان آورد به تنگه سواحل دریا در (پشاور) و بلخ
 نمود. لشکریان روس در قرب (پشاور) همه دست
 سوار و یک توپ خانه بود. همه طب نشسته بطرف
 (پشاور) رجعت کردند. همیشه قشون ژاپون را در
 مقام مذکور متصرف یافتند عقل المواس در کمال سراسیمگی
 و بریشانی به طرف دوة (پاسنگ) که یک فرسخی جنوب
 (پشاور) است فرار کردند

§ خبر (روتر) از (توسکیو) خبر میدهد که اداره
 بحری ژاپون حکم کرده که منطقه (پس کادروس) و (اکا
 وا) در جزیره (لوکو) و (اوعاما) و (ای) که در
 صومچات (آتام) واقع است نگهدارند. نوده قیود و
 نظامات بحری را کاملاً جاری دارند.

§ خبر (روتر) از (هنگانگ) خبر میدهد -
 بموجب خبریکه از جهاز (تلاشوس) رسیده دوازدهم
 ساعت سه و بیست دقیقه از ظهر گذشته صدلی شلیک در
 پنجاه میلی جزیره (ناتونا) به گوش میرسید

§ خبر (روتر) از (سنگاپور) خبر میدهد که جهاز
 (ناردوشر) پرس (ازگ) در قرب کاسران) هیچد جهازات
 (بالتیک) را مشاهده کرده هیچ جهاز ژاپون را در آن
 نواح ندیده است

§ جهازات (کروزاژر) (مولاند) که ضلأ در (دهاژ)
 نگر انداخته متقدم به (بتاویا) مراجعت میکنند

(۱۱ صفر - ۱۸ اپریل)

§ جهازات (بالتیک) که دو-لیسم (کاسران) و (آتام) دیده
 شد. پنج جهاز جنگی زده بوش و چند کشتی کروزاژر بوده است
 § دور از ساحل (ولادوستک) که اینک برف گرفته و
 شدت یخ دارد ژاپونیاں ذغال زیادی غنیمت یافته اند

§ جنرال (لینویچ) اطلاع میدهد که در پنج یازدهم
 مسیرة اردوی روس بر قریه (پوهال) یک و نیم فرسخ
 شرقی (میان) حمله برده ساقه قشون مینه و مسیرة
 ژاپون طب نشسته - ژاپونیاں به (میان) که یکی از قیامگاه
 های آنان و بر هارح (گاون) واقع است رجعت کردند -

§ خبر (روتر) از (ساگرن) خبر میدهد که امیرالبحر
 (زوجن قار) همراه (کروزاژر اسکاتس) به خلیج (کاسران) رفته
 یک از جهاز فرانسه نیز با حمل سیورسات برای جهازات
 (بالتیک) روانه گردیده است

§ جهازات موشک شکن دولت آمریکا (مار) و (چالی)
 در (لابون) رسیده روانه شده تا (کروزاژر - دلی) و
 ملحق شوند

§ روسیاں از دانشمند امیرالبحر (دزیووسکی)
 قوی دل شده میگویند. قبل از آنکه با ژاپونیاں مقابله
 کند امیرالبحر مرصوف دو (کاسران) جهازات خود را صاف
 و آماده کرده ذغال بقدر کافی با آنها رسانیده است -

§ از طول قیام جهازات (بالتیک) در خلیج (کاسران) و
 اهالی ژاپون اعتراض زیادی خیرانه کرده میگویند اینگونه
 رفتار و سلوک طرفداری فرانسه را در جنگ نامناسب
 § علامت افشاش زورکی در صومچات بلقان دیده است چمی
 از اشراز بون بر (ژانورشان) که قرآه بلغارست برش
 بوده و تاراج کرده - و بسیاری از اهالی قریه را مقتول

ساخته و قیه را اسیر نموده بکوه برده اند. اهالی بلغار
 با قاتل غیظ و غضب بقصد قتلش برخاسته در قریه
 (کسورا) حمله آورده - بوآنیان مدافعه کرده جنگی سخت
 واقع و پانزده نفر از بلغاریان مقتول شده اند

(۱۲ صفر - ۱۹ اپریل)

§ قرضه پنجم داخله ژاپون (۱۰۰۰۰۰۰۰۰) ین
 اول می پرداخته خواهد شد -

§ اعتراض ژاپونیاں در قیام جهازات (بالتیک) بساحل
 (کاسران) سخت و شدید شده

§ روزنامه (روسی) ژاپون بدولت فرانسه اژام میدهد که
 دولت مشار الیها جهازات (بالتیک) را در سواحل خود ممن
 داشت - روزنامه (هیگی) از دولت فرانسه دفاع کرده
 می نویسد که در ماده جهازات روس و (کاسران) از روی
 عهد نامه دولت ژاپون باید از دولت انگلیس حواستگار
 شرکت و همراهی شود -

§ اخبار طمس پاریس در عدم بیطرفی فرانسه از جنگ
 دلیل وینه می طلبد و می نویسد حکه جهازات (بالتیک) در
 مدیگاسکر از یک فرسخ دور و هیچگاه سه میل نزدیک
 ساحل نیامده - امیرالبحر روزوسی اینقدرها قافل است که
 خود را ملزم قرار ندهد ازین رو باید دلیل بر عدم بی طرفی
 از جنگ ژاپون ظاهر دارد

§ کولاف قاتل دیوک سرکس را عدالت حکم قتل
 داده در مسکو بقتل رسانیدند - مقتول بیان میکرد
 که من مجرم نیستم چه برای حفظ حقوق ملی و وطن خویش
 در برای طامه شرکت کرده است

(۱۳ صفر - ۲۰ اپریل)

§ بموجب تلگرافیکه بدیلی میل ارمینا رسیده شازده
 کروزاژر ژاپون و جهازات موشک شکن دربر دور از
 ساحل سامبالک به نظر آمده اند -

§ وقایع نگار دلی میل از سنگاپور تلگرافاً خبر میدهد
 که کار دازان روس سیم تاگراف بین فوجو و فارموزا را
 قطع کرده اند

§ مستر بادر به جواب سوالی در مجلس مبعوثان بیان کرد
 که حکومت فرانسه در بیطرفی خود از جنگ اقصای شرق
 اهتمام بلین کرده و خواهد رد

(۱۴ صفر - ۲۱ اپریل)

§ بموجب تلگرافیکه از توکیو رسیده ژاپونیاں تنگ موها
 که پنجاه میلی شرق شننگ واقع است متصرف شده روسیاں
 بجانب جنوب رجعت کردند -

§ وقایع نگار دلی تلگراف از توکیو مینویسد که دولت
 ژاپون در اوة قیام جهازات (بالتیک) در ساحل کاسران رسا
 عدم رضایت خود را به دولت فرانسه ظاهر نموده است

§ حکومت هنگکای مجدداً حکم ممنوعیت حمل ذغال را
 داده - فقط اثبار داران ازین حکم مستثنی اند

§ همین که معلوم شد که جهاز آلمانی جولیت نام ذغال
 برای کاسران می برد از گرفتن ذغال ممنوع گردد - دلی میل
 می نویسد ملاحظین انگلیسی که در ان جهازند شکایت می کنند
 که ما را گول زده فریب داده بدین مناسبت از ایام ملازمت
 انکار کرده راه را برگزینی ترجیح میدهند - بدین عمل

§ بموجب تلگرافیکه از (ساگون) رسیده جہازات بالتیک تاکنون درخلیج (کامران) موجود ولی امیرالبحر (جنکادوس) ساهی است که دو بیطری فرانسه دو جنب خللی واقع نشود § ادیلی (اکسپرس) لندن می نگارده که لارده کوپر سپسالاد هند اظهار داشته - تا وقتیکه اختیارات اواسمین جنگی محدود نشود معنی الیه اقدامات لازمه را در انظمامات لشکری هند نتواند نمود - اخبار مذکور می نویسد که بین (لارده کوپتر) و (جنرال الس) وضع مخابره بکاره کشیده است § [مستر دلکاسی] وزیر خارجه فرانسه بیان کرده که سلطان [سراسکو] کاتبه محوزات ماندا قبول نموده و مراسلات بین دولتین جاری است - اگر دولت آلمان سخنان [سراسکو] را کالی نه شماود خود حاضر است که در اجرای مقاصد ما سعی نماید - دولت آلمان دروضع این مخالفت موجوده دولت فرانس را از همراهی خود مطمئن الحاطر می سازد § [مستر الفورد] صدراعظم انگلستان بچواب سوال مسو [کیل بزمین] بیان کرده که دولت انگلیس را هیچ گونه اطلاعی درباره تنبیه مہدنامه [نیت] نرسیده البته کیسیون کابل مہدنامه امیر افغانستان را تجدید کرده است -

(۱۸ صفر - ۲۰ اپریل)

§ جاسوسان روس دو دسته سواده و توپخانه ژاپون را درجنوب وشرق (شنگ شانگ) که مقام اردوی مرکزی جنرال [لینویچ] است دیده که در تدارک یرش بزرگی اند در میت این اردوی ژاپون پست و دو توپ و بسیاری از کالسکه سیورسات و سه هزار نفر از فرقه [هنهور] § سفیر ژاپون درپاریس مستر دلکاسی وزیر خارجه است فرانسه را من باب توقف جہازات بالتیک در ساحل کامران رسماً خبردار نموده - ازطرف حکومت فرانس اظهار شده که همان قسم سلوک با جہازات ژاپون وقتیکه درخلیج کامران بود شده است - علاوه بر آن مستر دلکاسی اقرار نموده که جہازات بالتیک سواحل فرانسه را رها کرده اند

(۱۵ صفر - ۲۱ اپریل)

§ طیش و غضب ژاپونیان به فرانسویان زیاد شده - و در مجالس عامه و خاصه بر مخالفت فرانسه آراء سخت پیش نموده و بخش اهالی زاید الوصف بروز کرده است § اهالی پاریس بیان می کنند که دولت فرانسه مراسلاتی چند به پترسبرگ فرستاده و حکام نیز خود را در سواحل ایندوچینا دستورالعمل داده که به صہدہ داران تأکید و باسرای بحری اصرار شود که در حرکت روسیان بیطری فرانسه را مد نظر داشته باشند -

§ اهالی انگلستان علی سبیل العموم چنین رأی خود را اظهار می نمایند که به امیرالبحر روز یونسی قائده بزرگی از حمل ذغال و آذوقه درخلیج کامران رسیده و میرسد - اعضای اداره بحری پترسبرگ در پیشرفت کار خود اطمینان پیدا نرده اند

§ بموجب مراسلاتیکه ازشیک می به مارنگ رسیده جہاز اسکله دغال حمل می نماید - و ماشین وغیره که قبل برداشته بجائی خود گذارده و جہاز مزبور بظاهر برای حرکت آمادگی خود را ظاهر می نماید

§ از تلگراف پترسبرگ مفهوم میشود که اداره بحری روس به امیرالبحر روزیونسی نوشته که قیام در نزدیک سواحل

اتام باعث خوف عظم و بیم دو خلل امنیت عمومی است - چنان استفاده میشود که امیرالبحر موصوف کلام رسمی دولت را تسلیم خواهد نمود -

§ دیواریس خبری انتشار یافته که جہازات بالتیک درروز از سواحل اتام حرکت کردند -

§ از اخبار نیم رسمی پاریس ظاهر میشود که سفیر ژاپون رسماً خواہش نموده سکه حکومت فرانسه اروا اطمینان دهد که دولت مشار الیها شرایط بیطری را نگاه داشته و خواهد داشت - و نیز رسماً اقرار میکند وقتیکه امیرالبحر روزیونسی در وواح مدینکاسگر قیام داشت دولت فرانسه و مأمورین فرانس مخالف با قواعد بی طری رفتار نموده اند

§ احکام مخصوصه در ایندوچینا از طرف دولت فرانسه من باب جہازات بالتیک رفته است

§ مسیودلکاسی در جواب خود ژاپون را تسلی داده و تسکین نموده ولی تا حال اسری که قابل تصدیق باشد بظہور نرسیده - میگویند حکومت ایندوچینا درباره جہازات بالتیک همان طریقی را اختیار نموده که درماده جہازات جنگی ژاپون وقتیکه درخلیج کامران آمده سلوک کرده است

§ مخبر روتر از توکیو خبر می دهد که چون درباره بیطری فرانسه اطمینان داده شده سیاسیون را ضمیمه این است که جراید ژاپون راست درین ماده زیاده بر این - طبعی نکرده نرمی اختیار نمایند

§ مخبر روتر از هنگکات خبر میدهد که در اداره چین نیز حرکت غیورانه دیده می شود - امیرالبحر چین را حکم شده در مرصه دو ساعت با قایق سرعت تمام قوای خویش را جمع نموده منتظر حکم باشد -

§ مسیودلکاسی مجدداً اطمینان داده سکه احکام رسمی متواتر به حکام فرانسه در ایندوچینا فرستاده شده که شرایط بیطری را کاملاً مراعات نمایند

(۱۶ صفر - ۲۲ اپریل)

§ بموجب خبریکه از سگون به پاریس رسیده صہدہ داران فرانسه دو سگون کروژائر روس دانشا تم واک مرمت شده حکم داده اند که ازاسلحه طاری شود ملحقین های ضروری و ایمن را از خود دور دارد

§ از تلگرافات تازه معلوم میشود جہازات بالتیک ازخلیج کامران حرکت سکرده - حاکم هیلان به یکن تلگراف نموده که جہازات بالتیک در سواحل هیلان ذغال میگیرند

§ مخبر روتر از پترسبرگ خبر میدهد که چنان مفهوم شده که فرانسه خود را در شرایط بی طرفی ازجنگ پای بسته قرار داده و برای اجبره مراسلات رسبه ژاپون پس از تحقیقات اظهار داشته که مقام توقف امیرالبحر روزیونسی دوست معلوم نمی شود که تحقیقات لازمه نمایند به این سبب دشوار است که ضلاً حکم شود که شکایات ژاپون بجاست یا نه ولی فرانسه در تحقیق ساهی و هر قدر زود ممکن شود اطلاع خواهد داد

§ در اداره بحری بیان شده تلگرافیکه از امیرالبحر موصوف سوالات رسماً شده بود در کامران چهار روز قبل رسیده است -

﴿حبل المتین کلکتہ﴾

﴿از هر کس و هر جا بلا استثناء ابونہ اخبار (مقدم گرفت می شود)﴾

﴿قیمت اشتراک﴾

سالانه — شش ماهه

﴿روزنامه مقدس﴾

﴿نکایه امور اداره با﴾

﴿هند — و برمه﴾

﴿مدیر کل و مؤید الاسلام است﴾

۱۲ روپه — ۷ روپه

﴿منتظم اداره﴾

﴿ایران و افغانستان﴾

﴿آقا محمدجواد شیرازی است﴾

۲۰ قران — ۲۵ قران

﴿هر دو شنبه طبع﴾

﴿عثمانی — و مصر﴾

۵ مجیدی — ۳ مجیدی

﴿سه شنبه توزیع میشود﴾

﴿اروپا — و چین﴾

﴿بتاریخ دو شنبه﴾

۳۰ فرانک — ۱۷ فرانک

﴿سنة ۱۳۱۱﴾

۲۰ فر ۱۳۲۳ هجری

﴿مصادف با﴾

﴿قبل از دریافت نمودن قبض اداره﴾

﴿روس و ترکستان﴾

﴿اول می ۱۹۰۵ میلادی (خریدار نباید قیمت اخبار را باحدی تسامح نماید) ۱۰ منات — ۶ منات﴾

﴿درین جریده از هرگونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دوائی و فواید مافی بحث میشود﴾
﴿مراسلات طام المنعمه مقبول و در انتشارش اداره آزادست﴾

﴿فهرست مندرجات﴾

- اناقه و انالیه راجعون • تلگرافات • مکتوب
- از کربلا • نقل مکتوب بادکوبه • مکتوب از بغداد •
- تاریخ حرب ژاپون • سرستان • مکتوب از عراق
- عرب • مکتوب ارشام • وزارت لشکر • سواد دستخط
- هاونی • شفاوت • مکتوب یکی از دانایان • ترجمه اقدام •
- تمدن بدتر از وحش • جواب روزنامه حبل المتین • مکتوب از
- رشت • تشریح معنی بلیک • ترجمه روزنامه مارتنک
- پست • ایضاً • ایضاً • حبل المتین • انجمن تجارتي
- ایرانیان بمبئی • جغرافیای ایران • عیایات خسرویه •
- بلوچستان • توجهات اوایای دولت بجانب مستط •
- حبل المتین • التجای تجار بمبئی در اصلاح سکه •
- تلگراف مجلس تجارت بمبئی • مکتوب از شیرز •
- شوشتر • مکتوب از انزلی •

﴿اناقه و انالیه راجعون﴾

اعظم ضایعات اسلام و اسلامیان در سال هزار و سیصد و پست و سه . رحلت حضرت مستطاب حجة الاسلام والمسلمین آیت الله فی الارضین شیخ العلماء آقا شیخ محمد حسن مامقانی اعلی الله مقامه میباشد که یوم شنبه ۱۸ محرم الحرام (۱۳۲۳) در نجف اشرف رحلت عالم جاودانی بر بست رحمت الله علیه رحمته واسعه جنسازه آن مرحوم را با احترامی که از شرح و بیان خارج است از خاک برداشته جمیع علمای اعلام و

طلاب و لسه و اعیان شهر از صرب و عجم در تشییع جنازه حاضر بودند .

جناب رئیس المشایخ العظام آقا شیخ محمد طه که از اهل علمه علمای نجف اشرف اند بر جنازه مرحمت پناه باز خوانده جنابان مستطابان آقا شیخ ابوالدائم و آقا شیخ عبدالله دو محل ذیل آن مرحوم که از اعاضم علمای عصر اند سه روز اول را مجلس فاتحه مفصلی منعقد نمودند از آن بعد سرکار حجة الاسلام حاجی سید علی آقا داماد مرحوم فاتحه مفصلی در همان مکان منعقد فرمودند . ز آن بعد جناب مستطاب حجة الاسلام آخوند ملا محمد کاظم خراسانی انفساد مجلس فاتحه کردند .

محل دفن آن مرحوم نزدیک صحن مطهر در حقه مخصوص است که سیصد ایرا گویا خرید شده و بعد مشغول تعمیراند . در کربلا و کاطمین بغداد بزرگ عیدیه فاتحه خوانی منعقد گردید . حد اوید در جنت آن مرحوم را تمسالی فرماید و به بار مادگان ایشان . جمیع علمای اعلام کفرقه امثالهم صبر جمیل و حر حزیل عایت فرماید

﴿تکرافات﴾

(۱۶ صفر - ۲۲ اپریل)

﴿جلسوسان ژاپون دو کشتی (کروزاتر) را خارج از خلیج (کامران) دیده - و پنج جہازات که گویا جنگی و دو کشتی که ببری ابرالبهر بر او ابراست

شماره (۳۰) ۲۵ صفر (۱۳۲۳) - سال دوازدهم - ۱ می (۱۹۰۵) صفحه ۲۵

ملکه انگلستان تاها فرمودند چادر خاصی را که در آن زنان حرب تنی نموده رقص می کردند

§ بموجب خطوطیکه از (شنکهاش) رسیده اهالی (فن شون) امبان نام وزیر مقیم چین را بتاریخ پست و یکم مع همراهانش در (نباژنگ) بقتل رسانیدند
§ در (مسکو) پانزده هزار خبازان دست از کار کشیدند - قیمت نان سه گونه ترقی کرده - اندیشه آلت که هنگامه بزرگ شود

§ در (ساگون) افواه است که امیرالبحر (روزبویسی) پس از حرکت از [کامران] بمرض اسهال مبتلا شد
§ بموجب اخبارات تازه (ساگون) جہازات (بالتیک) پنج فرسخ دور از ساحل امام بجانب جنوب در حرکت دیده شده اند

§ چنانچه انتشار یافته سه جہاز جنگی در جزائر (کار گدور) از جزائر (فلپاش) موجود است - اغلب جہازات واپون فلان تحت امر امیرالبحر (نشاما) میباشد

§ بموجب تلگرافیکه از (ساگون) رسیده بخانه و دو جہاز (بالتیک) که کشتی های سیورسات و قتل نیز شامل اند بجانب جنوب حرکت کرده چهارده جہاز سیورسات با (کروزائر - سوتلانا) و جہاز چارخانه (اویل) خارج از حدود بحری (کامران) تکر انداخته اند

§ يك فروند [کروزائر] فرانسه (دسکارتس) روز شنبه برای (هاترنک) حرکت نموده پست جہاز جنگی را آنجا دیده است

§ اهالی [ساگون] را عقیده این است که امیرالبحر [روزبویسی] ساهی است که جہازات امیرالبحر نیوفاتوفی را با جہازات خود شامل نموده اقدام در پیشرفت مقاصد خویش نماید

§ زارعین بقاوت اندیش را اعلیحضرت امپراطور روس در اخبار رسمی متنبه فرموده حکه آشکارا یا پنهان هرکس در این اغتشاشات دستی داشته باشد سخت سزا خواهد یافت - و نیز کیسیون تعیین شده که در اضلاع و مضافات از اشخاص متمم که در قرات متوقف اند خساره مالکان اراضی را حاصل نماید
(۱۹ صفر - ۲۵ اپریل)

§ وقایع نگار روزنامه (نیویارکسن) که در (کامران) وارد شده می نویسد - یوم یکشنبه ساعت ده صبح نه جہاز که يك زره پوش و دیگر کروزائر بود و ظاهراً جہازات امیرالبحر نیوفاتوفی است ده فرسخ در شمال [کامران] دیده شد

بود و شش صکشتی زره پوش در عاوری ساحل کامران تکر انداخته دیدند

§ در (برسبرگ) مجلسی از اعضای يك سد و پست اداره اخبارات و جرائد آزادی خواہ محرمانه تشکیل یافته - و چهارروز کامل منقطع بود - این انجمن اغراض بلتیک را مد نظر گرفته اصلاح مطابع را تجویز کرده است
(۱۷ صفر - ۲۳ اپریل)

§ بموجب تلگرافیکه امروز ساعت ده و چهل دقیقه صبح در طمس پاریس شایع شده تمام جہازات (بالتیک) ظهر روز شنبه از (کامران) حرکت کردند -

§ آواز شلیک سختی دور از ساحل (کامران) بگوش رسیده چنان تصور میشود که جہازات جنگی واپون در کین بوده همینکه جہازات روس از حدود بحری کامران خارج شده آغاز بجنگ و شلیک بر آنها نمودند
§ حکومت (ساگون) چهار کشتی های قتل روس را از حمل ذقال منع و حکم داده آن قدر ذقال حمل نمایند که برای سفر تا بندر دیگر او را کفایت نماید

§ عصر (روزی) از (نوکیو) خبر میدهد که از اشاعه جواب فرانسه درباره الحراج جہازات (بالتیک) از (کامران) و حفظ شروط بیطرفی - واپونیان خوشوقت شده تکدرات قلبیه که از فرانسویان داشته از دل بیرون کردند

§ مستر (دلکاسی) وزیر خارجه فرانس استفساری بخودرا باز گرفته ضمناً اصرار کرده که دوباره پوتلیک خارجه ارکان دولت را موافقت لازم است و مسلک بی طرفی را در جنگ اقصای شرق از دست نباید داد
ارکان دولت وزیر خارجه را بدین شرایط اطمینان دادند
§ کیسیون (آلمان) برای حرکت بجانب (فیض) پای تخت (مراکو) مصمم شده قبائل بین راه در محافظه و همراهی باعضای کیسیون مساعی مجذاه مینول خواهند داشت
(۱۸ صفر - ۲۴ اپریل)

§ حکومت جزیره (کرید) عشق را منتخب نموده که با بلوایشان گفتگو و در منافع عامه بحث نماید

§ اعلیحضرت [ادورد هفتم] پادشاه انگلستان و زوجة محترمشان امروز به (ساردنیا) رونق افروز خواهند شد - چنینکه از (الجیریا) مراجعت می نمودند تاشای با مزه در حوالی (قسطنطین) فرمودند یعنی جماعتی از اجله شهر و سرداران و تبیین آنها جمع و بوضع و طریق عجیب تفککهای خود را خالی میکردند - و بسیاری از هریان بالای اسب بطریقهای مختلف و عجیب به هوا شلیک مینمودند - اعلیحضرت پادشاه و

§ (قاپوز) بر ژاپونیان حمله نموده پس از اختلاف دوپست
قر عقب نشستند

§ در (این چین) دو دسته قهون دیگر روس
بر (سنگ نو) و (لاوتزو) حمله برده ژاپونیان را
عقب نشانده اند

§ خبر (روتر) از (توکیو) خبر میدهد که امروز مجلسی
خاص ازوزرا تشکیل یافته تا مشوره نمایند - آیا دو جزایز
(فارموزا) قانون (مارشل لا) قواعد جنگی اجرا شود یا نه ؟

§ اهالی (برتربرگ) را افواهی که در اخبارات معتبره
اشاعت یافته که هزار و پانصد نفر (هونگان) بدست
های مختلف تقسیم شده که روز (استیر) در شوارع عام
حمله نمایند مخوف و مرعوب ساخت - ادارات دوائی برای
جلوگیری این امر قزاق زیادی طلبیده و آماده شده اند -

ایام تعطیل اغلب امراء و اعیان بلکه متوسطین از شهر
خارج میشوند - بموجب خبریکه از سائر سویمجات رسیده
در اطراف نیز برای یکم می خوف و دهشقی طساری
ولی میقات مخوف آنها دوشنبه (استیر) روسهاست

§ مسامی شاهزاده (رجیت) درباره اتحاد (ناروی)
و (سوئید) تا مفکور شده حکومت (ناروی)
در جواب بیفامات صلح عدم رضایت ظاهر کرده
میگوید حقوق سلطنتی او باید در مشورتنخانه بالاصاله
تسلیم شود

§ کهنی آلمان (جولیت) که در (موریس) گرفتار
بود به حل شش صد (تن) ذغال حکم یافت - و فردا
به جانب (ساگون) حرکت خواهد کرد

§ روزنامه (دیلی پست) لورپول مینویسد که (لاردیکتر)
سپهسالار هند استعفا می خواهد تلگرافا بلندن فرستادماست
(۲۱ صفر - ۲۷ اپریل)

§ تلگرافیکه از (ساگون) رسیده ظاهر میدارد که
تاکنون جهازات (بالتیک) در حوالی (کامران)
موجودند

§ مستر (لوتبر) سفیر دولت انگلیس برای سه
هفته به [فیض] پای تخت [مراکو] خواهد رفت

§ خبریکه از (ناشقتند) رسیده ظاهر میدارد که قلعه
(هرات) را امیر افغانستان پیش از پیش مستحکم نموده
و توپخانه چند با توپهای بزرگ در آنجا رسیده است

§ خبر (روتر) از (توکیو) خبر میدهد که سواحل
(فارموزا) را ژاپونیان پیش از پیش مستحکم کرده اهالی
کمال اطمینان و آرامی را دارند - امیرالبحر (توگو)

و امیرالبحرهای تحت امر او لشکریان بجزی که در معیت
ویند معلوم نیست کجا قیام دارند ازین رو اهالی از
اخذای خود که در معیت ایشانند عراسلندرا بند کرده اند

§ در (کامران) افواه است که مرض اسهال امیرالبحر
(دوژوینسکی) بهتر است

§ بموجب خطیکه به روزنامه (مارشک پست) از (شانگها)
رسیده - يك فروند جهاز پجارخانه ژاپون یکشنبه عصر
از (بیک تاسی) حرکت و بجانب شمال رفت

§ کیفیت صحیح حرکت جهازات امیرالبحر (توغانوف)
معلوم نیست ولی مژنونست که بر خبر از آبنمای گذر
نموده از بحر اعظم عبور کرده است

§ امیرحضرت (ادورد هفتم) بیست و سوم به
(مارسبلس) و شام در (پاریس) رونق افروز شده
از رئیس جمهوری فرانس (میولومه) چند ملاقات
خواهند نمود

§ خبر (روتر) از اردوی جنرال (اوکو) خبر
میدهد که قطار راه آهن ژاپون از (هن هو) بریل
طرضی عبور و به (مکن) رسیده مسله آمد و شد
قشون از (دالتی) تا (مکن) کامل شده است

§ امروز از (ساگون) تلگرافی بدین عنوان رسیده
که جهازات (بالتیک) دو کشتیهای برج ژاپونیان را
غلیبت گرفته اند

§ دولت انگلیس را محققاً درباره قتل (امبان) و
همراهیان او خبر رسیده - ولی حالات منفصله آن هنوز
معلوم نشده است -

(۲۰ صفر - ۲۶ اپریل)

§ تلگرافی (ساگون) که از افسران فرانسه درباره
مفقودی ملاحن جهاز (دالتی) رسیده این معنی را انکار
مینماید فقط قدری اسباب ماشین آن نقل شده بود چه
امیرالبحر اراده داشت جای دیگر لنگر اندازد و افسران
طرفین ساهی بودند که در شرایط بیطرفی خللی واقع شود

§ نامه اخبارات از قواعد جدید و اصول مملکت
داری (ترالسوال) اظهار رضایت مینمایند قانون ملک و
روش حکومت را بهتر از اول بیان میکنند ازادانه و
کریانه با اهالی سلوک میشود (دیلی نیوز) مینویسد
که این روش حکومت مبنی بر اخلاص و محبت و
خیرخواهی ملت است

§ بموجب تلگرافیکه به (طمس) پاریس از (تانییر)
رسیده - بر جهازات فرانسه در (فیض) توجهات بلیده
میشود - سلوک حکومت اطمینان بخش است و در چند
مواد ضروریه شرایط صلح منظور و بحث شده است

§ خبر (روتر) از (کنکک) خبر میدهد که سه
جهاز جنگی و دو (کروزاژر) انگلیس امروز در
(لنگ تانگ) دیده شده که بجانب شمال و مشرق حرکت
می نمودند

§ جهاز روسیان با یک توپ غلظت مکمل در حوالی

یا بمصدق آیه شریفه (عی ان تکرهوا شیئ فهو
خیر لکم) یکی از ارامنه مادکوه خطی برای یکی از
تجار مسلمان دمشق مقیم کربلا نوشته شاید نخوات
باشد در روزنامه اسمش برده شود نام نبردم

چند سال قبل برخی از تجار بادکوبه مهانی دوره
داشتند من جمله این ارمی صاحب مکتوب هم بواسطه
رفاقتی که با تجار داشت در دوره مهانی شامل بود
روزی تجار مسلمان به شوخی رفیق ارمی خود را
گرفت زور ختنه اش کردند ارمی بی چاره بملاحظه
دو-ق این راز را سر بسته گذارد و به کسی ابراز
نکرد و در ملت خود باقی بود - ارمی موصوف
برای تاحری که مقیم کربلاست چنین مینویسد
(من کما اشکر از جناب عالی و سایر تجار اسلامی
دارم از اذیتی که در چند سال قبل مزاحاً به من
وارد آوردید - چه از ۱۴ الی ۱۸ ذی الحجه د -
بادکوبه قیامت بود و نزاع بزرگی بین ارامنه و مسلمان
واقع تقریباً چهار هزار از ارامنه و چهار صد از
مسلمان کشته شد - در کوجه و بازار جوی خون
بلکه نهر خون جاری قریب چهار صد خانه ارامنه راه
آتش زدند - درین ضمن من هم گرفتار شدم خاستند
قتل رسانند ادعای مسلمان کردم تا اینکه مرا ارمی
عوده یکی از آثار محسوسه مسلمانم که خفته است
مشاهده کرده از خونم در گذشتند - اگر این
اتفاق نشده بود من هم مثل سایرین کشته شده بودم)
در مراسلات دیگر مصابین خون ریزی درج شده
از ده هزار الی چهل هزار کشته ذکر میکنم ولی
مسلمان این سخنان افسراق است عده مقتولین طرفین
چهار هزار اضافه نبوده است

مکتوب از بغداد

چهار شنبه ۲۲ محرم الحرام سی و دو نفر از
شیوخ حاکم کربلا و کاظمین و بغداد را از بغدادم
نهی کردند در حالتیکه همه را دست بسته با چند نفر
سوارو عسکر روانه موصل نمودند - من جمله
چهار نفر از بزرگان بغداد بودند یکی (شکری افندی)
آلوسی زاده - که چند سال قبل کتابی در رد شیعه
نوشته بود دیگر (نابت افندی) آلوسی زاده که او نیز
کتابی در رد طریقه شیعه نوشته و (ناصر افندی) اهل
(معظم) احمد پسر عباسی یکی از تجار معتبر بغدادم که
هنوز درست اسمش معلوم نیست گرفته اند بعد معلوم
خواهد شد این چهار نفر قطعاً از سنت و جماعت
و طایفه شیعه بودند و این

سیو (تریف) کوتوال (بتر-برگ) اعلان داده که
اگر ضرورت داعی شود قوه قشون و اسلحه امنیت
شهر را قائم خواهد داشت

چون دولت روس ارجحول قرضه داخله مایوس
گردید برای دویت مایوز (مارک) با شرایط سخت تر از
قروس اولیه بود صد شش و نیم به صرافان آلمان
مانعی شده افواست گمگوی شرایط این استراض
حدید دو (بران) طی شده است

(۲۷ صفر - ۲۸ اپریل)

اوجود اعلامات شدیدة سیو (تریف) کوتوال
و کاکین (بتر-برگ) باز نشده است

بمرجب ریورت روسی که از صوبه [قاف] رسیده
من لشکریان روس و زراع مقابله سختی شده زارعین
رحی با تیشه و بسیاری با فنک خود را صلاح ساخته
بودند - جوی از زبان هدف گلرله قزاقان شده مجروح
و متول گردیدند

اغتشاش ریادی در (شیلانک) که در راه آس
(سایبریا) است شده وقشون بسیاری از (اکاترینبرگ)
باجا فرستاده اند

بموجب مراسله کتبه به (مارشنگ پست) از
(شنگها) رسیده من جمله ککسایکه با (امبان)
وربر متیم چین کشته شده چهار نفر کتیشان فرانس
بودند

هرار نفر از اهالی قدیم (یاشارک) مجلسی
معتد کرده اعلان شایع نموده اند که در صورتیکه
تسلط انگلیس بر (تت) ظاهر شود لارم است که ما نیز
خود را زقید اطاعت و اسارت دولت چین بیرون آریم
(استندرد) مینویسد که مقرر شده در
مصر فقط یک کرنل باشد - لذا کرنل (بلک) به
عده خود بلا-له خواهد ماند

از مرض نحس طاعون در رنگون از یکم اپریل
تا کنون پانصد و سی و نه و از ابتدای مرض هفت
صد و هشتاد و هفت نفر تلف شده اند

مکتوب از کربلا

این هفته مراسلات عیدیه از بادکوبه رسیده که از
۱۴ الی ۱۸ ذی الحجه قیامتی برپا بوده لاید مکاتب
به اداره هم رسیده ولی چون در ضمن این مکتوب
که برای یکی از تجار معتبر کربلا آمده لطیفه بود
ارسال گردید

نقل مکتوب بادکوبه

عدو خود سبب خیر اگر خدا خواهد

تاریخ حرب ژاپون

(از شماره ۲۹)

استحکامات و مؤسسات عسکریه

دولت ژاپنیا بحسب ضعیف موقع اراض خود از انشاء استحکامات داخلی صرف نظر نموده جبهه استحکام امنیت در مقابل هجوم دشمن در لیان ها یعنی نیاہ گامہا علی الخصوص در لیان های عسکری چه بحر و چه استحکامات ساحل نموده است

دولت ژاپنیا از روزیکہ بہ تسبیقات اساسیہ ابتداء نمود در آن ضمن صنف بحریہ را نیز تاسیس نموده جبهه محافظتہ دخول و خروج سفائن حربیہ با کمال املیت کور فزو (لیان - پناہ) های مکمل بسیار خوب انتخاب نموده

دولت ژاپون (لیان - یعنی آرام گاہ) کشتیهای خود را در منتهای برخی از خلیج ها تاسیس نموده کہ آنها برسیدل همویت با بسیاری از (جزایر - آده) ها مستوردست و علاوه بر آن چون مدخله های تنگ است بہ اسهل و چه همی را در تحت حفاظت و مدافعه در آورده است

در آوہ (پہ زو) در مقابل (ولادپوستوک) پناہ گاہ (اوتارو) را بہ ترکیب پناہ گاہ عسکری در آورده و جبهه مدافعه کلواک (جوفارو) را حکہ فیابین آوہ های (پہ زو) و (یپون) واقع است استحکام دارد بدین معنی کہ در آوہ (پہ زو) استحکامات ساحلی (هاقوداہ) را و در آوہ (یپون استحکامات ساحلی اومازاک) را العا و حاضر نموده اند

و در روبروی سواحل (ولادپوستوک) و (قورہ) در سمت غربی جزیره (یلبون) در داخل خلیج (واقازا) (مدزورا) کہ یک پناہگاہ بسیار وسیعی است لنگر گاہ حرب تاسیس نموده کہ این لنگر گاہ (قورہ) کہ در ساحل سبزی جزیره (یپون) واقع از صد کیلومتر در خلیج توکیو کہ بقدر پنجاه کیلومتر داخل درون قطعه شده است شهر توکیو کہ پای تحت است بالنگر گاہ توکیو موجودست غیر از این در داخل همین خلیج بیدر گاہ جسم تجارتی (یوقوہاما) و لنگر گاہ حرب (یوقوزانا) موجودست و عرض مدخل این خلیج هشت کیلومتره است از یک طرف با استحکامات (قان نوزکی) و در سمت مقابل با استحکامات (فود جو) کہ در روبروی یکدیگر واقع شده مدافعه میشود و آتش یعنی کلواک توپهای این دو فتره استحکام در وسط در داخل چهار هزار متره یکدیگر را مقراض مانند قطع مینمایند و در مابین جزیره های (یپون) و (سینوف) یک خلیج بسیار وسیعی موجودست حکہ بسبب جسماند دریای داخلی اسمیه و مدخل او بواسطه جزائر متعدده با اسهل و چه مدافعه میشود. در منتهای این خلیج لنگر گاہ عسکری (هیووقوبہ) موجودست این لنگر گاہ بالنگر گاہ (مہ زورو) کہ در اول ذکرش گذشت بایک رشته راه آهن کسب اتصال نموده اند قدری پیشتر کہ میروی بلاد جسیمة (اوزا آقا) و (ن یونو) نامان واقع شده

این دریای داخلی کہ بشکل یک لنگر گاہ میباشد مدخل او از طرف جنوب با استحکامات (یورا) کہ در جزیره (آواجی) ساخته شده و ہم با استحکامات (واقاوا) کہ تقریباًہ کیلومتر آن طرف ساخته اند سد شده است و مخرج جبهه غربی او نیز چه با لنگر گاہ حرب (کورا) و چه با استحکامات ساحلیہ جراتیہ (کوراهاشی) و (بوی) مدافعه میشود

در منتهای جنوب غربی جزیره یپون مابین جزیره مزبور و جزیره (کیوسبو) کلواک (سیمونوزہ کی) واقع شده کہ عرضش سہ کیلومتر میباشد عندالایجاب بواسطه استحکاماتی کہ در موقع (کوفورا) تاسیس شده است مرور سفائن منع میشود - و سفائن حرب خود ژاپون بدون آنکہ جزایر جنوبی خود را دوروز خذہ اطانت این کلواک در زمان بسیار اندکی از دریای ژاپون بدریای محیط کیر و از دریای محیط بدریای محیط بدریا ژاپون رفت و آمد کردن میتوانند در جبهه غربی جزیره (کیوسبو) در طرف لنگر گاہ جسم تجارتی (اومازاک) موجودست و همچنین در سمت شمالش در مدخل خلیج (اومورا) لنگر گاہ عسکری (سازہبو) موجودست کہ با استحکامات منین تسلیح شده

عربستان

جناب مزالسلطه سردار ارفع حکمران عمده و مضافات علی الرسم برای بعض ترنیمات بطرف کاروان رفته اعضای حکومت جلیله در امور واجبه مراقبت نامه دارد .

[مستولای مردیس] و ایس قونسول انگلیس در اهواز که بسمت لرستان رفته و دچار قضیه شده بود چندی است به باموریت خود مراجعت کرده مستر مؤمن بالله که چندیت مأمور اهواز گردیده و مستر (مکدوال) قونسول دوات مبارکها مقیم هرپستان که سالها مقیم عمده میباشد کالده حسن بیک را دارد .

ارزاق بمحداقه در این حدود و افراس و اهالی از هر باب شاکر همیچنین ادارات کارگزاری و بگمرکات و غیره به انتظامی تام دایر میباشد - الحقی باید بمقامت مبعیة سدارت عظمی ووزارت خانه های جلیله خارجه و گمرکات تقدیم تشکر کرد و وجود اقدس شاهانه را دعا گفت که بمحداقه از توجه اولیا و اماناء دولت ذبشوکت در سایه هایدایه سلطنت ابد مدت هر جبهه خاطرها قرین فراغت است

مکتوب از عراق عرب

جناب ممتحن السلطه جنرل قونسول دولت علیه ایران برای زیارت محسوسه غدیر و هرجه ار بغداد بعزم کربلا و نجف حرکت نمودند - جناب عبدالوهاب پاشا والی تانگرافاً حرکت ایشانرا بمجیع نقاط مهمه بین راه کربلا و نجف اطلاع داده تا احترامات لازمه را در هر نقطه صریح دانند - و برای احترام ده فرضبطیه معین شد که در معیت جناب جنرل قونسول حرکت نمایند - درحین ورود بکربلا متصرف پاشا کالسکه سوازی خودرا با طایور فاسی و بچاه سوار و مین باشی ردیف و مدک فرستاد - علاوه بیک و سوار هم از طرف کار بردازی کربلا معین شده بود - جناب میرزا محمد علی خان کارپرداز و جعی از اطامم کربلا تا سه فرسخی استقبال نموده و تا کارپرداز حه همراه بودند متصرف باقا یک دسته موزیکایی حاس معین نموده که در کار بردازی محض احترام قدوم جنرل قونسول ایران موجود باشند - با اعلامی اعلام کربلا دید و بازدید موصول شد - در تمام مجالس ادعیه حیره بوجود اقدس اعلی حضرت خطابونی و شاهزاده صدراعظم و مدبراهوله بعمل می آمد تبعه

دولت علیه کال رضایت را از آقا میرزا محمد علیخان کار پرداز کربلا اظهار داشتند

پس از توقف مدتی در کربلا عزیمت به نجف اشرف نموده قائمقام نجف رسماً کال احترام را بجای آورده رئیس بلده و مین باشی و سوار و بیک الی سه فرسخی فرستاد - از طرف نایب هادی آید نجف نیز سوار و بیک و غیره باستقبال فرستاده شده بود - بوم بعد از ورود از حضرت مستطاب حجة الاسلام حاجی میرزا حسین حاجی میرزا خلیل و حضرت مستطاب حجة الاسلام آخوند ملا محمد کاظم طهراسانی و حضرت مستطاب حجة الاسلام آقای آقا سید کاظم یزدی دام طابطم طایه دید و باز دید شد و تا کنون حجج اسلام بملاقات هیچ یک از جنرل قونسلهای سابق رفته بودند سائر علمای اعلام نیز همه دید و باز دید نموده مفصلاً بملاقات بعمل آمد -

ممتحن السلطه جنرل قونسول در دولت سرای جناب مستطاب شریعت مدار آقای حاجی سید محمد مجتهد امام زاده طهران منزل نموده الحقی جناب معظم کال پذیرائی را از مهان معظم نمودند اغلب شبها بعضی علمای اعلام را دعوت بشام می نمودند در کلیه مجالس و محافل از نظیات جدید ایران که نتیجه اقدامات شاهزاده سدارت عظمی است علمای اعلام تمجید بسیار نموده تفکر کرده دعاها میکردند - بعد از زیارت و انتظام امور مختلفه کارگذاری بجان کربلا و بغداد و حساب شدند -

با اینکه سالهاست نگارنده دز عراق عرب هستم هیچگاه ندیدم علمای اعلام و حجج اسلام با هیچ یک از جنرل قونسلهای ایران تا این درجه مخالطه نموده و تا این پایه از او احترام فرمایند وجود مقدس بزرگواری مانند حجت الاسلام حاجی میرزا حسین حاجی میرزا خلیل که رئیس مسلم علمای اعلام عراق عرب است با آن کبر سن که گویا یکصد سال دارند و چنان حق پنهان کم سو شده طی مسامحت بعبده نموده با جنرل قونسول ملاقات فرمایند امر کوچک ببت کسانیکه بسحق مطالب پی برده میداند چه عرض میکنم امروز جمیع علمای عراق عرب نتایج اقدامات شاهزاده صدراعظم را احساس نموده تمجید و تشکر میکنند و بوجود مقدس شاهانه و سدارت عظمی دعا می نمایند - بهترین علامت خوشبختی ایرانیان همین نکته است یعنی اتحاد صمیمی رؤسای روحانی بقولت و این نیست مگر

حسن تلوک و درست گوی و ملت خواهی حقیقه از جناب ممنون السلطنه نماینده دولت علیه درین مأموریت احساس نموده اند خداوند تبارک و تعالی آنها را صمیمی ملت و دولت ما را محکم سربازیه همه یک بختی طاقت برقرار و زیاده فرماید -

مکتوب از شام

راه آهن حجاز چنانکه سابق عرض شده حالیه از شام تا (معان) که یازده منزلی شام و چهار صد و هفتاد نه کیلومتر میباشد هفتت سه روز بین شام و معان کار میکند و الآن بقدر شش کیلو تام از معان و تا صد کیلو تسویه ترابیه اشرا ساخته و میسازند آب شام که در شش ساعتی مشافت شهر از زیر کوه (عین الفجیه) نام بیرون و تقریباً بقدر ۷۷ آسیاب میباشد همان آب تا دو ساعتی شام آمده در آنجا به دو قسم منقسم و در جب و راست شهر های متعدد لای یکدیگر بنا سکوده در خود شهر منقسم به خانه ها میباشد - چون از عین الفجیه تا شام این آب از قره ها و از بلق و باغیچه ها گذشته و بدون سربوش می آمد لهذا از عدم لطافت هر سال خصوصاً فصل یائیز که وقت گلزان و برگ ریژی اشجار است امراض مختلفه در شهر پیدا شده و موجب بسی خرابی میگردد - چندماه اول به تصویب والی ولایت سوریه جناب (ناظم پاشا) در این باب و راده سلیه اعلی حضرت سلطان خفایه ملک شرف صدور یاقه و مهندسین فرستاده میان طریق شام و عین الفجیه را کشف نموده اند که آب را بواسطه کونک آهن به کوه (صالحیه) که در جنوب شهر است آورده و آنجا در خزین های مخصوص تقسیم نمایند آنوقت آب مذکور از زیر کوه خارج و به شهر داخل در حالتیکه طبیب و طاهر و خبیلی نظیف خواهد بود - بنا بر این مهندس آمده و کشف نموده و در مقابله مصرف این راه که موازی ۳۵۰۰۰ لیره همای است و مقرر کرده اند مبلغ پنج فروش قیمت هر صندوق نفت که بشام وارد میشود افزوده آید اینک چند طه است این رسم معمول را احد میبایند - لهذا ازوجه مزبور کمی مانده که تمام شود ولی مسموع می شود که این رسم پنج فروش نفت دایمی خواهد ماند که هواره بخرج و

مصرفی این راه مخصوص برسد -

حکومت محلیه در صدد این است که چند نفر ملتزم با اعتبار پیدا سکوده و عمل راه عین الفجیه را بر آنها خوابه نماید ملتزمین هم آمده و هر روز سؤال و جواب دارند امیداست که در این ایام مباشرت نموده باشند -

مدت یکسال نیم است که محمد ارسلان نامی از اهلبان متلائیک و از میر امتیاز خطوط تراموای و چراغهای برقی شام را از دولت علیه همای گرفته و چند روز اول برادر مشاوریه با چند نفر مهندسین آمده و راه و اسواق را کشف نموده باز مراجعت نمودند از قراریکه معلوم میشود عقرب این دو عمل را درست خواهند کرد چگونگی در آتی عرض میشود

وزارت لشکر

(از شماره ۲۹)

بلی صاحبان عقول کامله و خداوندان نفوس قویه را در مواقع شدت و سختی فسخ هنرم و نشنت خاطر و سستی خیال روی نهد - از عقیده خود ملصرف نکرند - و از پای نشینند تا بواسطه ثبات و استقامت برگردن آرزو سوار شوند - یا شربت خوشگوار مرگ نوشند - انجمن مرگی که هزارها ریحانش برتری و ترجیح است - مرگ شرف و سعادت - موت نیک نامی و عزت - موت افتخار و سیادت - مرگی که در مذاقها طعم شهید و شکر دهد - موتیکه حیات جلودان و زندگی بی پایان است - یعنی مرگ در راه وطن و دولت و ملت که با اصطلاح شرعی موت فی سبیل الله گویند - و قران شریف صریحاً باین معنی ناطق است انجا که فرموده (ولانحسبن القین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون) و اینگونه اشخاص اگرچه در ممالک آزاد بمبارند و بهار اما در ممالک مشرق زمین وجود آنان بسی نادر و کمیاب است - از آرزو که درین بلاد اهالی بذلت و جودیت و تحمل بار ممانه و تعلق معتاد گفته اند - چهرة راحت و حریت را جز در ظلم خیال مشاهده نکرده اند - از بدو طفولیت در زیر دست جهی نادان مستبد که اول آنها پدر و مادر و لاه است - و بعد معلم و صرب و علم جبراً پرورش یافته اند - و باستماع کلمات زشت و دشنام و خوردن نوسری و ضرب و شتم

ثروت شده اند. و هیچکس از امور مادی نهراسد. و دهعت نباید هر چند ریک و قبیح باشد. مگر بزرگ مهدی عظیم القدر با کلاه آهنین که سر تا پا جسمه غیرت و حیت و پای تا سرجلادت و رشادت باشد. باسفته آکنده از حیت ملک. و قلبی مملو از شاه پرستی و هوای استقلال دولت. که این چنین کس را شدائد و مصائب از خیال باز ندارد. و سدهای آهنین مزاحمت و ممانعت نماید لوم و سرزنش در حقش موجب افتراء و تحریص گردد (وله زلفی و حسن مآب)

مصدق این معنی نیست در وطن عزیز ما مگر دو سه تن معدود که یکی از آنان جناب میرزا محمد علی خان قوام الدوله است. که خود و والد مرحومش میرزا عباس خان قوام الدوله از حکیمات رجال دولت روز افزون و در عداد اسرأ و وزرا کبار. و بنیرمندی و شهامت و حیت معروف و موسوف و همه اوقات مصدر مهام عمده و مشاغل خطیره ملکی بوده. در هر عملی که بنبی و بلیق از عهده خدمت بیرون آمده. دقیقه از دقائق لازم را فروگذار نکرده. همواره محضرش مرکز ارباب و مجمع اهل دل و فضلاء متبحر است. کمال درستی و راستی اش در خدمت بولی نعمت حفظ حقوق و حدود زبردستان مشهور و محسوس دور و نزدیک. و در ملت خواری و وطن پرستی و شاه پرستی اش همین یک نکته کافی که سالهای دراز که خانشان ملک و وطن مباشر امور بودند بطرف آنها تکراید و بشغل و منصب فریفته نشد. دین را بدینا و مجد و شرف را برین وجه فروخت. بلکه هماره عناد با حزب اشرار را بر خود حتم میشمرد و دی از خدمت و نکوشش اعمال و افعال آنان خود داری نمیکرد. باینکه در این راه خسارها تنبید. بانواع صدقات مبتلا شد. از قصد و نیت خود بیکو نگشت. و با خانشان همسان نشد

دور زمان صدارت مرحمت پناه حاجی میرزا علی خان امین الدوله نورالله سروده که بدو طلوع نیرعم و معارف بود سی بلخ مبذول داشت. آن مرحوم پس از دلزعودن قاریک قند سازی در (کاریرک) از خاک پای اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی استعفا نمود. حکمه موک همیونی تشریف فرمای آن محل کشته برای امین ملاحظه فرمایند. بعد از ورود موکب اهل و

پذیرائی شایان و تحسین و تمجید بلخ بندگان شهریارى از آنگارخانه. مرحوم امین الدوله بمناسبت نطقی بلخ نمودند. مبتنی بر فوائد احداث یک شبه راه آهن از طهران تا (کاریرک) و از آنجا الی خار و وزرامین که بنوسط این راه محصولات خار و ورامین در کالسهولت بطهران حمل شود و رفع تحلی و تنگی که اغلب ایام در طهران موجود است شده و حکمکندهای زیاد نیز دردهات پیوده وضایع نگردد. و هم در جمیع مزایع آن ناحیه چقدر زراعت شده باسازى بکار خانه نقل شود تا متصل در کار بوده کفاف طهران بلکه دیگر ولایات را نیز بدهد. و از آنجا نیز با راه آهن بهر روارد گردد (انشاء الله ما در محل خود منصلاً این نطق را خواهیم نگاشت) آن نطق خراء از چنین ناطق دانا در محضر چنان شهریارى ترقیحخواه چندان مؤثر افتاد که همه حاضرین را بهیجان آورد

قوام الدوله برخاسته زمین ادب بوسیده عرضه داشت که این غلام را در ظل توجهات دولت ابد مدت قاهره آن مقدار ثروت است حکمه به تنهایی این خدمت بزرگ را انجام توانم داد. لذا محض از دیاه عمر و شوکت ولی نعمت معظم و طمست بوطن مبلغ سیصد هزار تومان از خالص مال خود در این راه صرف کرده منافع و فوائد آنرا نیز صرف مدارس و مکاتب ملیه که باراده سنیه ملوگاه و توجهات صدارت عظمی تاسیس شده است مینمایم

این همت بلند که تاکنون از احدی از ایرانیان شنیده نشده بود ولوله و غنچه در شلوندگان آنگنده. دوست و دشمن از غیرت مندی و وطن پرستی ایشان متعجب گردیدند. بندگان اعلیحضرت همیونی و مرحوم امین الدوله روی آفرینها گفتند. ولی دشمنان دین و دولت اسلام و اعداء هم و تمدن و ثروت را کینه دیرینه معطل گردید. این بود حکمه بجزرد تغییر حیث کابینه اولین اقدامی حکمه شد تعطیل این قاریک عمده بود تا وطن پرستان دلسرده کردند و جداها مباشر و مؤسس این امور نکردند. و تجارت همایه محترم را سخته نوساند.

قوام الدوله در آن موقع نیز که همگان چون پید بر ایان خویش میبزرزدند. و دل بدست کلان بروان

کافی کیش داشتند سرآبرو علناً از مخالفت و مذمت
 کرده‌های، نابوا خود داری نمیکرد
 در زمانیکه دفتر لشکر بابشان مفوض بود اعوان و
 انصار قوه کافیه و هم درستان جسمه حیانت را شدیداً
 جلوگیری نموده میرزا... خان... السلطان که سر
 دفتر متقلبان دفتر لشکر بود با جوی از یارانش را از
 دفتر خارج کرده غدغن نمود که قسم باطابق دفتر نگذارد
 این حق بر بعضی و عداوت رئیس خائنان افزوده و آنها
 با انفصال از محل اکتفاء کرد. بلکه انواع صدمات و اضرار را
 موجب شد. تا شاید وطن پرست از وطن عزیز چشم پویند.
 و سر نمکین فرود آورد. اما در حال و خیال حریف
 قاتل مشاهده نکرد. بل هر لحظه او را محکم‌تر میبایست این
 معنی سینه او را بجوش آورده. دیگر اسباب نیز ضمیمه
 گشت. ولی کافه عالی سر تسلیم و اقیاد زوداً اصل خم
 نمیکند. و اظهار تنگ و فروتنی نمینماید. تدریجاً خیال
 از هر دو طرف قوت گرفت. احوال یومیه نیز که از آن
 مصدر حیانت روزانه بر شد دولت و ملت اسلام صادر
 میشد ملت خواه را پیش مکدر میکرد و مورت آندوه
 و افسوس میشد. تا آنکه در جهادی الاول (۱۳۱۹) کار
 بصحبت مجلسی و مذاکره رسمی کشید و موقع امتحان
 بزرگ پیش آمد که گفته اند (المرء بمنحن باولاد...) .
 بدیهی است آنکس که بروساده وزارت تکیه زده. و
 دست تطاول از هر سو گشاده. و باده‌های ملامت
 کنیال صرف کرده چگونه مست و مغرور است و در
 امور بیباله خصوص آنکس را که نژادی زشت و قامیلی
 رذل ولیم و خود جوهر شر و فساد باشد
 پس در دربار دولت منهورانه بر آشفت غیرت و حیت
 طرف مقابل هم مانع از خضوع و خضوع پیش او گردید.
 در جواب سخنان درشت گفت. و حیانت‌های او را يك
 يك بر شمرد. حالت سبیت و گیندگی که در نهاد آنخائنان
 مضمحل بود ظاهر گردید. کار را از دست و حسیان مرکز
 آفریق و آمریکا گرفت محض اظهار کمال پیشروی و
 تحریف وطن پرستان بدون اجزیه اعلی حضرت اقدس
 شاهنشاهی حکم صادر کرد این یک مرد معظم را با سوء
 الاحوال گرفتار نمایند. و در سلاسل و اغلال کلند
 (داه قدیم و امر غیر مبتدع)
 (جور الزمان علی اهل اللوات)

در این موقف که (واقف الخوف والاباساء
 والکرب) عبارت از اوست اهدأ آثار انقلاب و دعشت
 در حالتش نمودار نگفته با نهایت طمأنینه بدون تلم زبان
 چنین گفت (من از ذکر حیانت خائنان بقاء و وطن
 خود داری نمیتوانم اگر مرا قصیر شاه دوستی و وطن
 پرستی است در مقام مجازات هر سیاست و حاضریم)
 پس سری که سر سروری و سرافرازی بر آسان
 میسود در قید اسارت در آورده‌اند. گردنیکه گردن کردن
 کشان بطوق نماء و ایادی او مطوق بود در غل و زنجیر
 کشیدند. دستی که دست زبردستان زبردست نهادی بجرم
 دولت خواهی از پشت بر بستند. دیده فضل و معالی خون باه
 بارید و اشک خونین از چشم وطن پرستان چکید.
 وطن عزیز بر خود لرزید. و بندای حزین سرشید
 (اری سره یغاند ککل حر)
 (سکان له لیدی الاحرار و ترا)

هر چند سپاهی ظاهر پزمرده بود. لکن سلطان
 ملك جوارح یمنی قلب بر سر بر خود قوی و مطمئن
 نهسته بود و بزبان حال این بیت صاحب علاءالدین
 جوینی را میخواهد

(اذا دکت جبال الاوض دکا)

(نری منی فؤاداً مستقرا)

ولی بضمون شعر سعدی

(شرانگیز هم بر سر شر رود)

(چه کردم که تا خانه کمتر رود)

خاطر خطیر شهرای سخت ازین حرکت ناخجبار بر
 آشفت و روزگاری دواز نگذشت که دست عدالت
 و حقانیت با بازوی آهنین چنان بجه تندی و ظلم
 -نگار را درهم شکست که این بینش مناسب حال آمد

(هر که با پولاد بازو بجه حاکم)

(ساهد سیمین خود را رنج کرد)

بساط حیانت و ستمش در همشوردیده شد (که طی
 السجل للکتب) و درازاء و عرض مسندی پهن شد که
 تار و پودش از عدالت و دیانت و صداقت و مهرت
 بافته شده بخت بختم رفته ایرانیان خنده کنان باز آمد.
 طامع خوابیده بیدار شد. نوید فتح و بشارت پیمبر و پیام
 رسید. فتنه و آشوب از ملک وخت بر بست. و سلامت
 و طاقت پهرسو مژده فرستاد

(بشری اذلاله حلت بذی سلم)

(نه حد معترف غایب انعم)

اجانب را چنان دست تجاوز کوتاه و نفوذ چندین ساله نباه شد - که کشتی انگلیس را در ساحل خلیج پارس جلوگیری کردند و بیعتی بریتانی را در جزیره قیس و ابو موسی در هم شکستند - و بیدار شد آثار آنچه جوان غیور وطن پرست ما مرحوم میرزا علی محمد خان [بروش] در چهار سال قبل گفته بود

(فرودی بروس و انگلیس بنارند این را تا بطرز بورغ بدوانند و آنرا تا لندره عقب نشانند) پس ملت پرستان غیور در حول مقام منبع صدارت عظمی شیدانه ارکانها کلاهاله بالیدر حلقه زدند هر یک را بر حسب درایت و لیاقت شغلی لایق و رتبه مناسب نصیب شد از آنجمله وزارت لشکر و دفتر محاسبات کل قشون نظیر نمودن از جانب سنی الجوانب بندگان اعلی حضرت قدر قدرت صاحب افسر و نخت خداوند اقبال و نخت وارث تاج و دهم کیان پدر مهران ما ایرانیان بر حسب تصویب و تصدیق شاهزاده معظم صدر اعظم بجناب قوام الدوله اعطاء و مرحمت شد اینک محض خشنودی خاطر هموم ترقی خواهان دستخط انجم فقط ماوگانه را زیب همایف روزنامه مقدس مینایم و تبریکات صمیمی خود را بحضرت تقدیم میداریم

سرمد دستخط همیون

جناب اشرف صدر اعظم - ترتیب امورات عسکره که همیشه مایه نظام ملک و قوام دولت و موجب مزید حشمت و سعادت قاطبه افراد ملت است وقتی بکمال نظام و حسن سیانت ماثرون خواهد بود سکه رشته محاسبات لشکری و جمع و طرح بودجه نظام و ترتیب دایره وزارت لشکر نیز در تحت نظایات کامله آمده چنانکه مکنون خاطر خطیر همیون ماست مبادی و اصول این شعبه معظمه نیز در ذیل توجه خاص ملوگانه مبتنی بحسن ترتیب و منتهی بحصول فواید و نتایج منیده مطاوبه گردد - و چون بنای این مقصود موقوف به تصحیح امر وزارت لشکر و ترتیبات راجعه باین خدمت است و میرزا محمد علی خان قوام الدوله نیز علاوه بر مقامات بوکری و امتحاناتی که در هر شغل و مرجعیت بظهور رسانیده مخصوصاً در این شعبه از خدمت اطلاعات کافیه تحصیل نموده و همیشه بصدق و راستی و حسن

لغات و خلوص عقیدت در حضور همیون ما متصرف و ممتاز بوده اسد باقتضای کمال و ثوق و اضطراری که براتب دولتخواهی و درست قلبی او داریم معارف را واسطه اجراء مقاصد عظیمه خودمان قرار داده بموجب این دستخط شغل وزارت لشکر را که از مخططات امور دولتی است بصفا کفایت او واگذار فرمودیم تا مطابق تطبیقات شفاهیه ملوگانه ما در اصلاح امر این وزارت خانه و مزید تصفیه و تصحیح محاسبات لشکری خود را مشغول و چنانکه شرط صداقت اوست موجبات اجراء مقاصد عظیمه ملوگانه فراهم دانسته مزید اعتبارات جاری خود را در حسن انجام این خدمت تحصیل و تکمیل نماید

شهر ذی حجه لویسئیل ۱۳۲۲

شقاوت

جناب مؤدالاسلام ابدکات الله تعالی فی انبارین - حادثه در اسلامبول بروز نموده که ذکرش موجب اندوه هر مستمع است - ولی جبهه عبرت جهال کج اندیش و برخی از آدم صورتهائی که محض هوا جنن قشطنی تولد سیرت انسانی گفته و روش جاوران را پیقه مینمایند گذارش این مطالب خالی از فائده نتواند بود - علاوه بر آن چون لازم است پیوسته خدمت و درایت نامورین حکومت را گوشزد دور و نزدیک نمود تا نازیده غیرت مأمورینیکه در سر خدمتند کرده و از روش بسینه آنان دستور العمل حاصل و در خدمت بیست اجتهایه کوتاهی نیایند

شرح این ماجرا آنسکه جناب اشرف پرنس ارفع الهوله مدتی در اندیشه آن بود - که شخص کافی کاردانی را جبهه جنرال قونسلگری اسلامبول تدارک قریب - در این سفر که بطهران رفتند جناب حاجی میرزا مهدی خان مؤید الوزاه که سابقاً معاون جنرال قونسلگری اسلامبول و در تانی از جانب اولیاء دولت نظر بقابلیت و استعدادی که از ایشان مشاهده شد بمستشاری سفارت لاهی پایتخت هولاند مأمور نموده و از آن بعد در فارا خلافت طهران در وزارت جلیه خارجه مشغول بخدمت بود انتخاب و بالانفاق تا پترسبورگ در معیت و همراه بودند از پترسبورگ جناب مؤید الوزاره مأمور حرکت به اسلامبول گردید پس از

و یقین نمودند که جنایتی بوقوع پیوسته و از آن بعد
 را با يك يك را جداگانه بیای استنطاق آورده بآنان
 گفتند که رضای شما گرفتار و اقرار بجنایت نمودند
 آن کودک گفت راستی است من در منزل نبودم که
 محمد و علی اصغری آقا هاشم را کشته بودند بعد آمدم
 فهمیدم ولی مرا تهدید نمودند تاچار از حکتم مطلب
 شدم - پس از تحقیق مطلب هر سه نفر را يك دفعه
 حاضر نموده همیشه هر سه بگرفتاری يك دیگر واقف
 شده خود را باخته و مجال انکار ندیده بجنایت اقرار کردند
 سؤال از جسد مقتول شد - پاسخ دادند در میانجا روی
 تخته های فرش شده روی زمین دفن و مخفی نموده
 ایم - فوراً امر رفتی تخته های منزل را باز کرده
 جسد مقتول را بیرون آورند - مأمورین بعد از
 ورود بخانه کلیم ها را با دکرده ملاحظه کردند که تخته ها
 را با يك مهارت و تیز دستی کامل جفت گیری نمودند
 که ابدای پیدا نیست - پس از یکطرف بنا میبایستند بلند
 کردن تخته ها با الاخره بوئی همشان شان رسیده آنها
 را حکنند صندوق دیده شد سر صندوق را بلند
 کرده جسد بیچاره را بهمان لحاف خودش پیچیده
 در صندوق گذارند خنک ریخته کرده اند - سخن
 در شقاوت محمد است که به قتل برادر پرداخته
 سهل است دو ماه متوالی در روی مدفن و جنازه
 آن مقتول مظلوم بدون هیچگونه مکرهات بعین
 و نرس میپرداخته هیچ جانور وحشی بدین یرحمی رضا
 نتواند داد که بدون خوف و هراس و بیم و
 ترس در آن مکان بسر برد - از قراریکه معروفست
 هاشم چهار صد پانصد لیرا در صندوق وجه نقد
 داشته - غیر از جنس و طلب و محمد برادرش
 بطمع مال با علی اصغر همدست و بقتل او گرفتار
 از قرار تقریر آنان علی اصغر با کارد آن زخمها را
 بمقتول زده و نقد صندوق را از میان برده اند از
 مطالبات هم آنچه توانسته وصول نموده هنوز از قدینه
 هاشم چیزی عیدان نیامده مسلم است اگر چیزی
 ظهور نماید از اثر عدل و داد جناب اشرف سفیر
 حکیم آقای پرنس ارفع الدوله چنانکه مشهود
 جهانیانست تا دینار آخر بوارث او خواهد رسید

ورود باسلامبول جناب مستطاب آقای صفایالمالک
 مستشار سفارت اکبری مصلحت در آن دیدند بدون فوت
 وقت این شکل خطیر را که آسوه کی عموم تبیه بمت
 بحسن اداره آن میباید یککتابت ایقان بسیارند منتظر
 و رود جناب اشرف بگردیده و باجبرای آن اقدام
 فرمود - و این معنی از تصادفات خیره بود - زیرا
 دو ماه قبل از آن هاشم نام شبستری در اسلامبول
 مفقود الاثر شده کسی در صدگشتف حال او بر نیامده
 دو روز بعد از آنیکه کارهای قونسلگری بعهده ایشان
 واگذار شد آگاه شدند که دو ماه است هاشم مذکوره
 التفوق که از جمله اصناف معتبر و دارای صناعت بود
 مفقود الاثر است - و محمد برادرش بکارهای تجارتی او
 قیام نموده چون حالت هاشم معلوم بود که امور
 خود را بدیگری نمیبارد تحقیق شد که به برادرش
 محمد هم اطمینانی نداشت - لذا قونسلگری جلب و از
 او چو باشند - چنانچه بدیگران جواب میداد که سببه
 تجارت سفر نموده همان جواب را داد - بنابراین محمد
 را با دو نفر فرانس و علی بیگ که از مأمورین جنرال
 قونسلگری است همراه نموده فرستادند که منزل
 محمد را که اصلاً منزل هاشم بود کاوش نمایند - رفته
 و کاوش نموده برگشته عرض کردند اثری نمودار
 نیست - ولی برخی جایهای دیوار منزل را تازه رنگ
 نموده اند و محل شبهه است - امر بحبس محمد شده و
 مطلب را مستور داشتند - در تالی به تحقیقات پرداخته
 معلوم شد هاشم شاگرد پانزده ساله هم داشته است
 که حال بیکار میگردد - امر باحضار او شد پس از
 آوردن او واستنطاق چیزی ظهور نکرد و علامتی بدست
 نیامد - در این ضمن معلوم شد محمد با علی اصغر
 نام صندوقی رفیق است و علی اصغر پس از اطلاع
 از رفت و آمد فرانس و تقشیش و تمحص جا خالی
 نموده مخفی شده است امر بدست آوردن علی اصغر
 صادر شد که دو نفر از مأمورین تبدیل قیافه نموده
 باجا و عمامه در سده جستجو بر آیند - و طاقت
 علی اصغر را هم دستگیر کردند - پس از گرفتاری
 او دو روز بدون اذیت و آزار هر سه نفر را علیحده
 علیحده استنطاق نموده و از سخنان آنان شبه قوی

اقدامات مبصرانه و مدبرانه جناب حاجی میرزا مهدی خان
مؤیدالوزاره هاپان يك دنيا تحسین است - سكه الحق
جنایت بزرگی را بطور بسیار آسان بدون مداخله
مأمورین دولت عثمانی کشف نموده پلیس تصدیق
دارد که اینگونه استنطاق و پیجویی از جهت بدایم
است - بی بخت وارث مقتول مظلوم یاور بود سكه
جناب مستطاب صفاالملک مؤیدالوزاره را بلا تأخیر
بمأموریت برقرار نمود تا قاتلان غدار مجزای سکر دار
گردد آید - این وحشیان پیرم مقتول را هفت
زخم کاری زده در بستر خواب قتل رسانیده اند
امیدواریم جهت عبرت این دو قاتل غدار را در ایران
موافق قانون ضربت قصاص نمایند -

مؤالاسلاما باید نیک را ستایش نمود و بد را بدی
یاد کرد تا نیکان به نیکي فزایند و بدان ارزشی گردار
خود نماند حاصل نمایند

مکتوب یکی از دانایان

امروز که بیست و نهم ماه طارح است تمام چهار
صد و ده روز از آغاز جنگ ژاپون و روس که ابتدایش
از هشتم فروری هزار و نصد و چهار میلادی
بود میگردد - چنانچه این بنده در اقوال و افعال
(قربانکن) نقش بند و بر اثر نقش بندی او منظومه که
عبارت از سی پنج فرد باشد در قافیه روس گفتم که
فرد اولش اینست

جرخ کج باز عجب شنبه بازید روس
که دوسده ساله خوشی گشت مبدل بسوس
و از برای تاریخ حرب هجری و میلادی در آخر
منظومه گفته شده است

گشت تاریخ می نام یلان جنگی
اویاما و قربانکن نوزی و اشکلو
خواستم ثبت کنم چون سنه میلادی
قال فی قد غرقو قوم عیسوس

فرض همه روز روزنامه ها را من البدوالی الحکم
مطالعه می نمایم در روزنامه اقدام تاریخ ۱۹ هرم نمره
(۲۸۷۵) امروز مکتوب [مادام اویاما] زوجه محترمه
سردار کل لفر ژاپون سكه برئیس جمعیت خیریه
که از هیئت زنان انگلیس در لندن تشکیل یافته نوشته
است تا حال هیچ مطلب تا ایندرجه نظر دقت مرا

فرض همه روز روزنامه ها را من البدوالی الحکم
مطالعه می نمایم در روزنامه اقدام تاریخ ۱۹ هرم نمره
(۲۸۷۵) امروز مکتوب [مادام اویاما] زوجه محترمه
سردار کل لفر ژاپون سكه برئیس جمعیت خیریه
که از هیئت زنان انگلیس در لندن تشکیل یافته نوشته
است تا حال هیچ مطلب تا ایندرجه نظر دقت مرا

فرض همه روز روزنامه ها را من البدوالی الحکم
مطالعه می نمایم در روزنامه اقدام تاریخ ۱۹ هرم نمره
(۲۸۷۵) امروز مکتوب [مادام اویاما] زوجه محترمه
سردار کل لفر ژاپون سكه برئیس جمعیت خیریه
که از هیئت زنان انگلیس در لندن تشکیل یافته نوشته
است تا حال هیچ مطلب تا ایندرجه نظر دقت مرا

ترجمه اقدام

(مکتوب مادام اویاما برئیس هیئت خیریه زنان انگلیس)
مکتوب شما را در خصوص فرستادن بعضی اشیاء
از طرف زنان انگلیس جهت سرایزهای ما در معاونت
هجرو حین یافتم - آنچه بوظیفه من اصابت کرده و ایفاء
آنرا فوق العاده موجب مسعودیت می شمارم این است -
که اظهار دارم زنان انگلیس از آثار نوجیبیک در حق
ژاپونیا بروز داده اند نه اینقدر باعث محذرت ما شده
که بیان کردن توایم و این آثار درجه السابیه آنها را
ظاهر و بهرکس که گفتم اظهار تشکر و ممنونیت نمود
من از طرف جهت زنان ژاپون اظهار تشکر نموده
از شما امید قوی دارم بزنان انگلستان برسانید و خود
قبول نماید - در تذکره که ملفوفه با مکتوب فرستاده
و دید از کفش و پاپوش بخت نشده جوراب تابستان
و زمستان لزومش معلوم است - اگر آرزو نمایم از
پشم (استوجیا) و رنگ سید درست شود مناسب
نخواهد بود چه جوراب و پاپوش در اقلیم منچوریا که
سردیش معلوم است برای سرراز بسیار با فایده است
در میان ژاپونیا هیئت خیریه مقدمه از زنان
تشکیل شده در بهار گذشته از صبح ساعت هفت تا شام
ساعت پنج لا ینقطع کار میسکرند آخر از برکت

میدان جنگ فرستادند. افتخار و لشکر ما از آنها اینست که تمام در روز عیدوسید و همان روز هم تقسیم کردیم و این را با کمال تقربتها بیان می‌نمایم که امسال مکاتب لسوان تدارک برای تمام سربازان از یونان و سربازان و جوراب دیده اند. دختران کوچک کوچک شب و روز در کارند و می‌فایند و میدوزند و در تحصیل این افتخار بیک دیگر نسبت میگیرند که در حقیقت تحصیل ایشان بصورت دادن کار خود نیاشا دارد و بدون رقت نیست

در ژاپون تدارک اساس سربازان را از اقدامات زنان نوشتیم ولی چون مکتوب خیلی مطول شده در پست آینده مینویسیم از حکمت کار روزها نمیتوانم خط نویسم پس از حکم مکتوب میگویم از توجهات زنان انگلیس در حق ما که پایان شده و می‌شود از طرف جمله زنان ژاپون عرض تشکر را از شما متوقع هستم برسانید

(امضا مادام اویاما)

این روزنامه را مادام بواله بچه‌ها که بخوان - آرزو میکنم که مثل زن (اویاما) من هم زوجه طاقه داشتهی - باید زن چنین باشد - خواند و گفت در این صورت باید من هم آرزو کنیم ای کاش مثل (اویاما) شوهری داشتهی - نگارنده میگوید این همه آرزو غلط است باید آرزو کنیم ای کاش مثل رجال ژاپون رجال و مثل مکاتب ژاپون دارالعلمها داشتم (مادام اویاما) و سردار (اویاما) شدن دشوار نیست - سابق و تربیت کننده لازم است. آنها از روی علم دریافته اند حب وطن را و ثمره اتفاق دولت و ملت را دیده قدر قانون مساواترا شناخته پلاس استبداد را رانده اند

مخلص شما (ح - م)

تعلیم بدتر از توحش

شاید اکثر قراء و مطالعه کنندگان روزنامه از ملاحظه عنوان فوق تعجب و شگفتی کنند. و دوحیرت مانند که چگونه ممکن است تمدن از توحش و تربیت از بربریت دولت تر و قبیح تر باشد. ما اینکه تمدن سرپی و هادی و معلم فرزند انسان است بطرف خیر و سعادت حقیقی و خوشحقی واقعی - و اوست جدا کننده آدمی از حیوانات که آدمی را بر بساط عزت و رفعت جای داده و در شهرستان طایفه متکین ساخته و بطرف اخلاق و صفات فاضله و اطوار حیده دعوت کرده - تمدن است که عدل - انصاف - علوم و

ضرورت مجبور شدیم اقدام در بعضی کارهای لازم نماییم. تا امروز در ژاپون در درجه اول يك صد و پنجاه هزار عورتا جبهه تیارخانها و زخم بندی و رسیدگی مجروحین و معلولین جراحه و طبیبه تربیت کرده ایم که نیکو بوخلفه خود مشغول اند فعلا پست هزار زنان در دست داریم که مستعد و متقرب امتحان داده رجوع به بیمارخانها خواهند نمود در سبب سی و غیرت با اندازه که گنایت سرپرستی مجروحین و بیمارا را کند زنان لایقه داریم همه در بیمارخانهای (سندان - هر روزاوی هواید). (توکو) خدمت میکنند. و مجروحین را بعد از معالجات ابتدائی در [شفقناش] يك طبیبخانه تأسیس کرده آنها میفرستیم. در سوق مجروحین زنان در هر جا باطبا خیلی معاونت میکنند و زنان در هر نقطه خیلی ترقی کرده اند هیئت اعطای خبره هم خیلی زیاد شده فوق العاده جمعیت بهم رسانده است - امروز اعضای هیئت معاونین زنان ژاپون بدویست و پنجاه هزار رسیده تازه هیئت تفکیک یافته که در محاربه حاضره برای فلاحکت زنان فوق العاده معاونت نمایند - حکمت برای ایشان به امکان مدد میکنند هیئت مذکوره شتابان در خدمات خویش اند سواى این هیئت بسیاری هستند که بمعلولین میدان جنگ هماره معاونت مینمایند در هر صورت تدارک معیشت و لباس اطفال ایشان هم میشود. از مجلسهای تحت نگرانی من در قصبه که اقامت داریم باطفال آهنگان در میدان جنگ تدارک لباس زمستانی شده ولی در این امر رفاه حال ایشان بیشتر لازم و قابل توجه است جبهه رفاه حال مجروحین و معلولین هیئت دیگر تأسیس شده از هر طرف روز بروز در ترقی است - در خصوص حساب امانه ها قریب پشاور پورت خواهم داد

طلاب مدرسه نوز تم انگلیس هزار جفت زمستانی که خود شان بافته بودند فرستاده و هرار جنت جوراب از دست کار خود شان خواهند فرستاد - در این جا زنان معتبرین لباس که عبارت باشد از زیرجامه جوراب شاه و صابون و غیره جبهه تمام سربازان که در میدان جنگند درست کرده و از نظارت جنگ هم ارسال آنها اذن گرفته اند و زنان اعضای (پولاد تو) بنسبست نوروز ما پست و سه هزار بسته عیدی برای سربازان

آداب را افاده و اداعه داده - که ستم بر آینه جنس خواهد
 نیندند - و ایذاء این و آن را ایذاء خود شمارد حکوميات
 مادی و سلطنتهای دستوری همه از اثر تمدن است - کثرت
 تجارت و صنعت و ازدیاد روابط دول و ملل و عمارات با
 شکوه و قصرهای آگنده از ریب و زور بلاد مملو با انواع
 ناز و نعمت و بازارهای انباشته از اقسام آلات و اسباب
 و تجملات و احتراطات و اکتشافات و علم حراً این چله را
 موجب و مؤسس تمدن است -
 تمدن است که فنون ادبیه و علوم طبیعی و ریاضیه و حر
 آنها را ترقی داده در باها و ورامها را بهم متصل نموده بواسطه
 برق اخبار شرق و باغرب و حوادث فزاینده بشری در طرفه السیاق
 رسانیده با استعانت کبریا و بخار سفرها را مختصر و زحمت را
 اندک گردانیده - و ملاحره مدارس بزرگ و مجامع علمی و
 محافل سیاسی از تبعات و مقدمات تمدن است -
 انسان متوحش در ظلمات جهل و ضلالت سرگردان
 است - و چون ددان سرگشته کوه و بیابان با طاداتی ناروا و
 اعمالی ناسزا - بر بریت قساوت قلب تولید کند و قلت رحم
 و انصاف را باعث گردد و کثرت ایذاء و اضرار را بجائی
 رساند و بطریق کشانده که جنس بشر را بر خوردن خون و
 گوشت همچنان خود نمویس و محرب کند - و راه برودنم
 سببیت را با آدمی یاد دهد و ستیز و آویز بدو آموزد از
 لذات روحانی و کیفیات حقیقی باز دارد - و نداند جز آنکه
 حکم خود را از خون و گوشت حیوانات یا گیاه و نبات
 انباشته سازد - و بطریق بهائم وضع شهوت و دفع غمخیز
 نماید - از معرفت یزدان و موجد این جهان بیخبر - و از
 اسرار طبایع و عناصر جاهل - و با آداب و قوانین شرایع بی
 اطلاع - برهنه و عریان کمرگشته و حیران نه در گوشه اش
 مسکن - و نه در خانه اش مأوی و مأمن - زراعت و طعمات
 و طبخ را نشناسد - تجارت و صناعت نداند - بردخ سرما و گرما
 قادر نشود - با اطفال چسان و چگونه مائل خردمند و واقف
 بر موز و حقایق چنین حالت هولناک تاریک و راه سوج باوریک
 را ستایش کند و بر شارع و شاهراه وسیع نورانی ترحیم
 و تقوی دهد - کجاست که دیورا بتاید وجود را نکوش
 کند - ویری را بزشتی سرورش نماید - شب تیره را که چون
 روی امرین خیره است بر ظلمت زیبای خود شبید جهانتاب
 و تیراظم آفتاب برتری دهد - نفسان وحشی را که افشش
 با صباح و درندگان و خوابگاهش زیر خار منیلان است از
 جوان برنایی و خاتم پارسی و فیلسوف انگلیسی بهتر و نکو
 تر شناسد - بلکه کجا مقام مقایسه و موقع نسبت و سنجش است
 که خار را با گل مقابل نهد و سرکه را باهل برابر گذارد -
 غرور را بر آبدانی و فلاکت و ذلت را با سلطنت دو جهانی
 بیک چشم بیند کور و بیباک جاهل و دانارا بیک نظر مشاهده کند -
 بجهت رفع این شبهه و جواب از این سؤال مقدر
 ما را لازم است بیان کنیم تحقیق یکی از اعظم فلاسفه اسلام
 و حقیقت علیه را - تا حجاب اشقیاء مرتفع و اوهام از بین
 برکنده شود - مشاوریه در یکی از رسائل خود چنین
 میفرماید (تمدن اگرچه حرکت بسمت علم و پیشقدمی است
 و شروع بودن بدوره حیات جدیدی که ابداء مشایخ با
 ادوار سابقه نداشته است - چنانکه اگر انسان دوره اولی که
 در جنگل معاش و زندگی میکرد و از حیوانات و میوهجات
 طبیعی تغذیه مینموده و در بطون مناره ها یا شکاف درختان

کهن سال نشین خود را مرتب مینموده - و از پوست اشجار
 جنگلی بدن را از گرما و سرما میپوشانیده - و اغلب مقاصد
 خود را با بامی و اشاره تقسیم میکرد و در وقت مرگش کتیلت
 جز در کنجی فلدان و بنومیدی جان داده چاره نمیدانسته -
 در این دوره بر او افق خاک بدر آورد و اوضاع کثولی
 را مشاهده کند بی شبهه و اله و حیران گردد و قرین هجرت
 و تپج - جسی بیند بر سر کلاه و در پای کفش و از پانتهایی
 گوناگون برتن لباس مرتب با زلفان مجعد و چهره دلربا که
 در عمارات و قصور منزل کرده انواع الهذیه لذیذه صرف
 میکنند که این چله در نظر او مجاب است - و زبان آتان را
 نیز تشخیر میدهد - لا محاله نمیتواند خود را با - بیای سوخته
 از تابش آفتاب و بدن هرین کتیف و موهای کلفت درم
 پیچیده از جس آنها شمارد - و آتان را از قبیل خود
 بشمارد - چه بجاست فرج مشابعت و جهت جامعه است و در
 بین این دو جهت جامعه بکلی مفقود و معدوم است -
 نه تنها این مقایسه را با انسان دوره اول میکنیم بلکه
 هر دوره یا دوره تالیه همین حکم را دارد - فی ائثل اگر
 (بتوله - بطلمیوس) منجم و مهندس مصری امروز
 برانگیخته گردد در قاره امریکای شمالی زمین خواهد یافت
 - اراج از آنچه خود در یکسر کاوش کرده و ثبت نموده
 که از شمال و جنوبش با الکتریک ترن آهن هزارها مسافرن
 را دفعه واحده حمل کرده در عرض یک ساعت هشتاد کیلومتر
 طی میکنند - و اسلاک تلگراف در یک تالیه از چندین هزار
 فرسخ خبر میدهد - آلات و اسلحه حربه از قبیل توپهای
 جدیدالاستراخ که در یکدفعه جمله صدها زیادی از فرزند انسان
 مهتانی بمقام فناء ابدی دعوت می نماید و اسباب بھری از
 اذتال کشتیمی ذره پوش و توپهای قطعه کوب و تریبل و
 سفای تحت البحر و کشتیهای حاله و قناله که پیآوری سنگی
 سیاه چرخهای آنها بسرعت فوق تصور (در هر تالیه
 شش صد مرتبه) گردش کرده بکلیه صنعه فزای و آهنی
 در وسط اقیانوس صعب دریا نوردی میکنند و در اقرب
 خطوط حرکت کرده بدون اندکی اضطراب بساحل مقصود
 میرسند - و چندان از این گونه نوادر و عجایب که ساخته دست
 قدرت آدمی است
 اگر بعد از تفکر و تدبر زیاد بکنه امر رسد پیشک
 در نظر اول عالمی دیگر و سکره غیر از کره ارض تصور
 خواهد نمود - و گمان نخواهد سکرد که این همان زمین
 و آب است صکه در دو هزار سال قبل دیده و بر سطح
 آن نیش سکرده است - با این همه نه هر تمدن بحال
 آدمی نافع و بسر منزل سعادت سابق است
 پس باید گفت تمدن بر دو قسم است تمدن حقیقی و تمدن
 اممی و با اصطلاح دیگر تمدن ظنی و تمدن سیاسی و بلیکی -
 اما تمدن حقیقی که نیکوترین وسیله است مر سعادت انسانی
 را پس تمدنی است که بواسطه انبیاء عظام و فلاسفه کرام که
 نفوس مقدسه شان از کلیه رزایل و اغراض پاک و مبر است
 در بین طامان متداول گشته و احوال امم و ملل را اصلاح
 و نزهت نموده و مبدأ حرکت که از آن شروع بحرکت
 علوی نموده اند نقطه اخلاق و طادات است یعنی - امراء
 آسمانی - حکماء الهی بسبب حسن کلام و سحر بیان و قوت
 لفظی و تاثیر سخن ناسزا بطرف اهلای و اوصاف نیک و بد
 کرده بجناب انوت و بگانهگی و اتحاد و همرنگی سوق نموده
 بر احسان عمومی و خدمت عمومی و اجتماع حول کله واحده

که (یا اهل کتاب تاملوا الی کلمه سواه بیننا و بینکم) تحریس و ترغیب نموده - از اذیاء و اضرار افراد ناس منع و زجر نموده که (المسلم من سلم المسلمون من یدیه ولسانه) و بحسن خلق و خوبی رفتار تشویق کرده که (تختلفوا باخلاق الله) و توفیر بزرگان و ترجم بر فرومایگان و زیر هستان را امر نموده (وقروا کبارکم وارجعوا سفارکم) اطعام و اطلاق بجزه و مساکین را واجب گردانیده (کلوا واشربوا و اطموا البائس الفقیر) و کک و هراچی دیکار نیک و نسی از اهل باطن بگردان زشت (ماونوا علی البر و التقری و لا تاونوا علی الاثم و التذنب) و صدق همه و راستی گفتار و کردار حکم نموده و دروغگوگان را لعنت ابدی کرده که (لعنة الله علی الکاذبین) سخن چینان و مفسدان و مرفق الجاهات را طرد و تبعید نموده و فرموده (ان الله لا یحب الفساد و ان یحب لبالمصلح) و تواضع و فروتنی گفته (واخفض جناحک للمؤمنین) و تکبر و مغایزه را مذمت که (ان الله لا یحب کل مختال فخور) و جایز ندانسته خلق بیکدیگر ملامت و سرزنش کنند (لوعلم الناس کیف خلق الله الخلق لم یلم احدا احدا) اطلاق در راه عموم یا فی سبیل الله را تأکید کرده (من قالنی یرض الله الخ) و از خرج پیوده محض زینت تقاضا در سرئی ناس نکوهش (کالتی یلق ماله واه الناس الخ) بالاخره گوشه کرده اند در ایجاد و سائل جهت طراقت و راحت نوع انسان از قبیل بیمارستانها و دارالمجره و دارالفریه و خاتمهها و کاروانسراها و ساختن یلها و تسیر و امها و دادن عس و زاکوة و تبرع و عصبه و فطره بشرایط مقررده در منفعت عموم و یتیمی و مساکین و ابناء سبیل و احداث قنوات و مجاری و حمامها و آب ابارها و و - و بطور کلی تخم سروت و انصاف و امانت و دیانت و صداقت را در قلوب کاشته حس انسانیت را متاثر کردند و بسجرات و مکارات این جهانی یا جهان دیگر وعده و وعید نمودند - و با این دستور و خلق را بجاهه آورده برامانکنند این است که این فرقه ها را هادی و راهنما گویند که (وما ارسناک الا بشیرا و نذیرا و هادیا الی الله باذنا و سراجا مئیرا) همین تمدن حقیقی است که بری میباشد از شایبه تقص و عیب و هادی است برچشمه نال طایفه و راحت ابدی - بکن تمدنی اهمی با ترقی سیاست و بتلخیص سد سبیل سردی و سروت و قلع مواد رجم و قنوت است و فتح ابواب ظلم و عناد و دایر نمودن تمایزها و چند برای کشتار جنس اشرف مخلوقات و فاسد کردن اخلاق عامه خصوص متصدیان مهام ملک داری و مباشرین امور کشورکشائی یعنی وزراء و جنرها را از بدو کودکی و طفولیت بتطبیق تصب جاهلان که در هر شریعت و بر زبان هر پیغمبری منع و نسی شده و آموخته طریقی دست اندازی بمشقوق مستضعفین و تربیت نقشه جنات جهت حمله بر سلاطین و اقوام مجاوره بلکه بپنده و اعدای نیرنگهای عجمیه برای بیصرفت پلنیک و ازدیاد نفوذ جابراه و سلطه ظالمانه خود بر بیوایگان و تمکن دادن عظمت و بردهی دو قلوب آنها و فرا دادن تگری و مکر و هیانت و ابقاء نفاق و هفان و تحریس کردن بر استدلال پندگنان خدا و ازدیاد شوکت و جاه بدال دیگران و جلوه دادن جهانگیری و توسیع نطق ممالک که چون تحلیل بریم عبارت است از سه چیز (۱) بهانه جوقی (۲) قتل و سلب

هزاران نفوس بیگناه (۳) غصب اموال ضطاء - و آنکس که برخلاف این خیالات فاسده سخن راند و خلق را بطرف رجم و اضرار بر حال نوع دعوت کند او را سفیه و تارک دنیا و ملازم معبد و پلایا خوانند و از زمره آدمی زاد انشانند از آثار این تمدن احترام اسباب قتاله و ادوات محرفه و سفاین تحت البحر و تشکیل مجامع پلنیک است - مکه قترین فتوی این مجمع اجاره و اباحه ریختن خون صد هزاران نفوس محترمه است - از نتایج این ترقی و ترویج جنگهای خونریزانه است که در ساعتی از کشتهها پشتهها تشکیل می یابد کلفت بر ام شرقی و جنوبی و استهلاک و واضمحلال مثل ضیفه و خلق سلاطین شان و تمکک آنهم ملک از خواتم و تمکات همین تمدن است - قائد و ساتی این تمدن یک مشت وزراء هستند در اروپا که طالب جاه رفیع و مقام رفیع و رتبه بلندند از طریق سیاست - گویا خداوند سروت و انصاف و اخلاق فاضله ابدأ در طایف آنان ایجاد نکرده - بر ابناء جنس خود نیز ترجم را در شریعت ملک داری حرام میدانند - این جزیره آورنده مسکینه است در زیر فشار دستوران انگلند که بر نخاست در طول مدت سی صد سال کسیکه محض پاس حقوق نوع انسانی آوری مدافعه و حمایت کند و راحت آن بیچارگان را مطالبه نماید مگر بکن یعنی (مستر کلادستون) متوفی بواسطه آنکه از اهداکیسا بود ولی چه سود که آن یک نفر نیز با وجود کثرت الخاح و اصرار نتوانست دیگر طمع طامان را خاموش سازد طالب و خاسر بدو خلف حلین مراجعت کرد و از آن پس از مباشرت مهام مستفی شد - چه خوب انصافی داد بسمارک معروف صدر اعظم آلمان وقتیکه گفت (اگرچه عامه سرا تبجیل و ستایش کنند و در بین افراد انسان سرا صاحب رتبه رفیع و مقامی منع شناسد ولی من خود را مقرر می شمارم زیرا که اگر وجود من نبود سه جنگ عظیم خونریز در عالم واقع نمیشد و این جمله را بطمع ملک گهمی فراهم نمودم و مشول این همه خونهای ناحق جز خویشی کسی را نمیشناسم) پس اگرچه بر بریت و توحش حالت دهشتناکی است ولی چون در حال سادگی باقی است قابل اصلاح تواند بود بکس حالت این متفدان دروغین مکه مطرت اصلیه تنبیر و شیطان نفس بر آنها خایه یافته که این گروه با هزاران دعوت و همجرت نیز براه حق داخل نشوند (ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصارهم غشاوه -) آری اثرات این تمدن همی ناپسند و موجب سلب راحت فرزند انسان و مودت اشتغال آتش طغیان و عدوان است چنانکه در تمدن اول حقیقی کتاب و محررین و نویسندگان سامی هستند در اصلاح امور و ترمیم مناسد و تهذیب اخلاق و قلم ریشه های عمیق تصب و خرق حجیات راوهام و بالکس امروز در بین افراد اروپائی که سرگر تمدن اهمی است ارباب قلم و اصحاب جراند ربابه از تمام طبقات نایره ضادرا دامن میزنند و مات و دوات را بطرف تصب و ظلم و امتساف دعوت میکنند و خلق را بر پیشقدمی و تمدنی تحریس و ترغیب مینمایند تا بر بیکدیگر انکنند و خوشها بریزند و شهرها حراب کنند و فتنه ها بر پا سازند که عتلاء از خاموش کردن آنها با هزاران هزار تدبیر عاجز شوند و بر ازدیاد و مزودل مستمعات داو طلبانه و زور

نوشته‌جات و مراسلات پستی باستانها، پستیهای امانات پستی و یا مستوره‌ها از مشاهدات گمرکی و سایر ترتیبات آن مطابقت است در صورتیکه آن کسبها را یکی از مأمورین پستی خارجه پسته و مهر کرده باشد و بتوسط مأمورین پست تحویل مأمور پست ایران بخشد.

بلاوه دو آرتیکل (۵۱) مندرج است (که مالالتجاره وارده بعضی اینکه از کشتی بیرون آورده میشود مستقیماً باید بانبیادهای گمرکی برسد) باوجود وضوح و رسیت این مطلب نیست انگلیس مداومت حل کسبه و پستیهای همه قسم نموده و مستقیماً بتنازل خود میرسد و از آنجا بلاواسطه کرک بصاحبان آنها میرساند همانکه اداره مرکزی طهران از این واقعه بی‌تریب و خلاف قانون مطلع گردید ژانچ وافر انگلیس را آگاه کرد و خواست سکه این بی‌نظمی را متروک سازد و پست جنوری انگلیس را هم مانند سایر مردم مطیع نظامنامه عمومی که بامضای دولت انگلیس و حکومت هند رسیده است نماید و چون ژانچ وافر اظهار داشت که مطلب را بدوات هندوستان باید اطلاع دهد پس از یک ماه انتظار جواب اداره مرکزی کرک چون دید که هنوز آن بی‌نظمی درکار است و هیچوجه تغییر نیافته به ژانچ وافر اطلاع داد که دیگر انتظار غیر ممکن است و پیش از این متحمل بی‌نظمی و بی‌قانونی نمیتواند بشود - لهذا احکام صادر و به پوشهر فرستاده شد - این بود که در دوم دسبر وقلبه خورجین انگلیس پستی پوشهر رسید رئیس کرکات بکشتی رفته موافق ماده پنجاه و یکم امر بردن کسبههای پستی بداره کرک نمود - قونسول انگلیس این واقعه را باین قسم بطهران تلگرافاً اطلاع داد (اداره کرک پست انگلیس را ضبط نموده است) ژانچ وافر اینگونه تغییر و وضع سابق را پروتست نمود - بموجب مغلولات نظامنامه عمومی که بامضاء سفارت انگلیس رسیده بود جواب گفته شد ژانچ وافر مسئله را بصدارت عظمی و وزارت امور خارجه مطرح نموده بود - پس از اصفاء اجریه محله اداره کرک که ژانچ وافر نتوانست رد میکند حق بطرف اداره کرک دادند و با نهایت مغفولیت و آداری فوق‌العاده به ژانچ وافر جواب دادند - (که دولت علیه ایران از این مطلب صرف نظر نخواهد فرمود) در مقابل این جواب سریع ژانچ وافر گمان کرد که تهدید و تحریف مقصود خود قائل تواند شد اظهار داشت که کشتی جنکی انگلیس پوشهر خواهد آمد - جواب بقاعده دادند - از قرار معلوم طمس خیلی از حقیقت مطلب دور است که گفته است (دولت علیه ایران سر بزر افکنده رضامندی داده و مسنوت خواست)

اداره جلیله کرک بعضی وضع تصدیق اولیای دولت قبول موقتی نمود بر اینکه اجرای ترتیبات گمرکی درباره آن پستهها بعضی اینکه در اداره کرک بشود دو پستخانه انگلیس بنمایند - یعنی پسته و کسبها را بعضی آنکه از کشتی بداره کرک برسد در تحت نظارت اجراء کرک به پستخانه انگلیس برسد و در آنجا با حضور مأمورین محکم کرک کسبها را باز کرده پستهها را بشمارند و رسیدگی میکنند - اولیای دولت علیه ایران بالصراحت فرمودند که این ترتیب موقتی است و بالمال باید اجرای نظامنامه عمومی بشود این است آنچه در اینخصوص مذاکره و مقرر گردیده است - از مطالعه صورت مجلس بخوبی مستفاد میشود سکه

را امراء بنکه اغواء میکنند - و چون قوم یا دولتی در مقام حفظ حدود و حقوق خود قدسی بخلاف منافع و فوائد موهومه یا معلومه مشروعه یا غیر مشروعه آنان بردارند فریادها برکشند - و انواع اتهامات و اذیبت متهم سازند نسبت توحش و بجزیریت و بی‌تهذیبی بدو دهند ملت خود را بر ضد آن ترفیب کنند و خود را مظلوم و حامی نوع و حافظ امنیت و طرف را ظالم و غدار و آشوب طلب بشمارند - و همیشه در مرسته قوم خود را محق و دیگر را قاصب جلوه دهند - و این معنی دو تمام ملل فرنگ سازی و جاری است چنانکه در حرب فرانس و آلمان جراند فرانسه نسبتاً به (بیزملوک) دادند و او را دشمن نوع بشر و مخرب اساس تربیت و قائل تمدن گفتند - و بمکس جراند آلمان همین مذکورات را درباره فرانسویان - در جنگ ترانسوال سکه آسمان و زمین بر حقیقت مظلومیت طرف گواهی میداد جراند انگلیسی آقوم را غاصب و ظالم و متمدی بمحقوق انگلیسان و کروگر را مقصر و گناهکار میشمرند الحق جراند انگلیسی گوی سبقت را در این عمل از تمامی جراند اروپا برده اند تا آنکه پاک ندانند از ارتکاب اعمال بسیار قبیحه در راه نصب جاهلان در صورتیکه ابدأ قائده برقی مرتب نیست جز ضرر - چنانکه دو مسئله عثمانی و ارمنه و متازعه با یونان این داعیان تهذیب چندان مرتکب عملهای لغو و کارهای زشت شدند سکه خود انگلیسان نیز نفرت کردند و صورت اعلیحضرت سلطان عثمانی که امروز سبده ملیون نفوس او را محترم میشناسد بدترین اشکال و تانیل در صناعات جراند میکشیدند - با اینکه یک نتیجه این عمل رسکیک ضرر مسلمانها از این دولت و ملت میگردد - اینک مدعی است برخی ازین جراند همان خامه را بطرف ایران و ایرانیان برگردانیده هرچند روز بنوائی در این خصوص صحبت میدارد - من جمله روزنامه طمس بمبئی مورخه ۹ جنوری گذشته شری از قول وقایع انگار خود در پوشهر نوشته بود که در نمره (۱۸) آنرا ترجمه نمودیم و چون دوست ما از اصل مسئله خبر نداشتیم از مواقع رسیده این قضیه را تحقیق کرده معلوم شد روزنامه مزبوره بکلی از منبع انصاف خارج گشته و بنصب سخن گشت - اینک شرحی که وزارت جلیله کرک از طهران بداره فرستاده و وزارت جلیله خارجه ایران نیز تصدیق کرده میدکاریم تا معلوم شود که حقیقت امر چیست - وهو هذا

جواب روزنامه جبل‌المتین

(شرحی است که از وزارت کرک بداره رسیده و)

(وزارت خارجه دولت علیه نیز تصدیق کرده است)

انفاتیکی بین اداره کرک و پست انگلیس واقع شده بود و روزنامه طمس بمبئی آنرا بشاخ و برگهای خیالی در طی صفحات خود درج نموده است اینک ذیلاً بطور صحیح و بدون هیچگونه شائبه نگاهته میشود

در غرض ستمبر آخری یک نفره نظامنامه عمومی گمرکی که مانند یک عهدنامه موقتی محکم است پس از مذاکرات و گفتگوهای لازم از طرف دولت انگلیس و حکومت هند و بر مختار انگلیس امضی نموده بموقع اجری گذشته شد - در ارتیکل (۲۷) همان نظامنامه مندرج است - کسبهای محتوی

دولت علیه بواسطه حفاظت خود در این مسئله قوی بوده
آزیکل طمس نیز مانند جهت هارز دانه بیپروجه علیه
نفتاده است - از اینرو میتوان کمال اطمینان را حاصل کرد که
اداره ترک که در افسال و اعمال ضحوت او بدولت علیه
مهرمن است بدها نیز در دفع بعضی اشکالات کلهو حقه
می بلیغ خواهد نمود و البته دولت علیه هیچوقت تحمل
اینگونه ناملازمات را نخواهد کرد و یقین دارم که دولت
بیته انگلیس نیز پس از اطلاع از حقیقت مطلب عمال حکومت هند
را مجبور بملفظ حقوق حقه دولت علیه ایران خواهد نمود

مکتوب از رشت

بدون مقدمه - حقیر دو سال است رشت آمده
ملاحظه می کنم کلیه ایرانیان با جهد تمام متاع خارجه
را رواج میدهند بخصوص رشتیها که در رواج ائمه
خارجه خیلی سالی اند متاع ایران ادا حق جبهه نموده در
بازارها پیدا نمیشود - چادر شب یزد معلوم شد تمام مال
فرنگ است در خود رشت هم چند دستگاه باقدگی
است چادر شبهای خیلی اعلا درست می کنند چه فایده
یکگاهه در خود رشت مصرف نمیشود - اینست که روز
بروز ثروت ایران کم و احتیاج ایرانیان زیاده میشود -
هیچ کس ملتفت نیست پست سال قبل هر کس سه
هزار تومان دارائی داشت حالا هزار و پانصد تومان
شده - سابق می گفتند سکه ایران قره است و قره
تزل نموده حال که قره تزی کرده با این کمباری
قرانرا حمل لندن نموده آب کرده میفروشند و صرف
می کنند - چند سال دیگر در ایران سکه قره هم
معلوم خواهد شد و در دست مردم جز نوت بانگ
نخواهد ماند - آنها آخرش معلوم
حال کلیه پول متداوله بین مردم نوت بانگ شده است
در رشت خارجه بسیار اند اسسال وضع
باعتباری و در شکستگی تجار معلوم کار هر کس میروپ
شود خارجه با حکم محکم حق یا ناحق خود را تمام
میگیرند و بجلوه داخله را جز از آه سرد چیزی نمیداد
همین نکات سبب شده بسیاری ترک تابیت نموده با
قلب و مصارف بسیار رعیت خارجه میشوند کسی هم
نمی پرسد با یا شا از کجا و بجه مناسبت رعیت خارجه
شده آید بعضی ها از خارجه و کالت نامه می آورند آنوقت
با حکم خودشان هر چه میخواهند می کنند هر گاه
اولیای دولت علیه جلوگیری ازین عمل شایع نه نباشد
و حکام بان نحو جنیدی بگذرد ثلث بر غیران ایران

رعیت خارجه شده با لکلیه ترک تابیت خواهند گفتند
در رشت پنج یا شش سال است مدرسه بزور و
تشویق حکومت دابر شده آنصورترا که حقیر دیدم
بچهار تومان سالی از اهلیان رشت و صاحب کارخانهها
و غیره بدین اسم میگیرند - فقط هفتادقر شاگرد دارد
۴۰ نفر مجازی و از باقی مانی یک تومان میگیرند مدت
دو سال است امتحان نداده و علاوه صورت دخل و
خرج مدرسه هم معلوم نیست کسی نمیداند سالی پنج شش
هزار تومان بکدام محل صرف میشود اگر مثل مدارس
طهران صورت دخل و خرجرا میدادند مزید بر
تشویق اهالی میگردید آقایان رشت که بولجبهه مدرسه
می دهند ابدأ در این عوالم نیستند که بکجا صرف
میشود حبه بعضی ملاحظاتی عقب نمی کنند

دیگر آنکه هرگاه علای اعلام همت و توجه فرموده
از راه اسلام خواهی و ملت پرستی و دولت خواهی امر
فرمایند با جبهلاری کارخانه و دست کار پیود و غیره
لازم نیست مرده را دفن بکنند با کرباس با کوزه طیبی
طاهر وطن دفن شود بهتر است همایه سفید یا سیاه
حکم نرسیده که دو توپ یا تخته خارجه باشد با چهار ذرع
کرباس قناعت میتوان کرد - کلاه حکم نرفته پوست
بخارا یا ماهوت فرنگ باشد کلاه نقد بسیار خوب است
و چادر شب ممکن است از کار کرد خود ایران کفایت
مکنند این سه فقره نه سرطابه میخواهد نه طاشین
نه قاپریک در کار دارد که بگوئیم امکان نیست ازین سه
فقره سالی پنج شش کرور پول در خاک ایران میاند
دو کرور مخلوق از این عمر نان میخورند این نکات
بسته به همت علای اعلام و امنای عظام دولت است
همینکه آقایان همایه کرباس گذاشتند و امنای دولت
کلاه طرز نوباب نقد بر نهادند همومیت پیدا می کنند
مطلب زیاد است اما زبان من قدرت بیان ندارد

تشریح معنی پلتیک

یا تجدید مجسمه آن

یاد دارم در یکی از شماره های جیل المثنی تشریح
معنی پلتیک را نموده بل مجسمه آن را کشیده بودیم -
برای آگاهی ابناء وطن عزیز شایسته چنانستکه این مسئله
تکرار و یک تفعه جدیدی باز برای حرکت حسن ملی
ایرانیان رسم نمایم

جموله ایران معطوف میدارد. ظاهر است این خبر را تنها (تلگرافنگار) نه نوشته جمیع اخبارات فرنگ هر يك با شاخ و برگ و تصرفات مسیحا نه نوشته ولوله در اروپا انداختند. کپانی (روتز) همین مسک را درباره دولت چین با اشاره نمایندگان بلتیک خارجه اختیار کرده و دول هفت گانه را بممالک دولت آسمانی به پست جنگ هفت لشکر دعوت نمود.

این نکته پوشیده نیست که ترقیات اروپا مال اندیشان اروپا را در اقتدارات موجوده خود برای آیه در آسیا برآمده انداخته از طاقت شرق و شرقیان بر خویش ترسیده و تا آخرین قطعه اقتدار سعی اند که این عزت مستعار خود را در مشرق زمین نگاه داشته و زیاد کرده تا درجه که ممکن است مشرقیان را اسیر سرعته اقتدار خود ساخته از ترقیات زمان باز داشته بلکه سدی محکم در جلو بروز قوت و قدرت عقلیه آنها کشیده قسماً بخود مشغولشان داشته که نتوانند بخود سازی کرایند. بر جمیع ارباب دانش و بصیرت و واقفان رموز ترقیات ملل و دول پوشیده نیست که بعد از اروپا اول ملت و دولتیکه در آسیا پای بدامنه ترقی گذارند دولت و ملت ایران است. چه همه ابواب ترقی بروی آنها باز. ملت می رود اندک اندک معنی اتحاد و حب وطن را بفهمد. دولتیان نزدیک است منافع اتحاد با ملت را ملققت شوند. این است که توجه اروپائیان ازین و بعد بجانب ایران پیش خواهد شد و بهر تدبیر نتوانند میخوانند ملت و دولت ایران را بخود مشغول و از ترقی باز دارند.

پس طراست که گوش بزنگ کار بوده از هر طرف آنها بدوند بدوزیم و بهر طریق مسکه به بندند باز نایم. آنها را موقع نداده و فرصت نه بخشیده تا وقتی که قوای خویش را چون زاپون کرده بکفنه امیدشان را ازین گوه آرزوما قطع و دشتشان را بدین آرمانها کوتاه داریم بعبارة الحری باید دمای باطل السحر آنها را بکار بریم و با تیغ خودشان قطع آرمانهای آنان کنیم اما بلتیک که درین جا بکار برده شده این است که در قلوب عموم غربیان جای دهند که شکستهای بی دری در روس در اقصای شرق مشرقیان را عموماً و مسلمانان را خصوصاً بر خلاف عیسویت برانگیخته محاربت صلحی را بیاد آورده اند. همین که این نکته در قلوب

تلگراف خبر روتر را از عشق آباد که مبنی بر اغتشاش خراسان و کاشان (باقرجان) بود در شارهائی قبل اشاره نمودیم. اینک مسکه پست اروپا رسید در روزنامه (مارنگ پست) که از روزناجهات مستبره انگلستان است مورخه ۲۴ مارچ عنوان ذیل بدین شرح و بسط نگارش یافته بود.

ترجمه روزنامه مارنگ پست لندن

(مورخه ۲۴ مارچ)

خبر (روتز) ۲۲ مارچ از [عشق آباد] بموجب تلگراف مشهد چنین خبر میدهد. دیروز علی الصباح مسلمانان با اسلحه تمام آغاز بشورش نهاده کاروانسرا و دکان و خانه های بسیار مهدم و انبارهای تجاری (مستری کرمشوف) را غارت کرده ده هزار تومان مسکه معادل با سه هزار و پانصد لیر است غارت کردند. و نیز انبارهای چند که در قبضه ایرانیها بود تاراج شد این تبارها راجع به (کوکاس) و (مراکوز) که بسته تکمیل شرقی روس است بوده. تمام ادارات تجاری خارجه مسدود و همه باجان خویش بازی مینمایند. حکومت و سایر مأمورین دولت را آن قوت و اقتدار نیست مسکه بتوانند با شورشیان مقابله نموده امنیت را قائم دارند. شورشیان با تمام قوت خود مستعد حمله بر رعایای روس میباشند. رعایای روس در قونسلخانه دولت متبوعه خود پناه برده بر جان خویش ایمن نیستند اهالی را اعم از داخله و خارجه زاهد الوصف خوف و خضعت فرا گرفته است.

در حالیکه این تلگراف توجه فرد فرد اروپائیان را بجانب اغتشاشات موهومی ایران معطوف داشته بود محض تصدیق و اهمیت آن تلگراف ذیل را اشاعت دادند

ایضاً ترجمه از روزنامه مارنگ پست لندن

(مورخه ۲۸ مارچ)

بتاریخ ۲۷ مارچ خبر (روتز) بموجب تلگرافیکه از کاشان یافته چنین خبر میدهد. اهالی علائیه سر بیاضی گری زده رعایای روس از هر طرف راه فرار پیش گرفته اند.

واضح است این تلگراف اولیه را چه قدر قوت و توجه عامه اهالی اروپا را بجانب اغتشاشات موهومه

مضار آن هند در تردید بمحولات بتیسی اجنبی دقیقه فوت وقت و اروا بجا دارند - اینها نتیجه کار بکاروان کردن و نیز برای کارها آدم پیدا کردن است - جناب علامه السلطنه سفیر لندن هنوز از طهران معاودت فرموده این اقدامات بجهت نتیجه کاردانی و کار آگاهی جناب آقا میرزا مهدی خان معین الوزاره زار ؟ و دافتر سفارت سنیة لندن فرزند ارچند جناب علامه السلطنه است که مصداق (و من یشاء ابه فانظلم) واقع گردیده اند - از خداوند خواهانیم که امثال اینگونه جوانان تربیت شده با دانش قابل را در ملک و ملت ما زیاد فرماید خصوص این حوادث در ایران چندان جلی تعجب نیست چیزی که حایة شکفتنی است عدم توجه رجال دولت خاصه وزارت گمرکات بدین نکات مهمه است که بی در پی ارمانه که آله اغتشاش دست احباب در مملکت اند بکارهای بزرگ کاشته آنان را قوت و نفوذ و رسوخ می بخشند - آیا واقعات و خسارات دولت عثمانی را ازین گروه میتوان از نظر دقت دور داشت ؟ آیا اغتشاشاتی که این طایفه در روسیه انداختند مزاور است فراموش شود ؟ واقعات جگر گداز باد کوبه و سفر قفقازیه نباید متذکر سازد ؟ قضیه تبریز ورشت و حادوة امروز خراسان باز ما را بهوش بخواند آورد ؟ شکفت این است روزنامه مقدس دوازده سال درین موضوع بحث کرده و از بس قلم زده ما از نوشتن وقایعین محترم از خواندن خسته شدند ولی ابداً بدولتیان اثر نه بخشود - امیدواریم درین دوره که عصر ترقی ایران بشمار است هر ایض خیر خواهانه بی غرضانه جبل الملتین که همه از روی بصیرت و حال اندیشی است پیش از پیش بموقع اصفاء آید آنچه باید نگارشات جبل الملتین بدر رود رفته خوب است لژین و بعد بموقع اجرا آمده اسباب تنبه گردد

انجمن تجارتي ایرانیان بمبئی

ظاهر است تجارت ثروت مملکت را روح روان و هیچ مملکت ترقی نه کند مگر باقتضای وقت و مناسبت زمان اصلاحات لازمه و ترمیمات ضروریه در امور تجاری خود بدهد و این امر صورت نه بندهد الا به تشکیل مجالس تجارتي که آراء عمومی جلب و بمشوره آقایان از تجار ترقیات مناسبه را کسب نماید - از آن ولایتی که

طایفه اروپائیان جای گرفت اثراتش لازم به بیان نیست هر کس بالسنه تخرجه آشنا و به نکات اخبار نگاری و فوت کاتبه گری روزنامهجات فرنگ واقف است این مطالب را تصدیق نموده اهمیت این سخنانرا بخواند یافت - افسوس که جرائد فارسی زبان اما اهم از خارجه و داخله ناقص و ابدا متوجه این موضوعات نشده بلکه اینقدر در این میدان عقب اند که شاید پس از دو سه اینگونه اخبارات بگوششان هم نرسد - چرا نباید امروز یک کلبانی منبری دائر و یک روزنامه روزانه برای دفع از اجانب در شهر پایتخت خود داشته باشیم ؟ عدم آزادی قلم بهانه بزرگی برای تنبلی و کاهلی ارباب جراید فارسی از وظائف خویش بدست داده - و حال آنکه در صدنکته اخبار نگاری بی از آن آزادی قلم است این اعتراضات فقط بهمصران محترم نیست ما خود را هم در ادای وظائف خویش قاصر و مقصر می شماریم و در برابر جرائد خارجه لاشیخی محض می نمایم

بالجمله - چنانچه در ماده استخای جناب علاء الدوله بمحولات جرائد خارجه و مخبران (روتر) از جانب سفارت سنیة لندن و پتوسبرگ رسماً تردید و ترجه اش را ما مشروحاً در نامه مقدس درج نمودیم همان قسم سفارت سنیة لندن بی بمضار این نکته برده پس از تحقیق رسماً در اخبارات لندن بدین قسم تردید نمودند

ایضاً ترجمه از روزنامه مارنگ است لندن

(مورخه ۲۸ مارچ)

سفارت سنیة ایران در لندن تردید میکند - بیانات مخبر (روتر) را در ماده اغتشاشات خراسان و چنان تصدیق می نماید که این اقوام است خارج از آرایش و تصنع نبوده - اغتشاش خراسان بسیار بخیف و بای آن هم یکی از ارمانه بوده که مورت هنگامه قلیلی شده است - ایالت جلیله خراسان با کمال قوت و اقتدار رفع اغتشاش را نموده نیران بغاوت را فرو نهاده - اینک شهر در کمال امنیت و اهالی در منتهای آرامی اند

جبل الملتین

چه قدر باید خیر خواصان وطن و دانشمندان ملت بدانش سیاست و کید است جناب علامه السلطنه سفیر دولت علیه و جناب مشیر الملک سفیر پتوسبرگ بنارزند و نظر نمایند که فوراً بی بدین نکات مهمه برده و ملتفت

مشروعاً مملکت بی پهره است بلکه ملک و ملت و دولت را زیادهای کلی میسراند - مثل تجار محرم ایران که از راه قلب امنة قیسة مملکت خود را برای چندشاهی منافع غیر مشروع شخصی بدنام و خراب و از رونق بازار می‌ندازند - و بعضی آنک متعسف ذاتی دلال و ناشر امنة و اجناس اجانب در داخله شده ثروت بجماعت و خویش را که خودشان هم سهم اند جلوب کرده بخارج میفرستند - و حال آنکه اگر نصف آن زحمت را که در انتشار امنة خارج کنند و ربع آن اقدامی را که در قلب نمودن اجناس مینمایند در صافی و پاکیزگی و بی‌غشی و نزوح امنة ملک خود نمایند زیاده را آن قلند نتواند حاصل نمود

بالجملة جناب منعم السلطان وزیر مقیم نودهم محرم الحرام (۱۳۲۳) تجار محرم بمبئی را در قولساخانه دعوت نموده پس از بیانات معوقانه و امیدوارساندن تجار محرم را بضایات ملوکانه اظهار داشتند که چرن بندر معسوره بمبئی برای تجارت هند و ایران سمت مرکزیت دارد و تجار محرم ایرانی هم اهم از زودستی و مسلمان یش از سایر شهرهای هندوستان موجود اند شایسته چنان است باسم مجلس تجارت انجمنی ملحقه تا هم رفع منازعات تجارتنی بین خودما را در این مجلس نموده و هم در ترقی تجارت داخله سی و اقدام کنند تجار محرم پس از تفکر از جناب وزیر مقیم که مؤسس این بنای خیر که نقش هم باید بخودشان وهم راجع بملت عثمان با کمال مسرت تشکیک مجلس داده اعضا را منتخب نموده قانونیة بموجب دلیل مرتب ساختند (باقی دارد)

جغرافیای ایران

(از شماره ۲۹)

(اردیبه)

این شهر در شرق جنوب سکوه (ساوالان) در دشتی که بنام خودش موسوم است در کنار رود خانه (فرموس) که یکی از رودهای میباشد که به ارایس می‌ریزد و در بین جاده که از تبریز به بندر آستارا می‌رود واقع و دارای سی هزار الی دو برابر آن نفوس میباشد (چون خبر محبیبی در دست نیست همان شهر کم سکوه سی هزارست محل اعتبار قرار دادیم) و

ایرانیان در هیچ امر علم را شرط عمل نمیدانیم و از هیچکار نوعی نیرفانده نبردیم تصور فوائد تشکیل مجالس تجارتنی را نمی‌نمایم - و حق هم داریم چرا که در هر یک از بلاد ایران هیشک باسم مجلس تجارت جمع و جز یک گونه اسباب مدخل حکام و منافع شخصی و ذاتی بعضی از اعضاء ملک و ملت را فائده باید نگردیده است - ازین رو چنانچه اهمیت عهده‌ها و وزارتها و مجالس از اثر بی حکماری از میان برداشته شده عظمت مجلس تجارتنی هم از بین رفته است - و چون درست ملاحظه شود تا امروز وزارت تجارت مامم برای نام بوده و یا مدد معاش یکی از محترمین رجال ابد خدمت نایبی بملک و ملت نگرده اند - امیدواریم ازین و بعد از برکت دانی و سیاست جناب سعدالوله وزیر تجارت که امروزه ملت را بدانش و بی طمعی و کار آگاهی ایشان غرهارست اهمیت و عظمت و قلند وزارت تجارت بملک و ملت ما نیز ظاهر گردد

اهمیت تجارت و مجالس تجارتنی را باید از انگلیسان پرسید که به برکت کبانی شاهنشاهی هندوستانوا ملک گردیده و ثروت طلی را در جزیره کوچک انگلستان جلب نموده کیسیونها که از جانب مجالس تجارتنی باطراف فرستاده میشود و فعلا از طرف مجلس تجارت بنگال و کاپور ایران رفته و ملیونها در این راه صرف مینمایند و ولوله در عالم انداخته و دولتی را متزعزع ساخته قلند اش معلوم و اهمیتش معین است

امروزه هر قوم که در تجارت ترقی سکرد کوس اهدک و برتریش بین الملل زده میشود - دولت و ملت روسی از زمانی که توجه خود را بجانب تجارت معطوف داشته اهمیت سلطنت و قوت دولت و ملتشان بک برده شده است - ژاپون که این قوت و عظمت را در عالم حاصل نموده و جمیع اروپا را منززل و سر بجه قدرت اولین دول مقتدره را پچانده از برکت تجارت است - ملت و دولتی که تجارت ندارند اساس ثروتشان بر آب است - هر ملت و دولتی که ثروت ندارند حائر هیچگونه ترقی و استقلال نتوانند شد - اگر هم از روی تصادف موقتاً قوت و اقتداری پیدا نمایند چون نقش بر آب یا صورت حباب است - ولی تجارت شرایط بسیار دارد که اول آن علم است ورنه تاجر بی علم نه تنها خود از منافع